



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

رشد مجله

www.roshdmag.ir

۲

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره ۴۳
شماره پی در پی ۳۶۴ | آبان ماه ۱۴۰۳

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات
در دسترس عموم جامعه آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه
مخاطبان در میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی
سر دبیر: عباسعلی مظفری
شورای برنامه ریزی:
دکتر حامد عباسی
دکتر لیلا میرزانی
دکتر منوچهر فضل‌خانی
مونس بازوکی
مرجان هداوند
مدیر داخلی: شهلا فیهیمی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسائزاد
طراح گرافیک: مجتبی زند
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پایک: ۳۰۰۰۸۹۵۲۰

وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پيام‌نگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست



نشانی کانال مجله رشد
معلم در پیام رسان‌ها باشد:
@roshd_moallem



وبگاه نظر سنجی
مجلات رشد

- یادداشت سردبیر** / نامه‌ای از عمیق تاریخ / دکتر عباسعلی مظفری * ۲
- رویکرد تربیتی** / تربیت گفت و گویی: راهنمای عمل / دکتر محمد حسنی * ۴
- مهارت‌های معلمی** / علم نافذ / دکتر منوچهر فضل‌خانی * ۳۶
- معلم‌ها هویت سازند** / دکتر مختار ذاکری * ۷
- فن بیان، کلید موفقیت** / زهراسادات الطافی * ۱۴
- این فقط یک رفتار نیست!** / لیلا سلیقه دار، فاطمه امامقلی * ۳۰
- فرمانروایی آراמש** / دکتر محمد نیرو * ۳۸
- از شبیه تا واقعیت** / محمد پورنوروز * ۴۱
- نقد و نظر** / شناسایی تیزهوشان پنهان / انلدار محمدزاده صدیق * ۱۰
- سواد رسانه** / جنگ موریا نه‌ای / دکتر عباسعلی مظفری * ۱۷
- فناوری‌های نوین** / هوش مصنوعی، فرصت‌ها و تهدیدها / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۲۰
- تجربه‌های معلمی** / نومعلم‌ها کوچک / رقیه ناموری لاله * ۲۴
- سبک زندگی** / تغذیه در دوران طلایی رشد / شیما مظفری، متینا قهرمانی * ۲۶
- بازارهای بافتگان** / برای ایران باید جان داد / مریم ظفرمند * ۳۳
- سفر به دنیای خاطره‌ها** / در خانه اگر کس است... / محمد به شامی * ۳۵
- بهداشت و سلامت** / بی خبر از تهدیدی خاموش / دکتر زهره افتخاری * ۴۴
- یادها و خاطره‌ها** / تقویم آبان / دکتر لیلا میرزایی * ۴۷
- کافه کتاب** / برگزاری نمایشگاه و جشنواره * ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. اثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، و پراش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله حاضر و تأمین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



برای اشتراک مجلات رشد
پوش کنید

نامه‌های

از قلم

نامه ۳۱ نهج البلاغه یکی از زیباترین و طولانی‌ترین نامه‌های امام علی (ع) است. این نامه منشور تربیت و درس نامه کامل اخلاق، تهذیب نفس، خودسازی، تربیت و سیر و سلوک الی الله است. همچنین، بسیار زیبا، عمیق برای استادان، دانشجویان، معلمان و والدین کاربردی و مفید است. بی‌تردید مطالعه، بررسی و بهره‌گیری از آن برای همه ما، به خصوص معلمان عزیز، در کنار آموزش درس‌های رسمی، لازم و ضروری است.

این نامه اخلاقی، تربیتی، تاریخی، اعتقادی، سیاسی و علمی را که از سی بخش تشکیل می‌شود، گویا همین امروز امام (ع) برای همه انسان‌ها نوشته است و در این زمان با ما سخن می‌گوید. بنابراین، مطالعه و تحقیق فردی و گروهی درباره آن و حتی در جلسات انجمن اولیا و مربیان و در کلاس و خارج از کلاس، راهگشا و تأثیرگذار است.

جرج جرداق مسیحی، استاد ادبیات عرب در لبنان، اعتراف می‌کند: «جاذبه‌های کلمات امام علی (ع) شوری در من ایجاد کرده که ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم (دشتی، ص ۹)».

چقدر برای ما حسرت دارد یک مسیحی آگاه، بادرک درست، ۲۰۰ بار نهج البلاغه را خوانده است و از آن الهام گرفته و زندگی اش سراسر نور شده است، اما ما به عنوان مسلمان (شیعه یا سنی) چند بار همه یا بخش کمی از این منشور تربیت و کتاب زندگی را مطالعه کرده ایم؟ برای آشنایی بیشتر با این نامه مهم، در ادامه به اختصار نکاتی از آن ارائه می‌شود.

دکتر عباسعلی مظفری

* گذری کوتاه به محورهای نامه

امام علی (ع) در سال ۳۸ هجری، در نامه ۳۱، خود را به عنوان نویسنده و فرزندش امام حسن (ع) را به عنوان مخاطب، با عبارت‌هایی بسیار پر معنا معرفی می‌کند (همان، ص ۳۷۱) و نامه را به عنوان وصیت پدری دلسوز و پر محبت برای فرزندی که به شدت مورد علاقه پدر است، می‌نگارد: «... و تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی. آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است...»

امام علی (ع) به تقوا، بررسی تاریخ پیشینیان، احتیاط در همه امور، شکیبایی در برابر مشکلات، توکل بر خداوند و سپردن کارها به دست او و توجه به این حقیقت که قلب و روح جوان آماده پذیرش هرگونه تعلیماتی است، توصیه می‌فرماید

در فرازهایی، نخست از فزونی
مجهولات انسان نسبت به معلومات و
هشدار درباره هرگونه انحراف از حق و
تأکید بر پیروی از پیامبر اسلام (ص) و این که
هیچ کس بدون تأسی به او به جایی نمی رسد،
سخن می گوید. سپس به مسئله توحید و شرح
بخشی از صفات خداوند و آنگاه با ذکر مثال های
بسیار زیبا به ترسیم ناپایداری دنیا می پردازد. در
ادامه، به روابط صحیح اجتماعی تأکید می فرماید:
«... ای پسر، نفس خود را میزان (داوری) میان
خود و برای دیگران قرار ده. آنچه را برای خود
می پسندی برای دیگران هم پسند و آنچه را برای
خود نمی پسندی، برای دیگران پسند.»

از آفات اخلاقی مهمی مانند خودبینی سخن می گوید
و خدمت به خلق را زاد و توشه ای مهم برای آخرت
می شمرد و درباره راه پرپیچ و خمی که در مسیر آخرت
هست، هشدار می دهد. از اهمیت دعا و اینکه کلید
همه خیرات و برکات است، به طور مشروح سخن
می گوید و هدف آفرینش انسان را که همان زندگی
جاویدان آخرت است نه زندگی بی حاصل چندروزه
دنیا، برای فرزندش روشن می کند.

بر حفظ حقوق مردم و نیکی به برادران مسلمان تأکید
می کند. سپس اندرزهای مهمی درباره حریص نبودن
برای به دست آوردن روزی، می دهد. پس از آن، بخشی از
مسائل مهم مربوط به حفظ حرمت زنان و رفتار صحیح
با آن ها را یادآور می شود. سپس درباره مسائل مربوط به
مدیریت زندگی و تقسیم کار میان افراد و همچنین اهمیت
توجه به خویشاوندان می فرماید: «... خویشاوندان را
گرامی دار، زیرا آن ها پربال تو می باشند که با آن پرواز
می کنی، و ریشه تو هستند که به آن ها بازمی گردی،
و دست نیرومند تو هستند که با آن حمله می کنی.»
و چقدر زیبا به نامه خود پایان می دهد: «دین و دنیای
تو را به خدا می سپارم و بهترین خواسته الهی را در آینده
و هم اکنون، در دنیا و آخرت، برای تو می خواهم.»

نهج البلاغه که فوق کلام خلق و در پرتو کلام خالق
است، مهم ترین مباحث اخلاقی، تربیتی، تاریخی،
اعتقادی، سیاسی و علمی را به ساده ترین و زیباترین
شکل بیان کرده است. بر ماست که از این اقیانوس
بیکران، با افزایش ظرف وجودی خویش،
حداکثر بهره را ببریم و دانش آموزان را نیز به
مطالعه آن علاقه مند کنیم.

منبع

۱. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۸).
الهادی. قم.



و بر این معنا تأکید می کند که پدرت تجربه های عمر
خود را بدون زحمت در اختیار تو می گذارد. سپس به
آشنایی هرچه بیشتر با کتاب خدا و حلال و حرام الهی
و سرانجام به اقتدا کردن به سنت صالحان پیشین و
لزوم پرهیز از شبهه، توصیه می کند: «... آخرت
را به دنیا مفروش و آنچه نمی دانی مگو، و آنچه
بر تو لازم نیست بر زبان نیاور...» یا می گوید:
«... بهترین سخن آن است که سودمند
باشد. بدان، علمی که سودمند نباشد،
فایده ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار
یادگیری نیست، سودی ندارد...»



پیش‌درآمد

در بخش‌های پیشین درباره درس تفکر در نظام آموزشی و دانش و هنر معلمی (پداگوژی) مناسب آن، یعنی تربیت گفت‌وگویی و ماهیت چنین روشی بحث کردیم. در این بخش درباره پیاده‌سازی دانش و هنر معلمی گفت‌وگویی در درس تفکر بیشتر توضیح می‌دهیم.

تربیت گفت‌وگویی

دکتر محمد حسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه
مطالعات آموزش و پرورش

* اجرای درس تفکر

با توضیحاتی که در بخش پیشین (شماره یک) این نوشتار داده شد روشن می‌شود، این درس، از منظر تربیتی درس شریف و کم‌نظیری است و حضورش در میان تجربه‌های مدرسه‌ای دانش‌آموزان غنیمت است. غربت آن در نظام تربیت رسمی و عمومی و بین کارگزاران باعث تأسف است. آشکار است که تجربه گفت‌وگوهای کاوشگرانه، فرصتی تربیتی است که در خلال تجربه‌های درس‌های دیگر نیز امکان‌پذیر است؛ یعنی می‌تواند گفت‌وگوی کاوشگرانه را در برخی فرصت‌ها که دست می‌دهد، امکان‌پذیر کند. در درس‌های گوناگون، بسیاری از موضوعات و مسائل قابلیت تبدیل شدن به محرک گفت‌وگوی کاوشگرانه را دارند. سال‌های سال نظام تربیت رسمی و

راهنمای عمل



بخش سوم

عمومی کشور نسبت به این زمینه رشدی دانش آموزان غافل بود. به بیان متخصصان برنامه ریزی درسی، برنامه درسی فکروورزی یک برنامه درسی مغفول بود. جای خوشبختی است که این حوزه رشدی از پشت پرده غفلت ها خارج شده است، اما شواهد پژوهشی از کیفیت اجرای این برنامه نشان می دهد که این برنامه درسی اگرچه مغفول نیست، اما بی اثر یا کم اثر است. در ادامه این نوشتار کوتاه تلاش می شود چند راهکار برای اجرای مؤثرتر تربیت گفت وگویی در کلاس درس تفکر (و پژوهش، سبک زندگی و سواد رسانه ای) پیشنهاد شود. این راهکارها براساس یافته های طرح ارزشیابی از برنامه درسی تفکر و پژوهش (تفکر و حکمت) تنظیم شده است.

* آگاهی دادن به والدین

والدین نیز از ذی نفعان مهم این برنامه هستند که طبق مباحث مندرج در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران، حق دارند از رویه ها و راهبردهای تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی (تربیت مدرسه ای) و منطق آن مطلع شوند. یکی از دلایلی که درس تفکر، درس درجه دومی تلقی می شود، نگرش اولیا نسبت به این درس است. آن ها درس های حساس و تعیین کننده ای مانند ریاضی و علوم را ارزشمندتر و مهم تر تلقی می کنند. شوربختانه آن ها این نگرش را نیز به دانش آموزان منتقل می کنند. همچنین در مواردی نیز دیدگاه خود را به کارکنان تحمیل می کنند.

اگر تبیین درستی از درس تفکر برای والدین صورت گیرد، از این نظر از وضعیت حاشیه ای خارج می شود و به متن فعالیت ها و تجربه های مدرسه ای وارد می شود. از این رو پیشنهاد می شود، با یاری و هماهنگی مدیر مدرسه^۱ جلسه هایی توجیهی برای والدین دانش آموزان، به ویژه پایه ششم، برگزار شود تا آن ها در جریان منطق این برنامه و ماهیت متفاوت دانش و هنر معلمی آن قرار گیرند. بهترین افراد برای گفت وگو با والدین در این جلسه ها، مدرسان و معلمان همین درس هستند که می توانند به زبان ساده عناصر اصلی برنامه را برای والدین تبیین کنند، تا انگاره ذهنی مناسبی از ماهیت این درس شکل بگیرد. مواردی که در این گفت وگوها باید به آن ها پرداخت، عبارت اند از:

- / ضرورت وجودی چنین درسی در شرایط کنونی؛
- / هدف اساسی این درس یا پیامدهای ارزشمند آن؛
- / ماهیت دانش و هنر معلمی گفت وگویی درس؛
- / روش های یاددهی یادگیری و ارزشیابی
- مورد استفاده در این درس؛
- / نقش دانش آموزان در گفت وگوها.

از جمله فعالیت هایی که در راستای فرهنگ سازی تربیت گفت وگویی بین والدین می توان انجام داد، دعوت از تعداد محدودی از والدین برای مشاهده فرایند گفت وگو و درک ماهیت تربیت گفت وگویی است. یعنی برخی جلسه های گفت وگو با حضور تعدادی از والدین، به عنوان ناظر یا مشاهده گر، برگزار شوند.

* توجیه و آماده سازی دانش آموزان

از مهم ترین ذی نفعان این برنامه خود دانش آموزان هستند. دانش آموزان طبق شواهد میدانی، تجربه های خوشایندی از این درس گزارش کرده اند. آن ها نگرش مثبت به این درس، آن هم به دلیل ویژگی های دانش و هنر معلمی آن، دارند^۲. برخی از این ویژگی های مثبت این درس که دانش آموزان به آن ها اشاره کرده اند، عبارت اند از:

- / آزادی بیان و امکان بحث با معلم؛
- / داشتن نشاط و فعال بودن در کلاس؛
- / وجود بحث و گفت وگویی کلاسی و گروهی؛
- / نبود استرس و نگرانی در کلاس تفکر؛
- / خودارزیابی.

این شواهد نشان می دهند، این برنامه تا حدودی در تأثیرگذاری بر نگرش های دانش آموزان موفق بوده است. هرچند دانش آموزان نظرات بدبینانه نیز بیان کرده اند. از این رو لازم است برای آمادگی های بیشتر دانش آموزان و همراهی با منویات روشی آن، در تجربه های آغازین این درس، به ویژه فرصت های یادگیری به نحوی سازمان دهی شوند که دانش آموزان برای ورود به عرصه این گونه دانش و هنر معلمی آمادگی بیشتری پیدا کنند. لذا به این منظور پیشنهاد می شود، در دانش آموزان، در خصوص منویات برنامه و منطق دانش و هنر معلمان آن، پیش آگاهی ایجاد شود.

یافته های این پژوهش حاکی از آن هستند که با وجود تجربه این درس در طول ماه های سال تحصیلی، بسیاری از دانش آموزان از منطق دانش و هنر معلمان این درس که همان تربیت گفت وگویی است، اطلاع کافی ندارند. این ناآگاهی مانعی جدی در همراهی دانش آموزان خواهد بود.

از این رو، برای اینکه دانش آموزان به ضرورت و منطق درس پی ببرند، لازم است معلمان و دبیران، در آغازین روزها و ساعت های شروع تدریس کتاب، به طراح فعالیت ها و جلسات گفت وگو اقدام کنند تا دانش آموزان از منطق و ضرورت این درس آگاهی پیدا کنند. روشن است، این پیش آگاهی یا پیش سازمان دهنده برای کل کتاب باید با روش گفت وگو اجرا شود تا این شناخت در حین بحث و گفت وگو برای دانش آموزان حاصل آید. پرسش های قابل طرح در این گفت وگوها عبارت اند از:

- / چرا گفت وگو لازم است؟
- / گفت وگو برای چه منظوری انجام می شود؟
- / نتایج و پیامد گفت وگو چه می تواند باشد؟
- / چگونه می توان گفت وگو کرد؟

بهتر است معلمان مطمئن شوند دانش آموزان به درک و فهم همدلانه ای از این نوع دانش و هنر معلمی رسیده اند. ممکن است این اقدام آغازین به عنوان ایجاد پیش آگاهی یا به تعبیر برخی دیگر پیش سازمان دهنده، نیازمند زمان بیشتر از معمول باشد تا دانش آموزان به نوعی درک مشترک از ماهیت، ارزش و اهمیت گفت وگو برسند. در ایجاد آمادگی دانش آموزان برای تشریف به ساحت تربیت



مهارت‌های معلمی

مهارت‌های معلمی

گفت‌وگویی، شتاب و عجله شایسته نیست و بایسته آن است که زمان را هزینه کرد، زیرا پیامد ارجمند آن، ارزش این هزینه کردن را دارد.

❖ مقدمات ایجاد اجتماع کاوشگری

گفت‌وگو نوعی تلاش و اهتمام فردی نیست، بلکه تکاپوی فکری کاوشگرانه‌ای است که به صورت جمعی انجام می‌گیرد. بنابراین، نیازمند هنجارها و قواعد خاصی است. فرق است بین کلاسی که تعدادی دانش آموز در آن حضور دارند که هر کدام به طور مستقل برای یادگیری و فهم تلاش می‌کنند، با کلاسی که دانش آموزانش با هم یاد می‌گیرند و فعالیت می‌کنند. بدون فراهم کردن زمینه تحقق اجتماع کاوشگری، تحقق منویات دانش و هنر معلمی این درس امکان‌پذیر نیست؛ یعنی تربیت گفت‌وگویی در فضایی مبتنی بر مناسبات اخلاقی رخ می‌دهد. این مناسبات‌های اخلاقی بر فرایند درک، فهم و عمل مشترک ارزش‌های اخلاقی مورد نیاز در مناسبات‌های اجتماع کاوشگری^۱ مبتنی است. به بیان دیگر، هنجارها و ارزش‌های مشترک دانش آموزان و معلم که روابط اجتماع کاوشگری را تنظیم می‌کند، مبنای روابط درونی اجتماع کاوشگری خواهد بود. در واقع، اجتماع وضعیتی است که در بطن آن اعتماد و ارتباط گروهی عمیقی برقرار است. یعنی بین افراد آن رابطه اعتماد و همبستگی گروهی وجود دارد. بنابراین، مهم‌ترین راهبرد ایجاد اجتماع، ایجاد حس اعتماد، حس مثبت نسبت به همدیگر، حس تعلق و انسجام گروهی است. برای ایجاد اجتماع کاوشگری این فعالیت‌ها پیشنهاد می‌شوند:

❖ از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها، گفت‌وگو و بحث دانش آموزان در باره قواعد و اصول گفت‌وگوست. این فعالیت در ایجاد وحدت و همدلی گروهی عامل مهمی است. پیشنهاد می‌شود قوانین کلاس و موقعیت‌های یادگیری مبتنی بر دانش و هنر معلمی گفت‌وگویی با مشارکت دانش آموزان وضع شوند. همچنین، معلم به عنوان عضوی از اجتماع کاوشگری، در صورت بندی قواعد اجتماع کاوشگری نقش فعال داشته باشد. معنی حضور فعال معلم به عنوان عضو به آن معنا نیست که این قواعد را رأساً صورت بندی کند و فقط در کلاس برای دانش آموزان بخواند یا توضیح دهد، بلکه قواعد و اصول باید به گونه‌ای صورت بندی شوند که همه دانش آموزان آن‌ها را از خود بدانند. حتی نگارش و تنظیم این قواعد را خود دانش آموزان انجام دهند تا به این قواعد احساس تعلق کنند.

❖ احترام به همدیگر، پذیرش

همدیگر، تهدید و تحقیر نکردن، از ارزش‌هایی هستند که لازم است در این مجموعه قواعد گفت‌وگو مورد نظر واقع شوند. دانش آموزان در حین گفت‌وگو درباره قواعد و ارزش‌های حاکم بر اجتماع کاوشگری باید به این درک برسند که برای تحقق چنین اجتماعی نمی‌توان هرگونه قاعدی را وضع کرد. قواعد باید با مقصود و منظور اجتماع که همان گفت‌وگوهای کاوشگرانه‌اند هم تناسب داشته باشند. ❖ محصول این گفت‌وگوها باید نظام‌نامه اخلاق گفت‌وگو باشد که به تصویب نهایی همه اعضای گروه رسیده و در کلاس در معرض دید همگان قرار داده شده باشد.

❖ چند منبع برای مطالعه بیشتر

- بی تردید همکاران عزیز با خواندن این مقاله اجمالی علاقه‌مند خواهند شد مطالعاتی تکمیلی در این باب داشته باشند. خوشبختانه منابع و آثاری در زمینه تربیت گفت‌وگویی به زبان فارسی نوشته شده‌اند. در اینجا برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.
۱. محمد رضا نیستانی (۱۳۹۸). اصول و مبانی دیالوگ: روش شناخت و آموزش. آموخته.
۲. دیرافاین. هنر گفت‌وگو. ترجمه مرجان مهدی پور. قطره.
۳. پیترو وویاک. دیالوگ. ترجمه مزده ثامنی (۱۳۹۷). بصیرت.
۴. علی ستاری (۱۳۹۷) آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان. سمت. تهران.
۵. دارلین سوئیت لند و ران استولبرگ (۱۳۹۸). ترجمه سید سینا میرعربشاهی. آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان. فیروزه. تهران.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسینی، محمد (۱۳۹۸) ارزشیابی دوره‌ای برنامه درسی تفکر و پژوهش در پایه‌های ششم، هفتم و هشتم. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. این پژوهش نشان داد، نگرش مدیر از ماهیت و ارزش این درس بسیار تعیین کننده است. نگرش مثبت و درک منطقی با ماهیت این درس بین مدیران شایع نبوده است. از این رو، همراهی مدیر با این برنامه، تعیین کننده موفقیت و عدم موفقیت آن خواهد بود. مطالعه این نوشتار برای مدیران نیز مفید خواهد بود.
۲. شگفت اینک در پژوهش مذکور یکی از دلایل علاقه‌مندی دانش آموزان به این درس، گفت‌وگوی آزادانه‌شان در کلاس با معلم است و معلم خود را یک طرف گفت‌وگو قرار می‌دهد. البته دانش آموزانی که تجربه درستی از درس تفکر ندارند و منویات درس به درستی برایشان اجرا نشده است، آن‌را کسل کننده و بی ثمر درک می‌کنند.
۳. اصطلاحی که در منابع و مراجع تربیتی رایج است، همان اصطلاح جو اخلاقی (moral atmosphere) است.

مختار ذاکری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه
فرهنگیان، هرمزگان

❁ مقدمه

در نظام آموزش و پرورش مایکی از اولویت‌هایی که به‌ویژه از دوره مشروطه به این طرف به آن پرداخته شده است، مسئله هویت است، به‌طوری که در سند برنامه درسی ملی کشور بیش از ۴۷ بار از واژه هویت استفاده شده است و این از اهمیت موضوع پرورش هویت فراگیرندگان از سوی دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت، از سطح‌های بالای تصمیم‌گیری تا سطح‌های اجرایی و کلاس درس، نشان دارد. در پیش‌گفتار برنامه درسی ملی آمده است: این برنامه با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است فراگیرندگان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خود، تادستیابی به مراتبی از حیات طیبه، یاری رساند. همانند سند برنامه درسی ملی، در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به موضوع هویت اسلامی ایرانی اشاره‌های متعددی شده است. در مقدمه این سند آمده است: تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی، باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با هویتی اسلامی انقلابی است. نظریه‌های زیادی آنچه را به شکل‌گیری هویت منجر می‌شود، مورد مطالعه قرار داده‌اند. هویت، آن‌طور که در ادبیات هویت درک می‌شود، می‌تواند در دامنه‌ای از ویژگی‌های انسان شناختی تثبیت‌شده از تولد تا ویژگی‌های خودانتخابی که در طول زمان تغییر می‌کند، مورد مطالعه قرار گیرد. مشهورترین حوزه‌هایی که هویت در آن‌ها مطالعه شده است، شامل نژاد، قومیت، جنسیت و مذهب، به‌عنوان هویت‌های مقوله‌ای، هستند (Vanessa, 2011:8).





میر بلوچ زهی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ارائه راهکارهای اجرایی برای تقویت هویت اسلامی ایرانی کودکان در مراکز پیش دبستانی به این نتیجه رسیدند که دوران پیش دبستانی، با توجه به نقشی که در شکل گیری شخصیت و هویت هر فرد دارد، یکی از مهم ترین دوره های زندگی محسوب می شود.

نتایج پژوهش میرزاپور و همکاران (۱۳۹۸) نشان دهنده کارکرد بالای آموزش و پرورش در نهادینه سازی هویت ملی دانش آموزان در ابعاد مورد مطالعه است. نتایج دو مؤلفه در بعد فرهنگی، دو مؤلفه در بعد تاریخی و دو مؤلفه در بعد اجتماعی، هویت ملی را معرفی کردند که به ترتیب عبارت اند از: «نمادها» و «نگرش و رفتار» در بعد فرهنگی، «روند تاریخی» و «آثار تاریخی» در بعد تاریخی و نیز «اندیشه و رفتار مدنی» و «احساسات مدنی» در بعد اجتماعی.

یافته های پژوهش محمودی (۱۳۹۸) نشان داد، در کتاب های درسی پایه دوازدهم، به برخی از ابعاد و مؤلفه های هویت ملی توجه کافی نشده است. فراوانی مؤلفه های هویت ملی در کتاب های درسی پایه دوازدهم رشته علوم انسانی به طور معناداری بالاتر از کتاب های درسی رشته های تجربی و ریاضی بوده است.

راستگو و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در تحکیم و ارتقای هویت دینی دانش آموزان متوسطه دوره اول» نشان دادند که سطح سواد والدین با ارتقا و تقویت هویت دینی دانش آموزان رابطه معنی داری دارد.

از مجموعه پژوهش هایی که پیرامون مقوله هویت یابی صورت گرفته است چنین برمی آید که در حال حاضر در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، روند هویت یابی به خوبی در فراگیرندگان محقق نمی شود. در این پژوهش این مهم را دنبال می کنیم.

✱ بحث اصلی

همواره در بحث هویت آفرینی هشت مؤلفه کلیدی اثرگذارند. چنانچه شخصی بخواهد زمینه هویت سازی خود یا در نقش معلم و مربی زمینه هویت آفرینی دیگری را فراهم کند، توجه به هشت مؤلفه ضروری است.

مؤلفه اول؛ ارتباط

معلمی که قصد هویت آفرینی دارد، در مرحله اول باید بتواند با مخاطب ارتباط مؤثر برقرار کند. ارتباط بین معلم و دانش آموز را می توان از دو بعد عاطفی ارتباط و بعد ارتباط ذهنی مورد توجه قرار داد. در ارتباط عاطفی، ایجاد و زمینه سازی اعتماد و پذیرش معلم توسط دانش آموز و همچنین پذیرش جو کلاس از سوی دانش آموز هدف است. در ارتباط ذهنی فراگیرنده با محتوای درسی، هدف این است که فراگیرنده بتواند با محتوا و موضوع مورد نظر ارتباط اولیه بگیرد. محتوا و موضوع باید با علاقه ها و نیازها مرتبط و با تجربه ها و شرایط زندگی دانش آموز متناسب باشد. در ارتباط ذهنی، معلم ابتدا باید طرحی پیشینی از موضوع و چگونگی و فرایند ارائه آن داشته باشد و قبل از ورود به بحث اصلی، به منظور ایجاد ارتباط ذهنی فراگیرنده با موضوع درسی، از شگرد هایی برای آماده سازی ذهنی آنان بهره بگیرد. برای مثال، چنانچه معلم بخواهد در مورد موضوع مهارت تصمیم گیری بحث کند، بهتر است ابتدا با طرح پرسش های جهت دار یا پخش فیلم کوتاهی از

فرایند تصمیم گیری و لزومات و پیامدهای آن، ذهن فراگیرندگان را برای ورود به موضوع درسی آماده کند. نکته مقدماتی مهم و ضروری دیگر در ایجاد ارتباط ذهنی این است که موضوع انتخابی برای آموزش نیز باید با تجربه های زندگی و پدیده ها و محیط پیرامونی فراگیرنده مرتبط باشد و در وی نیاز، پذیرش و علاقه اولیه به آن موضوع وجود داشته باشد.

مؤلفه دوم؛ آگاهی

بحث مهم در ارتباط با مؤلفه آگاهی که لازم است در کلاس درس مورد توجه معلم قرار گیرد، رویکرد تدریس است. رویکرد تسهیلگر بیش از سایر رویکردها در هویت آفرینی مؤثر است، زیرا معلم در این رویکرد با اعتماد و باور به فراگیرنده، فرصت معنا آفرینی را برای وی در کلاس ایجاد می کند. در این رویکرد معلم فرایند تدریس را فراگیرنده محور می کند و به فراگیرندگان اجازه می دهد به صورت اجتماعی و در فضایی جمعی، به معنادهی به محتوای مورد نظر اقدام کنند. معلم فرصت بحث گروهی، آزمایش، بررسی شخصی و فرصت اظهار نظر را در کلاس درس برای فراگیرنده زمینه سازی می کند. لازمه این رویکرد آن است که معلم پذیرفته باشد فراگیرندگان دارای ساخت شناختی و افرادی خلاق، نقاد، ایده پرداز و در خلق معنا توانمندند. روش های تدریس خود تنظیم گرو روش تدریس مبتنی بر یادگیری مشارکتی روش هایی مبتنی بر اعتماد به فراگیرنده در ساخت و خلق معنا، و اثرگذار و مشارکت جو در یادگیری هستند. چنانچه فراگیرنده فعالانه در فرایند یادگیری مشارکت کند و خود به خلق معنا و تفسیر و تعبیر مفاهیم و موضوعات درسی بپردازد، خود به خود هویت آفرینی اتفاق می افتد. در این رویکردها و روش ها، در واقع محوریت با فراگیرنده است و معلم نیز همچون راهنما و تکیه گاه می تواند در کنار او نقش آفرینی کند.

مؤلفه سوم؛ ارزشمندی

آنچه در اینجا اهمیت دارد، این است که معلم بانگاه ارزشی به فراگیرندگان، محتوای درسی ارزشمندی را به شیوه ای که با نظام ارزشی فراگیرنده و معلم تناسب دارد، ارائه دهد. بنابراین، ارائه محتوای ارزشمند با رویکرد و نگاه ارزشی و طرح آن به شیوه ای که فراگیرنده احساس ارزشمندی کند، می تواند در فرایند هویت آفرینی فراگیرندگان نقش داشته باشد. برای مثال، چنانچه یکی از آموزه های دینی به فراگیرنده تدریس شود اما فراگیرنده ارزشمندی و فایده آن را درک نکند، یا خود معلم به ارزشمندی آن آموزه باور نداشته باشد، نباید انتظار داشت فراگیرنده نسبت به آن موضوع کسب هویت کند.



از مجموعه پژوهش هایی که پیرامون مقوله هویت یابی صورت گرفته است چنین برمی آید که در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، روند هویت یابی به خوبی در فراگیرندگان محقق نمی شود

مؤلفه چهارم؛ وحدت

داشتن انسجام و همبستگی و وحدت نظر و عمل در رفتار و گفتار معلم و همچنین وحدت و انسجام در بخش های گوناگون موضوع و محتوای آموزشی در هویت آفرینی بسیار مؤثر است. معلم، به ویژه در دوره دبستان، باید در ارائه انواع محتوای شفاهی و کتبی بسیار دقیق باشد تا جهت مندی و انسجام بین انواع و همچنین بخش های محتوا، حتی در درس های گوناگون، برقرار باشد و مراقب باشد زمینه های متناقض و متضاد که مانع شکل گیری و تکوین هویت می شوند و در مواردی نیز بنیه هویت موجود را به خطر می اندازند، در بخش های گوناگون محتوا یا محتوای درس های گوناگون، همچنین در طرح و ارائه آن در کلاس درس، ایجاد نشوند. حتی در فرایند تدریس، معلم باید در شروع و میانه و پایان بندی، انسجام و هماهنگی را رعایت کند و از پراکنده گویی و ارائه مطالب غیر منسجم و غیر مرتبط پرهیز کند. از طرف دیگر، لازم است بین بخش های ساختمان هویتی فرد نیز نوعی انسجام وجود داشته باشد. برای مثال، ارزش ها و محتوای دینی نباید با ارزش ها و محتوای ملی و اخلاقی و حتی بومی تعارض درونی داشته باشند.

مؤلفه پنجم؛ تجربه

فضای مبتنی بر تجربه های شخصی، به ویژه در دوره دبستان، در تکوین و شکل گیری هویت کودکان بسیار مؤثر است. تدریس موضوعات درسی باید با تجربه های شخصی که پیرامون فراگیرنده رخ می دهند و توسط وی تجربه شده اند آغاز شود تا کودک بتواند مفاهیم و موضوعات را با موقعیت های تجربه شده زندگی واقعی ارتباط دهد. در فضای تجربه، در واقع ارتباط موضوع درسی با تجربه های زنده شخصی فراگیرنده، به صورت مستقیم و دست اول و قابل فهم خواهد بود. بنابراین، امکان ایجاد و ساخت هویت در وی فراهم می شود. گاه معلم به معنانشناسی و مفهوم پردازی موضوعات درسی اکتفا می کند و از فراگیرندگان نیز انتظار حفظ کردن و به خاطر سپاری تعریف ها و مفهوم ها و در ارزشیابی نیز انتظار بازگویی یا بازنویسی مطلب ارائه شده را دارد، اما معلم می تواند برای تدریس مفاهیم، حتی نوع انتزاعی آن ها، با طراحی و پیش بینی موقعیت ها و فرصت های تجربی و عملی، زمینه بروز رفتار مبتنی بر آن مفهوم را در فراگیرندگان مشاهده و رصد کند. نشانه های رفتاری مفهومی مانند شجاعت یا همکاری را در کلاس می توان با ایجاد و زمینه سازی موقعیت تجربی در فراگیرندگان مشاهده کرد. برای مثال، آیا در موقعیت تجربی همکاری، مهارت تعامل و برقراری ارتباط دوجانبه با افراد گوناگون گروه را دارد؟

مؤلفه ششم؛ نشان مندی

نشان مندی در بحث هویت آفرینی در تعلیم و تربیت بدین معناست که با آموزش موضوع یا مطلبی خاص باید فرصت بروز و تبلور آن در وجود فراگیرنده و فرصت ارائه آن در فضای آموزشی فراهم شود. برای مثال، با تدریس موضوع تصمیم گیری یا حل مسئله باید منتظر بود فراگیرنده نشانه های مبتنی بر تصمیم گیری یا حل مسئله را در موقعیت های عملی کلاس از خود بروز دهد. نشان مندی را می توان در انجام تکلیف عملیاتی کرد. برای مثال، پس از تدریس درس موضوع تغییرات فیزیکی و شیمیایی در درس علوم تجربی ابتدایی، از فراگیرنده خواسته می شود برای جلسه آینده، نمونه هایی از آن تغییرات را از محیط اطراف خود گزارش دهد. با ارائه نمونه ها و مثال هایی از فراگیرنده، می توان گفت نشان مندی اتفاق افتاده است.

مؤلفه هفتم؛ اقتدار

منظور از اقتدار فراگیرنده در اینجا احساس توانمندی ای است که به واسطه تسلط بر فرایند یاددهی یادگیری در وی ایجاد می شود. روش آموزش و پرورش مهارت محور که در آن، مهارت، توانمندی و قدرت تسلط فراگیرنده بر فرایند آموزش افزایش می یابد، می تواند مؤثر باشد. نقش معلم نیز افزودن به مهارت ها، توانمندی ها و تسلط فراگیرنده است تا در وی احساس مرجعیت و اقتدار شکل بگیرد؛ زیرا شکل گیری این احساس توانمندی، زمینه لازم برای شکل گیری و تکوین هویت را در وی ایجاد خواهد کرد.

مؤلفه هشتم؛ ثبات و تداوم در ارائه موضوع

این ثبات شامل ثبات رفتاری و نظری معلم و همچنین ثبات در محتوا و موضوع درسی و حتی ثبات در ایجاد شرایط مشخص در ارائه محتوا و روش تدریس است. زمانی که معلم فصل های یک درس را ارائه می دهد، باید ارتباط عرضی بین محتوا و موضوع درسی را مدنظر قرار دهد، زیرا باید میان ساختار شناختی پیشین فراگیرنده و موضوع جدیدی که ارائه می شود پیوند برقرار شود. حتی معلم باید متوجه و مراقب ارتباط طولی بین محتوا و موضوعات درسی باشد تا بین پایه ها و دوره های گوناگون نیز ثبات و تداوم برقرار باشد. چنانچه موضوعی در پایه پنجم تدریس می شود، باید ارتباط طولی آن با پایه های قبل و بعد، و همچنین ارتباط عرضی آن با درس های پیشین و بعدی همان پایه، مشخص و منسجم و مکمل هم باشند تا در مجموع ساختارهای شناختی منظم و باثباتی در ذهن فراگیرنده ایجاد شوند.

منابع

۱. ذاکری، مختار (۱۳۹۴). مفهوم پردازی هویت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت. رساله دکترا. دانشگاه شیراز.
۲. راستگو، سید محمود (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در تحکیم و ارتقای هویت دینی دانش آموزان متوسطه اول. مجله پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش. ۶۸، ۲، ۶۸۸-۶۸۲.
۳. محمودی، سیروس (۱۳۹۸). بررسی وضعیت مؤلفه های هویت ملی در کتاب های درسی پایه دوازدهم. مجله مطالعات ملی. ۶۱، ۷۸، ۶۱-۷۶.
۴. میربلوچ زهی، فاطمه (۱۳۹۸). ارائه راهکارهای اجرایی برای تقویت هویت کودکان در مراکز پیش دبستانی. مجله پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش. ۶۴، ۲۱، ۷۴-۶۴.
۵. میرزاپور، سمیرا؛ زمانی مقدم، افسانه؛ جعفری، پریش (۱۳۹۸). کارکرد آموزش و پرورش در نهادینه سازی هویت ملی دانش آموزان. فصلنامه مطالعات ملی. ۷۹، ۷۴-۵۳.
6. Vanessa Bouché P. (2011). Identity and the Mechanisms of Political Engagement, the A dissertation for the degree of Doctor of Philosophy in the Graduate School of the Ohio State University.



چنانچه فراگیرنده فعالانه در فرایند یادگیری مشارکت کند و خود به خلق معنا و تفسیر و تعبیر مفاهیم و موضوعات درسی بپردازد، خود به خود هویت آفرینی اتفاق می افتد

در رابطه با فلسفه شکل‌گیری و چگونگی اجرای طرح شهاب توضیح دهید؟

با توجه به اینکه مخاطب این مجله معلم‌ها هستند، بنابراین، اجرای شهاب را تا ریخته‌ای یا مصوبه‌ای تعریف نمی‌کنم. بلکه از منظری که شاید برای معلم قابل توجه باشد، توضیح می‌دهم. هر کسی که از مواجهه با دانش‌آموزان در حوزه یاددهی یادگیری تجربه‌ای دارد، قطعاً این موضوع را تأیید می‌کند که مخاطبان ما، آمادگی، قابلیت و استعدادشان در حوزه‌های گوناگون یادگیری با هم یکی نیست. آدم‌ها توانایی‌های متفاوتی در عرصه‌های گوناگون دارند. این واقعیتی است که همه احساس کرده‌اند. این پدیده‌ای را که همه احساس کرده‌اند، هر کسی با یک الگوی نظری در ذهن خودش چون و چرا می‌کند. یعنی چرایی این واقعیت را تبیین می‌کند و از رهگذر نوع تبیینی که برای خودش می‌کند، انگار به یک نظریه شخصی یا یک نظریه ضمنی می‌رسد که مفاهیمی همانند هوش،

طرح ملی شهاب از جمله طرح‌هایی است که همه معلم‌ها را در دوره ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم پوشش می‌دهد. با توجه به اهمیت طرح و به منظور آشنایی با فلسفه شکل‌گیری و چگونگی آن، بارضا گلشن مهرجری، مدیرکل «دفتر شناسایی و هدایت مستعدان بنیاد ملی نخبگان» گفت‌وگویی انجام دادیم. گلشن در این رابطه به مدیران مدرسه‌ای توصیه می‌کند در کنار جلسه‌های معمول آموزش خانواده که در طول سال در مدرسه برگزار می‌شوند، جلسه‌هایی نیز به آشنایی خانواده‌ها با مفاهیمی چون هوش، استعدادها، سرآمدی، روش‌های شناسایی و زمینه‌سازی رشد استعدادها و پرورش استعدادها برتر اختصاص دهند. او معتقد است، برگزاری هر جلسه‌ای با این عنوان‌ها، گامی است در راستای طرح شهاب، و تأکید می‌کند، هیچ لازم نیست عنوان «طرح شهاب» بالای سر در محل برگزاری این جلسه‌ها نصب شود! آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگویی با ایشان در رابطه با طرح شهاب و ویژگی‌های آن است.

تنظیم‌کننده گفت‌وگو: ائلدار محمدزاده صدیق

شناسایی تیزهوشان

پنهان



طرح شهاب به دنبال شناسایی همه تیزهوشان، یا به تعبیری دیگر، همه صاحبان استعداد های برتر، اعم از تیزهوشان پنهان است

استعداد، سرآمدی، نخبگی، تیزهوشی و امثال آن در آن معنا شده اند. این نظریه ضمنی، بر رفتار ما نسبت به مخاطبانمان مؤثر است.

نتیجه عملی نظریه ضمنی که پیش از اجرای طرح شهاب در ذهن بسیاری از معلمان و والدین دانش آموزان وجود داشت، این بود که مفهومی با عنوان شاگرد زرنگ و شاگرد تنبل در میان خانواده ها و دانش آموزان رایج بود که البته منشأ آن اولیای مدرسه بودند. افراد بر اساس نمره های درسی و عملکرد یادگیری، به خصوص در چند درس خاص که از آن ها به درس های اصلی و پایه تعبیر می کردند، رتبه بندی می شدند. در دوره هایی همانند گذر از پایه ششم به هفتم و نهم به دهم، که تغییر دوره تحصیلی رخ می دهد، آزمون هایی هم برگزار می شوند و گروهی از بچه ها که در آن رقابت ها نسبت به دیگران عملکرد بهتری دارند، تحت عنوان استعداد های درخشان یا دانش آموزان نمونه و امثال آن شناسایی می شوند. در نظر عموم والدین و معلمان، این شناسایی تا حد زیادی با همان فهم قدیمی از شاگرد زرنگ هم راستا است. عموم افراد به این نکته اذعان دارند که این شاگرد زرنگی، بخشی از ریشه هایش در توانمندی هایی است که به صورت طبیعی درون آن فرد است و بخش دیگری هم حاصل تلاش، سخت کوشی، پیگیری، استمرار و مداومت در یادگیری و البته دسترسی به امکانات و منابعی همانند کتاب، تمرین، معلم، فرصت یادگیری، آزمایشگاه و امثال آن است.

ما در نسبت با این زمینه درک عمومی، دو ظرفیت تکمیلی سراغ داریم. در واقع، این فهم و الگوی نظری، دو فرصت تکمیل و اصلاح به ما می دهد: نخست آنکه، این سرآمدی و استعداد برتر که تقریباً به صورت انحصاری در حوزه توانمندی های تحصیلی و یادگیری آموزشگاهی به آن توجه می کردیم، تنها حوزه برتری و سرآمدی نیست که ما می توانیم بچه های مستعدمان را در آن شناسایی کنیم. یعنی اگر ما به جای آنکه به رسم بچه های درس خوان تر ما چه کسانی هستند، اگر عینک دیگری به چشمان بزنیم و سؤال دیگری از خودمان پرسیم، گروه دیگری از بچه های مستعد ما هم شناسایی می شوند. مثلاً از خودمان پرسیم، اگر قرار است بین هم سالان این بچه ها، حرکتی اجتماعی شکل بگیرد، تشکیلی به وجود بیاید، سازمان دهی، تقسیم کار، انگیزش، پیشبرد امور و مواجهه با چالش های پیگیری شود، آن موقع کدام دانش آموز توانمندی بیشتری برای این امور دارد؟! روشن است که در این موارد، پاسخ سؤال ما لزوماً همان بچه های درس خوان تر

نیست. ممکن است بین آن ها هم باشد، اما لزوماً همان ها نیستند. یا مثلاً اگر برای انجام یک فعالیت بدنی، اعم از هنرهای نمایشی، مانند بازیگری یا فعالیت های ورزشی و امثال آن به دنبال بهترین گزینه ها باشیم، پاسخ لزوماً همان بچه های درس خوان نیست. لذا اولین ظرفیت اصلاح و تکمیل وضع موجود نظام شناسایی مستعدان ما این است که اگر کسانی در حوزه های غیر تحصیلی سرآمدی دارند، آن ها هم به عنوان صاحبان استعداد های برتر به رسمیت شناخته شوند.

البته ممکن است کسی بگوید این نقد خیلی جدی نبود؛ برای اینکه مادر آموزش و پرورش ساز و کارهای دیگری مانند مسابقات فرهنگی و هنری، جشنواره های چندگانه ورزشی و المپیادهای ورزشی را داریم و مستعدان حوزه های غیر تحصیلی را آنجا شناسایی می کردیم. اما اگر این نکته را هم زمان با دیگر ظرفیت اصلاح و تکمیل وضع موجود نظام شناسایی مستعدان بررسی کنیم، ابعاد دیگری از موضوع آشکار می شود.

دومین ظرفیت اصلاح و تکمیل این است که اگر آزمون های تحصیلی و جشنواره های فرهنگی، هنری و المپیادهای ورزشی را بررسی کنیم، الگوی حاکم بر همه این ها برای شناسایی مستعدان، یک الگوی واحد و آن هم رقابت است. به این معنا که من در همه این موارد دارم یک نوع مسابقه برگزار می کنم. چه اسمش را بگذارم آزمون ورودی مدرسه استعداد های درخشان، چه المپیاد ریاضی، و چه اسمش را بگذارم جشنواره هنری فردا. فرقی در این ماجرا وجود ندارد. همه جا مفروض ما این است که دانش آموز در شرایطی است که اطلاعات و امکانات مورد نیازش به موقع به او می رسند. او باید با حمایت هایی که خانواده از او می کند، خودش را به حدی از آمادگی و قابلیت برساند که بتواند در یکی از این عرصه ها توانمندی های بالایی نشان دهد. در این صورت، من هم فرصت هایی را برای رشد هر چه بیشتر در اختیار او قرار خواهم داد. این الگوی رقابتی هم یک ظرفیت اصلاح و تکمیل دارد. چرا که به دلایل گوناگون، دانش آموزان زیادی هستند که یا اصلاً پای این نوع رقابت ها نمی آیند، یا اگر هم بیایند، با وجود قابلیت هایشان، نفرت برتر این رقابت ها نمی شوند. مثلاً گروهی هستند که در روستاها ساکن اند و دور از مرکز شهرستان هستند و نمی توانند در محل مسابقه حاضر شوند. گروهی هستند که خانواده هایشان نمی توانند هزینه های آموزش یا ثبت نام آن ها را در مسابقه تأمین کنند. حتی ممکن است برخی از مدرسه هادر اطلاع رسانی کوتاهی کرده باشند و گروهی از دانش آموزان اصلاً از وجود چنان مسابقه ای خبردار نباشند. یک عامل شایع دیگر این است که گروهی از دانش آموزان، با وجود توانایی های خیلی خوب، به کسب موفقیت در چنین رقابت هایی امید ندارند. یعنی گمانشان این است که این موفقیت ها مال از ما بهتران است! برای بچه های شهری است و...

اگر بخوایم جمع بندی کنیم، در وضع موجود، قبل از اجرای طرح شهاب، با پدیده ای مواجه هستیم موسوم به «پدیده تیزهوشی پنهان»

درواقع طرح شهاب به دنبال شناسایی تیزهوشان پنهان است؟
طرح شهاب به دنبال شناسایی همه تیزهوشان، یا به تعبیری دیگر، همه صاحبان استعداد های برتر، اعم از تیزهوشان پنهان است. از منظری که معلم به آن می پردازد، طرح شهاب می خواهد دو تکمله به وضع موجود ساز و کار شناسایی مستعدان برتر در نظام آموزشی بزند: نخست، دایره شناسایی تیزهوشان را در محدوده مستعدان برتر تحصیلی محدود نکند. سپس، روش شناسایی را در محدوده فعالیت های مبتنی بر الگوی رقابت محدود نکند.

گفت و گویا
رضا گلشن
مهر جردی
مدیرکل دفتر
شناسایی و
هدایت مستعدان
بنیاد ملی نخبگان



■ برنامه عملیاتی طرح شهاب برای تحقق این دو خواسته خود چیست؟

در فرایند شناسایی طرح شهاب در دوره ابتدایی، هشت حوزه استعدادی را در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم پوشش می‌دهیم: استعدادهای ریاضی، کلامی، هنری، حرکتی، تجسمی، اجتماعی، علوم تجربی و فرهنگ دینی. از حیث روش کار هم، به جای اینکه یک میدان رقابت و مسابقه بسازیم، کلاس درس را که محل حضور و فعالیت طبیعی همه بچه‌ها در پایه‌های چهارم تا ششم است، محل رصد رفتارهای روزانه بچه‌ها قرار می‌دهیم. آموزگاران پایه‌های چهارم تا ششم، با آموزش‌هایی که در دوره‌های آموزشی طرح شهاب می‌بینند و با استفاده از ابزارهایی که با آن‌ها آشنا می‌شوند، در کنار اینکه به‌طور طبیعی کار کلاسی خود را پیش می‌برند، هر روز مترصد هستند تا متناسب با فعالیت‌های هر ماده درسی که در کتاب‌های درسی وجود دارد، فعالیت و رفتارهای مشخصی را که می‌توانند نشانگر وجود استعداد در وجود هر دانش‌آموز باشد، مشاهده و ثبت کنند. مثلاً اگر قرار است امروز علوم تجربی را درس بدهند و فعالیت کلاسی دانش‌آموزان آن‌ها، توصیف دقیق شعله شمع است، می‌دانند که مشاهده کیفیت توصیف هر دانش‌آموز، می‌تواند قابلیت‌های کلامی آن دانش‌آموز را هم نشان دهد. حوزه رفتار یا توانمندی مورد مشاهده، لزوماً منطبق بر موضوع ماده درسی نیست. در مثالی که عرض کردم، ماده درسی علوم تجربی بود، اما رفتار مورد مشاهده با استعداد کلامی مرتبط می‌شد.

■ لطفاً درباره جزئیات و چگونگی اجرای طرح شهاب بیشتر توضیح بدهید.

ما در طرح شهاب یک پرسش‌نامه داریم حاوی ۵۶ گویه رفتاری در هشت حوزه استعداد. یعنی برای هر حوزه استعدادی، هفت گویه رفتاری تهیه شده است. این گویه‌های رفتاری، توصیفی هستند که برای رفتارهای قابل مشاهده دانش‌آموزان در کلاس تهیه شده و در اختیار آموزگاران قرار گرفته‌اند. مثلاً در یکی از این گویه‌های رفتاری گفته شده است: «دانش‌آموز می‌تواند به‌صورت روان و سلیس مطلب موردنظر خود را بنویسد». یعنی اگر من به دانش‌آموز گفتم شعله شمع را توصیف کن، این توصیف را چقدر روان و سلیس می‌نویسد. از معلم می‌خواهیم با مشاهده دقیق رفتار دانش‌آموزان خود، بگوید که مثلاً این دویاسه نفر خیلی بیشتر از بقیه این توانمندی را دارند و این چهار یا پنج نفر خیلی کمتر از بقیه این قابلیت را نشان می‌دهند.

در طول سال تحصیلی، با مشاهده گری فعال و برنامه‌ریزی شده آموزگاران، رفتار سطح بالا یا سطح پایین تعداد اندکی از دانش‌آموزان، متناسب با گویه‌های رفتاری پیش‌بینی شده در هر روز، با چند دقیقه وقت‌گذاری روزانه توسط معلم ثبت می‌شود. این رفتارها در طول سال چندین بار رصد و ثبت می‌شوند، در حالی که دانش‌آموز دارد رفتار و فعالیت‌های معمول و طبیعی خودش را انجام می‌دهد و هیچ احساسی از اینکه من الان در یک میدان رقابت هستم یا دارم مسابقه می‌دهم، ندارد. معلم هم دارد درسش را می‌دهد و وظایف معمولش را انجام می‌دهد. اما هم‌زمان چشمش به دنبال این است که ببیند کدام رفتار از کدام دانش‌آموز با کیفیت بالاتری سر می‌زند و این

موارد را در مقابل نام آن دانش‌آموز ثبت می‌کند. در پایان سال، معلم این اطلاعات را جمع‌بندی و نتیجه را گزارش می‌کند.

■ میزان دقت اطلاعاتی که در طرح شهاب تولید می‌شوند چقدر است؟

همانند برخی طرح‌های دیگر که در گستره وسیع در وزارت آموزش و پرورش اجرا می‌شود، اجرای طرح شهاب نیز یک اجرای واحد کیفیت صددرد نیست. مثلاً فرض کنید یک کتاب درسی تازه تألیف تولید شده و قرار است معلم‌ها برای تدریس آن توجیه شوند. آموزش و توجیه معلمان با چه سطح پوشش و چه کیفیتی قابل انجام است؟ در طرح شهاب توانسته‌ایم همان کیفیتی را ارائه کنیم که هر طرح دیگری در تراز ملی می‌تواند احراز کند. همکاران آموزگار ما آموزش دیده‌اند که در پایه‌های چهارم تا ششم، ضمن اینکه برنامه درسی معمولشان را پوشش می‌دهند، در خلال انجام همان فعالیت‌های درسی و نه هیچ چیز اضافه دیگر، بدانند که این فعالیت کلاسی در درس ریاضی، علوم، قرآن، هنر، ورزش یا حتی فعالیت‌های غیردرسی مانند مراسم صبحگاهی، آیین‌های مناسبتی، المپیادهای ورزشی درون مدرسه‌ای، اردوها و بازدیدها یا هر فعالیت و ظرفیت دیگری که درون یا بیرون مدرسه در دسترس آموزگار است، تصمیم بگیرند که آن فعالیت می‌تواند فرصت مشاهده کدام رفتار نشانگر استعدادها گوناگون را فراهم کند.

این اطلاعات، در پایان هر سال تحصیلی در یک سامانه اینترنتی ثبت می‌شود. در حال حاضر، بعد از تغییرات سامانه دانش‌آموزی وزارت آموزش و پرورش، کار برگ‌های طرح شهاب در زیر مجموعه سامانه «سیدا» پیاده‌سازی شده‌اند و آموزگاران در پایان هر سال نظرات خود را درباره بچه‌ها در قالب کار برگ الکترونیک طرح شهاب به ما اعلام می‌کنند.

■ از این اطلاعات که بازحمت زیاد معلمان به دست می‌آید، چه استفاده‌هایی می‌کنید؟

تقریباً از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ یک کار پژوهشی سنگین در بنیاد ملی نخبگان انجام شد که از این اطلاعات چگونه باید استفاده کرد؟ وقتی یک دانش‌آموز را از پایه چهارم تا ششم سه بار توسط سه آموزگار و هر بار در هشت حوزه استعدادی متفاوت رصد و رفتارهایش را ثبت می‌کنیم، حالا وقتی آن دانش‌آموز از دوره ابتدایی به دوره متوسطه می‌آید، ما با استفاده از این ۲۴ داده استعدادی، چطور می‌توانیم در رابطه با ارزیابی استعدادهای این دانش‌آموز به جمع‌بندی برسیم؟



ما توانستیم با روشی که هیچ رنگ و بویی از رقابت ندارد، همه کلاس‌های روستایی، شهری، چندپایه، دولتی و غیردولتی را تحت پوشش فرایند شناسایی استعداد قرار دهیم و حوزه‌های گوناگون استعدادهای دانش‌آموزان را به رسمیت بشناسیم



طی حدود دو سال و نیم الگوهای آماری گوناگونی بررسی شدند و در نهایت به یک الگوی بهینه رسیدیم که با تلفیق و ترکیب سه نیم‌رخ استعدادی مربوط به پایه‌های چهارم تا ششم، حدود ۱۰ درصد از بچه‌ها را در هر پایه تحصیلی و هر منطقه آموزشی، به عنوان گروه «مستعدان» شناسایی کنیم. یعنی مثلاً الان اگر شما بگویید در منطقه آموزشی کاشان یا ناحیه ۲ قزوین یا هر جای دیگر، در پایه نهم، کدام دانش‌آموزان در گروه مستعدان قرار دارند، من می‌توانم به شما بگویم چند دانش‌آموز در این پایه تحصیلی در این منطقه آموزشی تحصیل می‌کنند و بعد نام و مشخصات و کد ملی حدود ده درصدی این دانش‌آموزان را به همراه حوزه‌های سرآمدی استعدادی هر یک در اختیار شما قرار دهم.

در واقع، ما توانستیم با روشی که هیچ رنگ‌وبویی از رقابت ندارد، همه کلاس‌های روستایی، شهری، چندپایه، دولتی و غیردولتی را تحت پوشش فرایند شناسایی استعداد قرار دهیم و حوزه‌های گوناگون استعدادها را دانش‌آموزان را به رسمیت شناختیم. در پایان فرایند شناسایی، فهرستی از بچه‌های مستعد برتر تهیه می‌کنیم که به احتمال خیلی زیاد، عمده کسانی که در مدرسه‌های سمپاد یا نمونه قبول می‌شوند، در آن هستند. کسانی که در جشنواره‌های فرهنگی و هنری موفق شده‌اند هم هستند. کسان دیگری هم هستند که ما از آن‌ها به تیزهوشان پنهان تعبیر می‌کنیم. این گروه آخر، بچه‌های مستعدی هستند که روش‌های شناسایی قبلی آن‌ها را پیدا نمی‌کردند. چون آن‌ها خودشان را در معرض دید ما قرار نمی‌دادند.

می‌دانیم که بسیاری از دانش‌آموزان استعدادهای پنهان دارند. اگر این‌ها خوب شناسایی شوند، می‌توانند مسائل کشور را برطرف کنند و در دنیا حرف برای گفتن داشته باشند. مصداقی اگر بخواهیم وارد شویم، نمونه‌هایی بیاورید که اگر ما هم با چنین دانش‌آموزانی مواجه شدیم، بتوانیم در راستای وظیفه خودمان قدم‌هایی برداریم.

کلمه شهاب سرواژه «شناسایی و هدایت استعدادها برتر» است. وقتی در رابطه با دوره ابتدایی صحبت می‌کنیم، می‌گوییم که اینجا «هدایت» بر «شناسایی» تقدم دارد. اما هر کاری که ما برای هدایت انجام می‌دهیم، همان کار برای شناسایی هم کارکرد دارد. یعنی اقداماتی که در دوره ابتدایی برای هدایت و شناسایی انجام می‌دهیم، دو جور کار نیستند، یک کار هستند. فکر کنید ما می‌خواهیم در دوره ابتدایی بچه‌هایی را که در حوزه حرکتی و ورزشی استعداد دارند، شناسایی کنیم. ساعتی در طول هفته داریم به نام زنگ ورزش که در آن، قواعد معمول کلاس درس به هم می‌ریزد. همه به حیاط می‌روند و دیگر در محدوده کلاس نیستند. اینجا شاگردان قوی درس‌های ریاضی و فارسی و علوم، دیگر سریار (کاپتان) تیم فوتبال نیستند. شاگردان اول ساعت ورزش، کسان دیگری غیر از شاگردان اول درس‌های فارسی و علوم هستند. در کلاس هنر نیز اگر بتوانیم فضای متفاوتی نسبت به فضای معمول دیگر کلاس‌ها ایجاد کنیم، احتمالاً کسان دیگری محور کلاس می‌شوند. مواد درسی گوناگون باید به ما میدان بدهند که هر ماده درسی، بلکه هر سرفصل متفاوت در هر ماده درسی، موقعیتی متفاوت ایجاد کند تا دانش‌آموزان متفاوتی بتوانند خودشان را و توانمندی‌هایشان

را بروز دهند. من، به میزانی که الان بر برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، به خصوص پایه‌های چهارم تا ششم، اشراف دارم، گمانم این است که اگر آموزگاری هیچ کار اضافی نکند و فقط در چارچوب کتاب درسی و کتاب راهنمای معلم، تمام برنامه درسی و همه فعالیت‌های آن را اجرا کند، موقعیت‌های متنوعی برای بروز استعدادها و بچه‌ها ایجاد می‌شوند. بنابراین، معلمی که برای طرح شهاب آموزش ویژه ندیده، اگر به برنامه درسی کاملاً وفادار باشد، به زعم ما به قدر کافی موقعیت‌های هدایتی متنوع برای بچه‌های کلاس خود ایجاد کرده است؛ «هدایت» به معنای موقعیت‌آفرینی و زمینه‌سازی. یعنی من آموزگار باید کاری کنم تا کسی که در حوزه حرکتی قوی است هم فرصت بروز توانایی خودش را پیدا کند؛ کسی که در آفرینش هنری توانایی دارد هم موقعیت پیدا کند و...

معلمی که برای اولین بار عنوان طرح شهاب را شنیده است، چگونه می‌تواند در رابطه با آن اطلاعات کسب کند و چه راهکارهایی در این رابطه وجود دارند؟ روی و بگاه بنیاد ملی نخبگان مکتوبات و اطلاعات کاملی از طرح شهاب قرار دارد. همچنین، در وبگاه سمپاد نیز مطالب و فایل‌های راهنمای طرح قابل دسترس هستند.

اگر معلم‌ها بخواهند فعالیت خیلی خوبی در رابطه با طرح شهاب انجام دهند، چه توصیه‌ای دارید؟

برای هر فعالیت خوب، پیشنهاد من این است که این تمرین را انجام دهند: فهرست ۵۶ گویه‌ای رفتارهای نشانگر استعداد را رو به روی خودشان بگذارند و یک‌به‌یک، هر هشت حوزه استعداد را مرور کنند. مثلاً ابتدا روی حوزه کلامی متمرکز شوند و هفت گویه رفتاری ذیل این استعداد را بخوانند. سپس همه کتاب‌های درسی پایه خودشان را تورق کنند. کتاب‌های ما معمولاً مقداری متن درسی و تعدادی تمرین و فعالیت درسی دارند. به هر فعالیتی که رسیدند، نگاهی بیندازند و ببینند، وقتی بچه‌ها این فعالیت را انجام می‌دهند، آیا این رفتارها قابل مشاهده‌اند یا خیر؟ هر جایی که حس کردند فعالیت این صفحه این کتاب به یکی از گویه‌های رفتاری مربوط است، شماره آن گویه رفتاری را در گوشه بالای آن صفحه کتابشان یادداشت کنند. این کار منجر به آن می‌شود که رفته‌رفته هر روز صبح که معلم‌ان به سمت مدرسه حرکت می‌کنند، بدانند که امروز حین تدریس فرصت مشاهده کدام گویه‌های رفتاری را خواهند داشت. این سهل الوصول‌ترین راه اجرای طرح شهاب در دوره ابتدایی است. *

فن بیان هنر انتقال مؤثر پیام ها و ایده ها از طریق کلام و زبان بدن است. این مهارت نه تنها در زندگی شخصی، بلکه در حوزه های حرفه ای، از جمله آموزش، نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. معلمی با فن بیان قوی، می تواند ارتباط مؤثرتر و جذاب تری با دانش آموزان برقرار کند، محیط یادگیری پویا و انگیزه بخشی ایجاد و در نهایت به موفقیت آموزشی بیشتری دست پیدا کند.

زهرا سادات الطافی
دکترای مدیریت رسانه و کارشناس
فرهنگی شهر تهران

فن بیان

کلید موفقیت

کلیدواژه ها: فن بیان، آموزش، ارتباط مؤثر، مهارت های ارتباطی، سخنرانی، صدا سازی، لحن

می خواهید بیان کنید، زیاتر، اثرگذارتر و خوش آهنگ تر به گوش مخاطب برسانید.

* اهمیت فن بیان در آموزش

برقراری ارتباط مؤثر: معلم با استفاده از فن بیان مناسب می تواند با دانش آموزان ارتباط عمیق تری برقرار و آن ها را به مشارکت فعال در فرایند یادگیری تشویق کند.

جذب توجه دانش آموزان: فن بیان جذاب و پویا می تواند توجه دانش آموزان را جلب و آن ها را به مطالب آموزشی علاقه مند کند.

تسهیل درک مفاهیم: با استفاده از کلمات مناسب، لحن مناسب و مثال های کاربردی، معلم می تواند مفاهیم پیچیده را به صورت ساده و قابل فهم به دانش آموزان انتقال دهد.

ایجاد انگیزه در دانش آموزان: معلم با فن بیان قوی می تواند ضمن ایجاد انگیزه در دانش آموزان، آن ها را به سمت یادگیری بیشتر سوق دهد. **تقویت اعتماد به نفس دانش آموزان:** با ایجاد فضایی امن و حمایتی، معلم می تواند بر اعتماد به نفس دانش آموزان بیفزاید تا در بیان نظرات خود آزاد باشند.

* عناصر اصلی فن بیان مؤثر در آموزش

- / **صدا:** بلندی، لحن، سرعت و وضوح صدا؛
- / **لحن:** لحن می تواند نشان دهنده احساس و نیت باشد؛
- / **زبان بدن:** حرکت های بدن، حالت چهره و تماس چشمی پیام های غیرکلامی قدرتمندی هستند؛
- / **محتوا:** پیامی که شما منتقل می کنید، باید واضح، مختصر و با مخاطب مرتبط باشد.

به طور دقیق تر، مهم ترین موضوع هایی که مادر فن بیان با آن ها مواجهیم، تنفس صحیح در سخنرانی، کیفیت صدا، تلفظ صحیح مخارج حروف و سرانجام آموزش لحن است.

شاخصه صدا در فن بیان بسیار حائز اهمیت است، تا آنجا که هر جا تعبیر فن بیان به کار برده می شود، به همراه آن عبارت صداسازی هم دیده می شود. در واقع یکی از عنصرهای مهمی که پیاده سازی فن های بیان را ممکن می کند و به آن قدرت نمایش و اجرا می دهد، «کیفیت صدا» است که نباید با «خوش صدایی» یکسان تلقی شود. اگر کیفیت صدا در سطح مطلوبی نباشد و به عبارت دیگر شما صدای قدرتمند و استاندارد نداشته باشید، هیچ کدام از فن های بیان قابلیت اجرا پیدا نمی کنند.

در ادامه، اساسی ترین مبحث فن بیان که مهم ترین و البته پیچیده ترین بخش آن است، لحن است. به عبارت ساده تر، کیفیت صدا و فن های بیان به شما کمک می کند به لحن مناسب و درست دست پیدا کنید. یعنی همگی در خدمت لحن قرار می گیرند تا شما در نهایت در فن بیان به مهارت و تسلط دست پیدا کنید.

مادر این نگارش در گام نخست در خصوص تنفس صحیح بررسی و بحث می کنیم. اما به عنوان پیش نیاز به نکاتی در خصوص صدا اشاره می کنیم. منظور از داشتن صدای قدرتمند و استاندارد و حرفه ای، ویژگی های ذاتی و ژنی (ژنتیکی) صدای نیست. تفاوت صدای حرفه ای و استاندارد با صدای مبتدی در نوع تنفس و کاربرد عضلاتی است که در تولید صدا نقش دارند. اندام صوتی شامل زبان، لب ها، عضلات صورت، فک و دندان ها، تارهای

فن بیان یکی از مهم ترین مهارت های ارتباطی انسان امروز در مسیر پیشرفت و ترقی، و یکی از کلیدی ترین ابزارهای هر فعال در حوزه آموزش است. چه معلمی باشید که در کلاس درس تدریس می کند، چه مدرسی که در دوره های آموزشی شرکت می کند، و چه یک مربی برخط، تسلط بر فن بیان به شما کمک می کند مفاهیم را به طور مؤثر به دیگران انتقال دهید، ارتباط قوی تری با مخاطبان برقرار و محیط یادگیری پویا و جذابی ایجاد کنید.

اینکه «فن بیان چیست؟ چگونه فن بیان خوبی داشته باشیم؟ آیا فن بیان را می توان با چند فن ساده یاد گرفت؟» همه سؤالاتی هستند که در این مقاله قصد داریم به آن ها پاسخ دهیم.

قبل از ورود تخصصی به مقوله فن بیان، قصد داریم این موضوع را از نگاهی گسترده تر بررسی کنیم.

ارتباط کلامی انسان شامل پنج دسته مذاکره، مناظره، مباحثه، گفت و گو و سخنرانی است که سخنرانی و سخنوری عالی ترین نوع ارتباط کلامی انسانی است. بنابراین، اگر مادر سخنرانی و سخنوری مهارت های لازم را کسب کنیم، می توانیم مدعی باشیم در سایر مهارت های ارتباطی انسانی هم به تسلط کافی و وافی رسیده ایم.

برای رسیدن به جایگاه سخنوری حرفه ای به کسب مهارت های متعددی نیازمندیم. تحلیل زبان بدن، مهارت های ارتباطی، بیان مؤثر، فن بیان آموزشی، مبانی سخنوری حرفه ای، خبرخوانی، نحوه تهیه متن نطق، محتواسازی، آشنایی با مبانی شعر و ادبیات، تاریخ، تفکر انسانی، جامعه شناسی، روان شناسی، سیاست، تعلیم و تربیت، اقتصاد، هنر، ادیان و مذاهب از جمله این مهارت ها هستند.

این گستردگی شاید عجیب به نظر برسد، اما رسیدن به هر هدفی قطعاً نیازمند تحلیل، واکاوی و در نهایت طراحی نقشه راه است. در هر یک از اقسام ارتباط کلامی نیز طی کردن این مراحل ضروری است. حال باید مشخص شود فن بیان در کدام قسمت از نقشه راه سخنرانی قرار دارد. به عبارت ساده تر، هر سخنور و سخنران حرفه ای اولاً باید روش سخنرانی را بیانشناسد، ثانیاً انسان شناس باشد تا بتواند برای انسان ها سخنرانی کند، روی آن ها تأثیر بگذارد و آن ها را در مسیر دلخواه رهنمون شود و در نهایت به مرحله اقناع برساند.

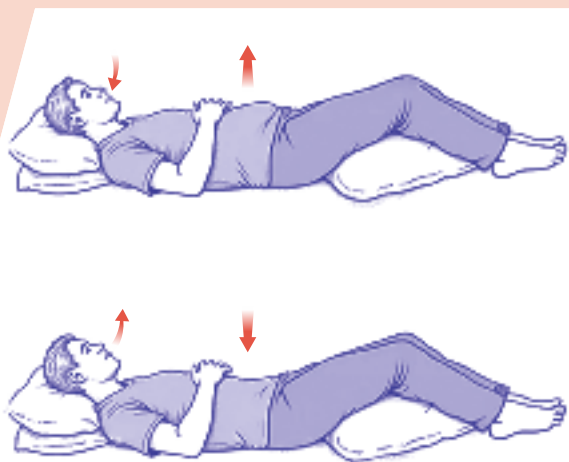
اکنون راحت تر می توانیم موقعیت فن بیان را به عنوان یکی از مهارت های سخنوری درک کنیم. فن بیان فقط یکی از ده ها مهارتی است که ما برای تبدیل شدن به سخنران و سخنور حرفه ای نیاز داریم. در ادامه گام به گام با این مهارت بی بدیل عصر حاضر آشنا خواهیم شد.

* تعریف فن بیان

فن بیان به معنای چگونگی ادای کلمه ها و جمله ها و تلفظ صحیح با بهترین کیفیت است، به نحوی که باعث جذابیت و گیرایی در سخنان گوینده شود. فرض بر این است که شما سایر مهارت های سخنوری را آموخته اید و به عبارت ساده تر مشکلی در مهارت بیان، انتخاب کلمه و جمله و محتواسازی ندارید. در این مرحله، فن بیان به شما کمک می کند آنچه را



در تصویر زیر یکی از تمرین های مفید برای تقویت تنفس میان بندی را مشاهده می کنید. در این تمرین، هنگام عمل دم (نفس کشیدن)، در افزایش حجم شکم می کوشیم و با عمل بازدم برعکس.



در پایان، چند نکته مهم برای بهبود فن بیان به شما توصیه می کنم:

/ تمرین مداوم: هر روز چند دقیقه ای را به تمرین سخنرانی اختصاص دهید.

/ خواندن کتاب های مرتبط: کتاب هایی با موضوعات بیان شده و همچنین متن های ارزشمند ادبی در تسلط بیشتر به شما کمک خواهند کرد.

/ تمرین های تنفسی: اهمیت تنفس صحیح در ایجاد صدای رسا و مهار فشار روانی بسیار اهمیت دارد.

/ خواندن بلند: تأثیر خواندن بلند انواع متن بر بهبود تلفظ و لحن را بررسی کنیم.

/ شرکت در دوره های آموزشی: دوره های آموزشی فن بیان و سخنرانی می توانند مهارت های این زمینه را به طور قابل توجهی بهبود بخشند.

/ دریافت بازخورد: از همکاران، دانش آموزان یا حتی از دوستان و خانواده بخواهید به شما بازخورد دهند تا نقاط ضعف و قوت خود را بشناسید.

✱ برای آشنایی بیشتر با مهارت فن بیان، در شماره های بعدی با ما همراه باشید. ✱

صوتی و در صدر همه این ها دیافراگم است. اصلاح عملکرد هر کدام از این اعضا به جلسات عملی تخصصی نیاز دارد، اما آنچه بین همه اندام صوتی مشترک مورد بحث قرار می گیرد، بهبود عملکرد و کیفیت بخشی است.

تمرین های صدا سازی و تنفس، صدا را حرفه ای تر، زیباتر و اثرگذارتر می کنند. نحوه عملکرد اندام صوتی در اختیار ما نیست، اما در زمان هایی که به صورت نابه جا و غیر اصولی از آن ها استفاده می کنیم، مسلماً صدمه و لطمه هایی به کیفیت صدای ما وارد خواهند شد که با دریافت اطلاعات می توان از این آسیب ها پیشگیری کرد. همچنین در تنفس و صدا سازی، نحوه ضربه زدن با هوا به تارهای صوتی حنجره بسیار اهمیت دارد. هر چقدر اختیار شماروی میزان هوایی که تنفس می کنید بیشتر باشد و قدرت و سرعت عمل این ضربه ها دقیق تر باشند، شما از کیفیت صدای استانداردتری برخوردارید. به همین دلیل، تنفس شکمی یا میان بندی (دیافراگمی) بهترین نوع تنفس برای تولید صداست. اختیار شماروی هوا در تنفس شکمی ۱۰۰ درصد است، در حالی که در تنفس سینه ای این گونه نیست. در تنفس سینه ای، قفسه سینه به سمت بالا و شکم به سمت داخل حرکت می کند. در عین حال، حرکت قفسه سینه به سمت بالا و پایین، با توجه به حجم و وزن قفسه سینه، مستلزم صرف انرژی زیاد است. به همین دلیل، بیش از نیمی از هوایی که از این طریق به دست می آید، صرف بالا و پایین رفتن قفسه سینه می شود. در نتیجه اختیار شما روی هوایی که از طریق تنفس سینه ای به دست می آید، بسیار کم است. از طرف دیگر، حجم کم هوای باقی مانده برای تولید صدای استاندارد و حرفه ای کفایت نمی کند. در نتیجه شما برای کمبود هوا به عضلات ناحیه گلو فشار وارد می کنید تا با انقباض عضلات، آن هوا را با شدت بیشتری از گلو خارج و کیفیت صدای بهتری را تجربه کنید.

این کار باعث می شود عضلات گلو در حالت انقباض قرار گیرند و اگر شما در این حالت بخواهید به مدت طولانی صحبت کنید، گلودرد می گیرید. از طرف دیگر، این نوع تنفس باعث می شود در جلسه های مهمی که قصد ارائه و سخنرانی دارید، اضطراب بیش از حدی را تجربه کنید و گلویتان خشک شود.

تنفس میان بندی که همان تنفس دوران نوزادی و به صورت شکمی است، با افزایش حجم هوای دریافتی و همچنین تقویت عضلات ناحیه شکمی، ابتدا باعث قدرت و کیفیت تنفس و در نتیجه اختیار بیشتر بر بازدم می شود، در نتیجه کیفیت ضربه های هوایی به تارهای صوتی را بهبود می بخشد و در نهایت ما را به صدای مطلوب تر و استانداردتری نزدیک می کند.



تنفس میان بندی
کیفیت ضربه های
هوایی به تارهای
صوتی را بهبود
می بخشد و در
نهایت ما را به
صدای مطلوب تر
و استانداردتری
نزدیک می کند

جنگ موریانه‌ای

روایت و نگاهی دوباره به جنگ ادراکی و شناختی

لازمه تبیین و تحلیل جنگ‌های شناختی و ادراکی، که از پیچیده‌ترین تهاجم‌ها و جنگ‌های نوین در عصر حاضرند و با سلاح اندیشه، ادراک و ذهن انجام می‌گیرند، آشنایی و اطلاع از دیگر شیوه‌های مرسوم تهاجم در جهان امروزی است که در ادامه به اختصار به آن اشاره خواهد شد.

در یک تقسیم کلی و با توجه به ابزارهای به کار رفته در جنگ و با توجه به اهداف آن، می‌توان جنگ‌ها را به سه نوع تقسیم کرد: الف) «جنگ‌های سخت» که همان درگیری‌های نظامی و فیزیکی میان سربازان و نظامیان مهاجم با جبهه مقابل است و معمولاً به منظور تسخیر سرزمین یا بخشی از سرزمین شروع می‌شود و با موفقیت طرف مهاجم، یا پس از بر جای ماندن تلفات انسانی فراوان از طرفین، پایان می‌پذیرد؛ ب) «جنگ‌های نیمه سخت» که هدف اصلی آن‌ها تغییر حاکمان و مسئولان یک کشور است و به منظور تسخیر یک حکومت و سرنگون کردن یک نظام سیاسی انجام می‌گیرد. سپاه دشمن در عمل وارد درگیری نمی‌شود، بلکه با فراهم کردن زمینه‌های لازم، سعی می‌کند مهره‌های خود را از طریق کودتای

دکتر عباسعلی مظفری
جامعه‌شناس

کلیدواژه‌ها: جنگ ادراکی و شناختی،
جنگ نرم، جنگ موریانه‌ای،
از خودبیگانگی



سرمايه اجتماعی و نیروهای مردمی کشور شود. جوزف نای، محقق و سیاستمدار برجسته آمریکایی، مبدع عبارت «قدرت نرم»، که کتاب‌ها و مقالات متعددی در مناسبت‌های بین‌المللی و کسب سلطه (هژمونی) جهانی نگارش کرده است، اعتقاد دارد، «قدرت نرم هر کشور از سه طریق قابل تأمین است: اول فرهنگ آن کشور، دوم ارزش‌های سیاسی و سوم سیاست خارجی (روش‌های جنگ شناختی و فن مقابله با آن، داده عظیم)، مرحله پیچیده، پیشرفته و نوین جنگ نرم، همان جنگ ادراکی و شناختی است که از آن تحت عنوان «جنگ‌های آخرالزمانی» هم یاد شده است؛ یعنی دست‌کاری روان‌شناختی و مهندسی افکار. در این نوع بسیار پیشرفته از جنگ، ذهن انسان‌ها به صحنه عملیات تبدیل می‌شود و هدف آن است که نه تنها روی آنچه افراد هدف فکر می‌کنند، بلکه روی چگونگی تفکر آنان و در نهایت چگونگی عملکردشان اثرگذاری می‌شود.

جیمز جوردانو، متخصص علوم اعصاب، مغز انسان را میدان نبرد قرن بیست و یک معرفی می‌کند. به عنوان مثال، آیا افرادی را دیده‌اید که تا چند ماه قبل به اعتقادات خود به شدت پایبند بوده‌اند و اکنون اعتقادات خود را خرافات تلقی می‌کنند؟ یا با افرادی مواجه شده‌اید که به آداب و رسوم، ارزش‌ها و رهبری جامعه خود عشق می‌ورزیدند، ولی حالا نه؟ امثال این نمونه‌ها فراوان هستند. جای تعجبی وجود ندارد. در یک کلام ساده، این افراد مورد اصابت گلوله دشمن در جنگ شناختی قرار گرفته‌اند، بدون اینکه جراحاتی در بدن خود احساس کنند. به همین دلیل است که گاهی از این جنگ به عنوان جنگ موریانه‌ای نام می‌برند. این نوع جنگ، شکل تکامل یافته‌تر، پیشرفته‌تر و اثرگذارتر جنگ نرم است. از ویژگی‌های مهم این جنگ، متکی بودن آن بر زیرساخت رسانه‌های نوین فضای رایانه‌ای است که تفکر آدمی را مورد هدف قرار می‌دهد. درک این نکته مهم است که مغز انسان، مثل سایر اعضای او، گاهی ممکن است عملکرد توأم با خطا داشته باشد. در نهایت اینکه در جنگ نرم شناختی، حذف و نابودی ناظر به «شخصیت» و القای نوعی «از خود بیگانگی» است. جنگ‌های شناختی کودکان، نوجوانان و جوانان را بیشتر هدف قرار می‌دهند. در این حالت، چون تغییرات و آسیب‌ها بسیار نامحسوس و آرام هستند، افراد مورد هدف، به جای مقابله یا حتی پناه گرفتن، بدون مقاومت قربانی می‌شوند و در راستای اهداف دشمن حرکت می‌کنند. دله‌ره‌آورترین قسمت جنگ شناختی، تلفات انسانی آن است. در جنگ سخت، وقتی سربازی خودی مورد اصابت دشمن قرار می‌گیرد، یک نفر از نیروهای خودی می‌شود. اما در جنگ ادراکی و شناختی وقتی سربازی خودی مورد اصابت دشمن قرار می‌گیرد یک نفر به نیروهای دشمن اضافه می‌شود. حتی بدتر از این آنکه فرد مورد اصابت قرار گرفته، شاید گروهی از نیروهای خودی را به جبهه مقابل بیفزاید! در این نوع جنگ، افراد معروح حتی متوجه زخمی شدن خود نمی‌شوند، چون نه خونی می‌بینند و نه دردی حس می‌کنند. زخمی‌های جنگ شناختی، شادان و خندان و بدون نگرانی از زخم‌های کشنده خود، به زندگی ادامه می‌دهند. در نبرد شناختی جبهه‌ای موفق است که ذهن‌های بیشتری را تصرف کند. باورپذیر بودن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این کارزار است. در این زمینه مباحث و مطالب بسیار زیادی وجود دارند که لازم است

نظامی به قدرت برسانند. رژیم‌های کودتا همگی محصول جنگ‌های نیمه سخت‌اند؛

ج) «جنگ‌های نرم» که از سنخ جنگ فرهنگی هستند. ابزار و ادوات این نوع جنگ، فرهنگی، فکری، اندیشه‌ای و منش‌های اند، نه ابزار و وسایل نظامی. دشمنان در جنگ نرم به دنبال تسخیر باورها و ارزش‌های یک ملت‌اند. تصرف قلب‌ها و مغزها هدف اصلی جنگ نرم است و دشمنان، زمانی که به هدف نائل شوند، در حقیقت جبهه مقابل را به جبهه خودی تبدیل کرده‌اند. در چنین صورتی، اصولاً به تسخیر نظامی کشور یا دخالت رسمی و مستقیم در تغییر نظام حاکم نیازی نیست، بلکه این اهداف را خود آن ملت، که همگی یا بخش عمده‌ای از آن‌ها در اثر جنگ نرم به جبهه دشمن پیوسته‌اند، تأمین می‌کنند. احیاناً اگر نیازی به جنگ سخت هم باشد، با کمترین مقاومت از کشور هدف روبرو خواهد شد و با هزینه‌ای بسیار اندک به هدف اصلی خود نائل می‌شوند (شریفی، ص ۲۴).

❁ اشکال و انواع جنگ نرم

در اصطلاح‌های نظامی و سیاسی، اصطلاحاتی از قبیل «جنگ روانی»، «عملیات روانی»، «براندازی نرم»، «انقلاب نرم»، «انقلاب مخملی»، «انقلاب رنگی» و «جنگ رسانه‌ای»، همگی از اشکال و انواع جنگ نرم و گاهی مرادف جنگ نرم به کار می‌روند، در حالی که جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای در واقع از شگردها و ابزارهای جنگ نرم‌اند و نه مرادف با آن. و انقلاب مخملی و انقلاب رنگی نیز در واقع مرحله سخت‌افزاری جنگ نرم به شمار می‌روند. البته در همه این موارد دشمن سعی می‌کند بدون درگیری و زور و اجبار، جبهه مقابل را به انفعال بکشانند و اراده و خواست خود را بدون به کارگیری ابزار آلات نظامی و سخت، بر دیگران تحمیل کند. بسیاری از این نوع جنگ‌ها در سال‌های اخیر و در کشورهای گوناگون رخ داده‌اند. منابع و مطالب فراوانی در دسترس هستند که به آسانی می‌توان از کم و کیف آن‌ها کسب اطلاع کرد. جنگ ادراکی و شناختی نیز ارتقایافته جنگ نرم است که در ادامه به اختصار بدان اشاره خواهد شد.

❁ هدف و شیوه جنگ شناختی و ادراکی

هدف جنگ شناختی و جنگ سخت یکی است و آن در نهایت از پای درآوردن حریف است. ولی شیوه تهاجم بسیار متفاوت است. روش عمل و اقدام در نبرد شناختی، مشروعیّت‌زدایی، اعتبارزدایی، اعتمادزدایی، قداست‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدنمایی است، که در نهایت دشمن امیدوار است سبب رویگردانی اجتماعی و از بین رفتن

مرحله پیچیده، پیشرفته و نوین جنگ نرم، همان جنگ ادراکی و شناختی است که از آن تحت عنوان «جنگ‌های آخرالزمانی» هم یاد شده است؛ یعنی دست‌کاری روان‌شناختی و مهندسی افکار



غالباً از اهداف، روش‌ها و تأثیرگذاری آن‌ها بی‌خبریم. چند اقدام در این زمینه پیشنهاد می‌شوند:

باید با افزایش سواد رسانه‌ای، هم‌فکری و تحلیل صحیح و دقیق، از نفوذ پدیده‌هایی که به بحران هویت و همچنین به نیروهای مخرب (خانه و مدرسه) فرزندان عزیز ما تبدیل می‌شوند، جلوگیری کرد؛

معلمان و والدین باید آشنا کار با نوجوانان خود درباره این پدیده‌ها صحبت کنند، شیفتگی آن‌ها را درک و به هرگونه نگرانی بالقوه رسیدگی کنند؛

در همه کلاس‌ها، ترویج بحث‌های گروهی، نقد و تحلیل جنگ‌های شناختی و روش‌های نوین نفوذ دشمنان بین دانش‌آموزان، در اولویت قرار گیرد؛

مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق، به جای تفکرات اسفنجی، در کودکان و نوجوانان تقویت شوند تا نگاه انتقادی خود را توسعه دهند و ماهیت و آثار مخرب ابزار جنگ شناختی و ادراکی و پیام‌هایی را که منتقل می‌کند، زیر سؤال ببرند؛

دانش‌آموزان را تشویق کنیم تعادل سالم خود را حفظ کنند. اولویت دادن به تکالیف مدرسه، سرگرمی‌ها و تعاملات اجتماعی لازم و ضروری است؛

بررسی و مطالعه منابع و کتاب‌ها به صورت گروهی، با حضور معلم، نقد و تحلیل مطالب و دیگر روش‌های نوآورانه، با همراهی و همکاری اولیای دانش‌آموزان؛

نکته پایانی این که در جنگ‌های سخت شهیدان به بهای جان، اجازه ندادند و جیبی از خاک ایران در تصرف دشمن باشد، در جنگ نرم، ادراکی و شناختی معلمان و دانش‌آموزان و همه ما با علم، آگاهی و هوشیاری باید مراقبت کنیم فکر و اندیشه فرزندان و آینده‌سازان ایران زمین از تصرف دشمن مصون و محفوظ بماند.

منابع

۱. شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹). جنگ نرم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲. وبگاه <https://bigdata-ir.com>
۳. آموزش ادبیات فارسی مبتدی بر رویکرد تربیتی. دفتر راهنمایی تحصیلی (متوسطه اول). ۱۳۹۱.
۴. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۳). آموزش به مثابه پرورش. پژوهشکده تعلیم و تربیت. تهران.
۵. رنوف، علی (۱۳۹۱). یاد دادن برای یاد گرفتن. انتشارات مدرسه برهان. تهران.
۶. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صوری (۱۳۷۴). نی. تهران.

<https://commons.wikimedia.org>
https://eitaa.com/cog_threats
<https://apararat.com/v/cq2FG>
<https://bazinegar.ir/tb9g>

ارکان (رفتار و عمل) رسوخ می‌کند (آموزش ادبیات فارسی مبتدی بر رویکرد تربیتی، ص ۲).

با وجود جنگ ادراکی و شناختی، رفتار فرزندان مادر مدرسه و جامعه تا چه اندازه تغییر کرده است؟ چگونه می‌توانیم به آن‌ها کمک کنیم؟

روزن شاین، متفکر تعلیم و تربیت، می‌گوید: «درس خوب معلم از چشم‌شاگردانش مشاهده می‌شود، اما درس موفقیت‌آمیز معلم از اعمال و رفتار دانش‌آموز پدیدار می‌شود (همان، ص ۱)».

با الهام از این موارد، مراقبت از قلب‌ها و اندیشه‌ها در مدرسه و کلاس درس و توجه به آن‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است تا بتواند شوق یادگیری را در دانش‌آموزان دوچندان و اهداف را محقق کند. این کار هرچند سخت، ولی شدنی است.

در سفر یادگیری مطلوب و اثربخش، مدرسه و به خصوص معلمان عزیز، با هماهنگی خانواده‌های دانش‌آموزان، حتماً در جنگ شناختی، با همه پیچیدگی آن، پیروز خواهند شد. البته با شکل‌سازی، ایجاد باشگاه‌های علمی، باشگاه کتاب‌خوانی و مطالعه، طراحی انواع کارهای گروهی، استوار کردن برنامه‌های مدرسه و حتی کلاس‌ها بر اردو، بازدید و شکل‌های هنری و ورزشی، مطالعه و پژوهش درباره سکوها (پلتفرم‌ها)، کسب اطلاع از مفاهیمی همچون صنعت کی‌پاپ، تیک‌تاک، انیمه و... که بسیاری از دانش‌آموزان به خوبی با آن‌ها آشنا هستند و افکار، اندیشه‌ها، رفتار، پوشش، ذائقه و در نهایت سبک زندگی‌شان تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته‌اند، ولی ما

همه مایی که با دانش‌آموزان سروکار داریم، پیرامون آن مطالعه و بررسی بیشتری کنیم.

ابزار و میدان جنگ شناختی

بدیهی است، میدان جنگ ادراکی و شناختی به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، میدان نبردی است که تمام ابعاد مادی و غیر مادی جامعه را در بر می‌گیرد؛ از دورترین نقاط کشور تا مدرسه، کلاس درس، محل زندگی و تار و خنث خواب کودکان و نوجوانان ما را هدف قرار می‌دهد. ابزار این جنگ رسانه‌ای که معمولاً دشمن به کار می‌گیرد، شامل روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، سکوها (پلتفرم‌ها) شبکه‌های مجازی، پیام‌رسان‌ها، اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها و مواردی از این قبیل هستند. قربانیان و کسانی که از این نبرد آسیب می‌بینند، همه مردم یک کشور، به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان هستند. این جریان تمام کشورهای فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار داده و تقریباً همه کشورهای متناسب با آداب و رسوم و فرهنگ خود با آن مقابله می‌کنند.

نقش مهم مدرسه‌ها و معلمان

روش‌ها و رویکردهای جنگ شناختی بر رفتار و اعمال فرزندان ما تأثیر گسترده‌ای دارند و نقش مدرسه و به خصوص معلمان عزیز و خانواده‌ها در این فرایند بسیار کلیدی و تعیین‌کننده است. از این نظر، ضمن ضرورت آشنایی همه افراد با تحولات روز جامعه جهانی، ظهور گروه‌ها و تشکلهای فرامبلیتی و اطلاع از میزان نفوذ آن‌ها در قلب و مغز فرزندان عزیز ما، آموزش‌ها باید به تغییر در اعمال و رفتار فردی و اجتماعی منجر شود تا جامعه‌ای سالم و امیدآفرین پدیدار شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «پایین‌ترین وضعیف‌ترین درجه آموزش و دانش آن چیزی است که در حد گفتار متوقف می‌شود و بالاترین آن هم چیزی است که در جوارح (عواطف) و

فرصت ها



و

تهدیدها

تهدیدها قسمت دوم:

دکتر حامد عباسی
پژوهشگر، نویسنده و مدرس تکنولوژی آموزشی

حمیده عباسی
دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

که به طور کامل و صحیح انجام شده است (تصویر ۱)، اما جمشای^۱ به همان تمرین پاسخ غیرقابل قبول و غیرقابل اعتماد داده است (تصویر ۲). بنابراین، در صورتی که کاربر اطلاعات پایه را در مورد موضوع بحث نداشته باشد، ممکن است موارد نادرست را به عنوان پاسخ های صحیح بپذیرد. همچنین، اگر یادگیرندگان در محاسبه مسائل ریاضی زیاد به سامانه هوشمند وابسته شوند، توسعه توانایی های ریاضی، استدلال و مهارت های منطقی برای آن هادشوار خواهد شد. استفاده از روش کلاس معکوس و حل تمرین در کلاس یکی از راهکارهای مقابله با این نوع تهدیدهاست. در ارتباط با پاسخ های غیرقابل قبول و غیرقابل اعتماد هوش مصنوعی، باید اذعان کرد، جعل عمیق (جعل بسیار نزدیک به واقعیت و غیرقابل تشخیص، مانند جعل

در قسمت قبل به فرصت هایی که هوش مصنوعی در آموزش و یادگیری برای معلمان در کلاس درس ایجاد می کند، اشاره شد. تهیه و انتقال محتوای یادگیری، کمک به یادگیرندگان در به کارگیری دانش، درگیر کردن دانش آموزان در وظایف یادگیری، ارزیابی و بازخورد، پاسخ به سؤال ها، نگارش طرح درس، طراحی سؤال های مفهومی، ترجمه متن، تفسیر جدول، تفسیر نمودار و تصویر، و تبدیل متن، صدا و تصویر به همدیگر از جمله مواردی بودند که در قسمت قبل به آن ها اشاره شد. هر فناوری در کنار فرصت ها و نقاط قوتی که دارد، ممکن است تهدیدها، چالش ها، محدودیت ها و حتی نکاتی منفی هم داشته باشد که هوش مصنوعی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در ادامه به برخی از این تهدیدها و راهکارهای احتمالی برای تبدیل تهدید به فرصت اشاره می کنیم.

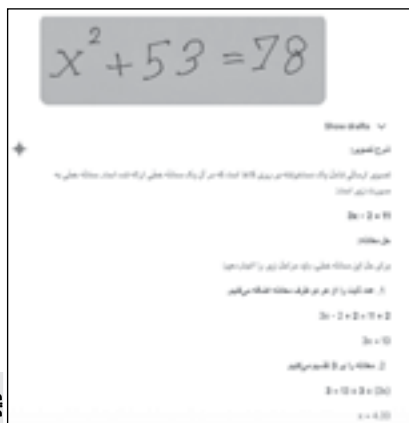
* محدودیت ها

ابزارهای هوش مصنوعی برای حل مشکلات خاص مورد استفاده قرار می گیرند و در آموزش و یادگیری کاربرد عمومی ندارند. اگر معلم بخواهد از همه ابزارها در بخش های متعدد آموزش استفاده کند، به دستگاهی پیشرفته با حافظه بالا و پردازشگر پرسرعت و تعداد زیادی ابزار هوش مصنوعی نیاز خواهد داشت. در کنار این موارد، مشکل کمبود دانش و مهارت معلمان در استفاده از این ابزارها نیز مشهود است (Wu, Burdina & Gura, 2022). البته استفاده معلم از فناوری های پیشرفته هرگز به این معنی نخواهد بود که این روش می تواند تمام نیازهای آموزشی را به خوبی برآورد (Zhang, 2022).

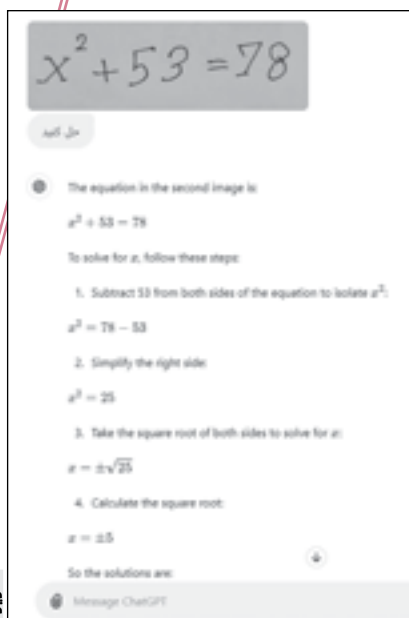
محدودیت های دیگر از قبیل رایگان نبودن، هزینه زیاد تهیه ابزارها، محدود بودن مدت استفاده از ابزارها با دسترسی آزاد (ممکن است محدودیت در تعداد دفعات استفاده یا مدت زمان استفاده باشد)، دسترسی به ابزارهای رایگان در همه کشورها، نیاز به اینترنت و گاهی اوقات ناهمسویی مسئولان در سطح های گوناگون باعث شده است کاربرد هوش مصنوعی در آموزش با مشکلاتی مواجه شود.

لازم به ذکر است، هوش مصنوعی به دلیل نداشتن تفکر عمیق و استدلال نامناسب، قادر به ارائه پاسخ به سؤال های سطح بالا و تحلیلی یا انتقادی نخواهد بود (Koh, Cowling, Jha & Sim, 2023). بر همین اساس، چگونگی مکاتبه و تعامل در آغاز بحث بیشتر می تواند به افزایش کیفیت پاسخ ها کمک کند. در شکل، نمونه حل یک تمرین ریاضی توسط چت جی پی تی را ملاحظه می کنید

تصویر ۲



تصویر ۱



کلیدواژه ها

هوش مصنوعی، آموزش و یادگیری، فناوری های نوین

چالش‌ها



چندوجهی است که شامل چارچوب‌های قانونی، تخصیص منابع و هزینه‌ها، آموزش معلمان، متناسب‌سازی و سازگاری با برنامه‌های درسی است. همچنین، فناوری آموزشی غالباً بر «یادگیری» و «یادگیرندگان» تأکید می‌کند، اما در عمل بر یادگیری تمرکز محدود دیده می‌شود و غلبه فناوری مشهود است. درک تأثیر عاطفی و انسانی ابزارهای دیجیتال نیز بسیار مهم است. فناوری‌ها بر احساسات، ارزش‌ها و رفتار یادگیرندگان و معلمان تأثیر می‌گذارند، بنابراین نقش آن‌ها در محیط‌های یادگیری باید حمایت‌کننده و غنی‌کننده باشد. حتی فناوری‌های یادگیری بر خط، به‌ویژه سامانه‌های مدیریت یادگیری، به‌طور ذاتی «معماری کنترل» را در طراحی خود نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، معماری این سامانه‌ها بیشتر در راستای کنترل یادگیرندگان است. همچنین، رابط‌های کاربری به طرز نامحسوسی رفتار و تعاملات کاربران را شکل می‌دهند و به‌طور بالقوه کاوش و استقلال آموزشی را محدود می‌کنند.

چالش‌ها

یکی از چالش‌های هوش مصنوعی مولد این است که امکان دارد کیفیت، عنصر مغفول در تولیدات باشد و در صورت نبود مراقبت و نظارت صحیح، محتوای غیر معتبر و غیر استاندارد پدید گرفته شود که اصلاح آن بسیار سخت خواهد بود. نگرانی دیگر در هوش مصنوعی و به‌طور اختصاصی چت‌جی‌پی‌تی، احتمال افزایش سرعت ادبی است که این فناوری و فناوری‌های مشابه آن را تسهیل می‌کند. همچنین، تکیه بیش‌ازحد به هوش مصنوعی، خطر کاهش خلاقیت و تفکر انتقادی را در یادگیرندگان افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، کلیشه‌ای شدن پاسخ‌های یادگیرندگان به سؤال‌ها نیز از مضرات آن است. ذخیره اطلاعات و مکاتبات فرد در برخی از ابزارهای هوش مصنوعی، امنیت لازم را ندارد و ممکن است کاربران دیگر نیز شاهد مکاتبات فرد باشند. این موضوع در برخی از ابزارها به کاربر اطلاع داده می‌شود و در برخی دیگر مخفی نگه داشته شده است. اتکای مؤسسه‌های آموزشی به شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه فناوری، خود ممکن است اطلاعات فراگیرندگان را به خطر بیندازد یا حتی باعث شود در تعهدات خود برای اجرای برنامه‌ها و حفاظت اطلاعات کوتاهی کنند. این تناقض‌ها و تعارض‌ها در هوش مصنوعی بیشتر از سایر موارد به چشم می‌خورد (Alier, et al., 2024).

از تهدیدهای مهم هوش مصنوعی، انجام اکثر کارهای پژوهشی توسط مدل‌های زبانی بزرگ^۲ است که می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به یادگیری بزند و انجام مستقل پژوهش توسط پژوهشگران را به حاشیه ببرد. برای نمونه، جدول آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه (جدول ۱) را به جمنای و چت‌جی‌پی‌تی دادیم. هر دو هوش مصنوعی تفسیرهایی بسیار کامل و دقیق ارائه دادند که در ادامه به دلیل طولانی بودن متن، فقط بخش نتیجه‌گیری هر دو ابزار و پژوهشگر را ارائه می‌دهیم:

فناوری آموزشی غالباً بر «یادگیری» و «یادگیرندگان» تأکید می‌کند، اما در عمل بر یادگیری تمرکز محدود دیده می‌شود و غلبه فناوری مشهود است

فیلم‌ها و تصویرها) و اخبار جعلی از دیگر خطرات هوش مصنوعی هستند که تهدیدی برای یادگیرندگان محسوب می‌شوند (Karan & Angadi, 2023). در کاربرد فناوری‌های متعدد، به‌ویژه آن‌هایی که نوظهور هستند و هنوز قوانین و منشورهای اخلاقی برای آن‌ها تدوین نشده یا عمومیت نیافته است، تناقض‌هایی وجود دارد. هر چند پنج اصل اخلاقی «شفافیت، عدالت و انصاف، سوءاستفاده نکردن، مسئولیت و حریم خصوصی» برای هوش مصنوعی شناسایی شده‌اند، اما به کارگیری آن مستلزم دستورالعمل جهانی اخلاق هوش مصنوعی است. خود این دستورالعمل نیازمند نگاهی متعادل به مسائل فرهنگی، اجتماعی و فنی است (Lameras & Arnab, 2022) که منبعث از سوگیری‌ها و مسائل قومی، نژادی، جنسیتی، سیاسی، جغرافیایی و مواردی از این قبیل نباشد. طراحی سامانه‌های هوش مصنوعی باید به گونه‌ای باشد که «به تفاوت‌ها در ارزش‌های فرهنگی احترام بگذارد». فناوری باید با روش‌های آموزشی ادغام شود تا آموزش به‌طور واقعی بهبود یابد، ولی این نکته غالباً نادیده گرفته می‌شود. ادغام هوش مصنوعی در آموزش مستلزم رویکردی

مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت F	سطح معناداری
۴۰/۸۰۴	۳	۱۳/۶۰۱	۱/۶۰۲	۰/۱۹۲
۱۰۳۵/۸۵۵	۱۲۲	۸/۴۹۱		
۱۰۷۶/۶۵۹	۱۲۵			



نتیجه‌گیری نهایی جمنای (بدون ویرایش): با توجه به اینکه سطح معنی‌داری (Sig.) از 0.05 بزرگ‌تر است ($0.05 < 0.192$)، فرض صفر (فرض عدم وجود اختلاف معنی‌دار بین میانگین‌ها) رد نمی‌شود. به عبارت دیگر، شواهد کافی برای رد فرض صفر و نتیجه‌گیری وجود اختلاف معنی‌دار بین میانگین‌های سه گروه وجود ندارد. **نتیجه‌گیری نهایی چت جی‌پی‌تی (بدون ویرایش):** از آنجا که مقدار p بیشتر از 0.05 است، فرضیه صفر را رد نمی‌کنیم. این به این معنی است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های گروه‌ها برای پیش‌آزمون‌ها وجود ندارد. واریانس بین گروه‌ها به‌طور معنی‌داری بیشتر از واریانس درون گروه‌ها نیست.

این هوش مصنوعی نتایج را به زبان انگلیسی ارائه داد که درخواست کردیم ترجمه کند و جدول را به حالت قابل ویرایش تبدیل کرد.

نتیجه‌گیری نهایی پژوهشگر (بدون ویرایش): بر اساس نتایج جدول، چون درجه آزادی محاسبه‌شده $(F: 1/6.02)$ در سطح 0.05 کوچک‌تر از F محاسبه‌شده در جدول $(3/26)$ است، از سوی دیگر سطح معناداری محاسبه‌شده $(sig: 0.192)$ بیشتر از 0.05 است، بنابراین اختلاف بین میانگین‌ها معنادار نیست و گروه‌ها همسان انتخاب شده‌اند.

از تهدیدهای دیگر هوش مصنوعی، حذف احتمالی مشاغل آموزشی سنتی، هزینه‌های زیاد پیاده‌سازی سامانه‌های هوش مصنوعی، خطاهای برنامه‌نویسی و پردازش خطا، ازدست‌دادن ارتباط خانه و مدرسه، انزوای اجتماعی در درازمدت و ازدست‌دادن تعاملات و روابط انسانی در کلاس با کاهش آموزش چهره‌به‌چهره (Al-Tkhayneh et al., 2023) و بومی نبودن اغلب ابزارهای هوش مصنوعی است. از سوی دیگر، هوش مصنوعی در رابطه با دریافت اطلاعات زیاد، باید از اضافه‌شدن بار اطلاعات و شرایط ارگونومیک نامطلوب معلمان جلوگیری کند و روحیه آن‌ها را تضعیف نکند که این برای این مورد راهکار مناسبی پیش‌بینی نشده است. کاهش نقش معلم توسط فناوری هوش مصنوعی خطری برای آموزش دانش‌آموزان خواهد بود. اگر جایگاه معلمان با روایات‌های هوش مصنوعی پر شود، بیکاری بزرگی رخ خواهد داد و این بزرگ‌ترین خطر مرتبط با ادغام هوش مصنوعی در آموزش و یادگیری است (Karan & Angadi, 2023). تصور می‌شود فناوری دیجیتال می‌تواند وظایف آموزشی را مؤثرتر از معلم انجام دهد. اگر این اتفاق رخ دهد و جای معلم را بگیرد، رشد شکاف دیجیتال و نابرابری بین گروه‌های دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و دانش‌آموزانی که به دلیل نبود تعادل جهانی در توزیع جغرافیایی هوش مصنوعی، که در توزیع ناعادلانه ثروت ریشه دارد، به ابزارهای

هوش مصنوعی دسترسی ندارند، یادگیری کمتری خواهند داشت (Alvarez-Herrero, 2024) و رشد اجتماعی و عاطفی یادگیرنده که از طریق تعامل کلاسی به‌بترین وجه ایجاد می‌شود، دچار مشکل می‌شود.

البته هنوز در تحقق جایگزینی هوش مصنوعی با معلم جای تردید وجود دارد و با اطمینان نمی‌توان در مورد آن قضاوت کرد. هر چند برخی نظرخواهی‌ها نشان داده‌اند، در آموزش عالی، هوش مصنوعی در پنج سال آینده جایگزین استادان دانشگاه خواهد شد (Okulich, et al., 2024). همچنین، بدون آموزش کافی و دستورالعمل‌های روشن، یادگیرندگان نمی‌توانند از چت‌بات‌ها به‌شیوه‌ای مؤثر و اخلاقی و همسو با روند آموزش استفاده کنند و ممکن است این ابزارها از اهمیت نقش معلمان بکاهند. در مورد جایگزینی هوش مصنوعی با معلم، ارائه برخی توضیحات به معلمان درباره نحوه تصمیم‌گیری هوش مصنوعی، به‌ویژه در مقایسه با متخصصان انسانی و اینکه هوش مصنوعی چگونه می‌تواند مکمل و نقطه قوت معلمان باشد، می‌تواند از نگرانی معلمان بکاهد و بر اعتماد آن‌ها به فناوری آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی بیفزاید.

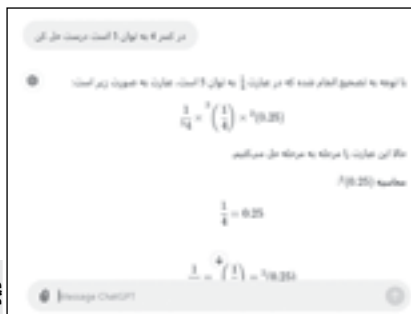
یکی از تهدیدهای پیش‌روی معلمان، محول کردن انجام تکلیف‌سپرده به دانش‌آموزان توسط هوش مصنوعی است. با این کار ممکن است تجربه یادگیری نادیده گرفته شود و دیگر اعتبار، اصالت و صحت تکلیف یا حتی محتوای تولیدشده مورد تردید واقع شود و دانش‌آموزانی که به فناوری تسلط دارند، از هوش مصنوعی برای انجام برخی تکلیف‌ها استفاده کنند. برای تقویت تجربه یادگیری، حل تمرین در کلاس یا کلاس معکوس راه‌حل مناسبی است. همچنین، از دانش و مهارت چنین دانش‌آموزانی می‌توان در کلاس درس به‌عنوان دستیار فناوری معلم استفاده کرد.

علاوه بر موارد مذکور، نکته قابل تأمل دیگر در برخورد با این‌گونه ابزارهای هوش مصنوعی، به‌ویژه مدل‌های زبانی بزرگ^۳ یا مدل‌های زبانی بزرگ چندوجهی^۴ مانند چت‌جی‌پی‌تی، کوپالیت^۵ و جمنای این است که در اولین تلاش و کوشش یادگیرنده پاسخ‌های قابل اعتماد حاصل نمی‌شوند و باید چندین سؤال پی‌درپی را جمع به موضوع مطرح شود تا ماشین درک عمیقی از موضوع پیدا کند و بتواند مدلی را طراحی و بر اساس آن به درخواست‌ها پاسخ دهد. لذا پذیرش اولین پاسخ‌های مدل‌های زبانی نیازمند تأمل، احتیاط و مکاتبه برای یادگیری و ایجاد مدل زبانی است. در تصویر بعدی یک عبارت جبری برای محاسبه به چت‌جی‌پی‌تی داده شده است که در مرحله نخست^۴ به توان ۵ عدد ۴۵ تشخیص داد (تصویر ۳) و وقتی نوشته شد کسرها ۴ به توان ۵ در نظر بگیرد، توانست راه‌حل و پاسخ درستی ارائه دهد (تصویر ۴). نگرانی دیگر، خطر بالقوه سوگیری خودآگاه یا ناخودآگاه

است که در الگوریتم‌های هوش مصنوعی گنجانده شده‌اند. موضوع سوگیری هوش مصنوعی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نگرانی از رعایت نکردن عدالت مرتبط است. این موضوع به‌طور بالقوه شامل چندین نوع سوگیری مانند سوگیری برنام، سوگیری ماشینی، سوگیری زبانی، سوگیری نتایج، سوگیری‌های قومیتی، سوگیری‌های دیجیتالی، سوگیری‌های جنسیتی، تبعیض و سوگیری در مجموعه داده‌ها و الگوریتم‌هاست. برای مثال، دانش‌آموزان رنگین‌پوست در مدرسه، در بدو ورود، به دلیل شناسایی نادرست چهره توسط هوش مصنوعی، مورد تبعیض قرار می‌گیرند و این موضوع پیامدهای منفی برایشان داشت، چرا که دانش‌آموز در مدرسه حضور دارد، اما به دلیل تشخیص ندادن صحیح چهره، غیبت ثبت و موجب نگرانی برای والدین نیز می‌شود. دستگاه‌های شناسایی حالت‌های چهره و تحلیل احساسات، چه در زمان آموزش و چه برای مدیریت آموزشگاه، نقض حریم خصوصی افراد محسوب می‌شوند. حتی تشخیص اشتباه این دستگاه‌ها، همان‌طور که اشاره شد، موجب بروز نارضایتی یادگیرندگان می‌شود (Karan & Angadi, 2023). همچنین، درجه عملکرد سخت‌افزارها و حس‌گرهای سامانه هوش مصنوعی تحت تأثیر طیف وسیعی از شرایط محیطی از جمله نوسانات دما، رطوبت،



تصویر ۳



تصویر ۴

گرد و غبار و ذرات معلق در هوا، روشنایی، نویزها، امواج الکتریکی و مغناطیسی قرار دارد و ممکن است در عملکرد سامانه نقص ایجاد کند و صحت عملکرد آن‌ها را مورد تردید قرار دهد.

یکی از بزرگ‌ترین مسائل در رابطه با نحوه انطباق و پذیرش ابزارهای هوش مصنوعی، به‌ویژه در زمینه آموزش، این است که اکثر ابزارهای هوش مصنوعی بایک مبنای نظری در ذهن ایجاد نشده‌اند و مبنای نظری ندارند. یعنی اول فناوری را در نظر گرفته‌اند، سپس به چگونگی استفاده از آن پرداخته‌اند (Koh, et al., 2023) و این در حوزه آموزش مشهودتر از سایر حوزه‌هاست. چالش‌های خاص دیگری از جمله تلاش برای کاهش اضطراب اولیه دانش‌آموزان، غلبه بر مشکلات فنی مربوط به سخت‌افزار، ارائه توضیحات مفهومی جامع‌تر و توسعه رابط‌های گرافیکی کاربرپسند، باید مورد توجه قرار گیرد (Li, Yu, & Zhang, 2024)، زیرا به عنوان مثال، در برخی مدل‌های زبانی رایج، رابط کاربری جالب و جذابی ندارند. مشکل دیگر حجم زیاد داده‌ها، نیاز به سامانه‌های نگهداری اطلاعات و سرورها، اجرا و پشتیبانی‌های فنی است که خود نیازمند توجه ویژه است.

استفاده بیش از حد از هوش مصنوعی ممکن است به کاهش مهارت‌های شناختی بالا از قبیل خلاقیت، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، استدلال و حل مسئله منجر شود و این مورد فرصت‌های مناسب یادگیری را در آموزش، به‌ویژه با رویکرد سازنده‌گرایی، به تهدید تبدیل کند. سوءاستفاده از آزمون‌ها، به‌ویژه در آزمون‌های برخط نیز می‌تواند تهدیدی برای سلامت آزمون‌ها باشد. برای مثال، چند دانشگاه در استرالیا تصمیم گرفته‌اند استفاده از آزمون‌های قلم و کاغذی را افزایش دهند (Koh, et al., 2023) تا با این تهدید هوش مصنوعی مقابله کنند. با وجود گسترش و توسعه سریع هوش مصنوعی و احساس نیاز شدید به آن، ترس از کاربرد آن هنوز وجود دارد و همین ترس یکی از مانع‌های ورود آن به آموزش محسوب می‌شود؛ به‌طوری که ووه‌همکاران (۲۰۲۳) گام‌افرا تر گذاشته‌اند و اظهار می‌دارند معلمان نباید با هوش مصنوعی به عنوان «دشمن» رفتار کنند، بلکه راه‌هایی برای کار با آن، به منظور بهبود نتایج یادگیری دانش‌آموزان، بیابند.

راهنماها

یکی از راهکارهای کاهش چالش‌های هوش مصنوعی در آموزش، آموزش مؤثر هوش مصنوعی به معلمان است. آموزش هوش مصنوعی برای افزایش میزان آمادگی معلمان به منظور استفاده در

تدریس ضروری است، زیرا موفقیت آموزش و کاربرد هوش مصنوعی به شدت به آمادگی معلمان بستگی دارد. امروزه بسیاری از معلمان با مفاهیم، نظریه‌ها و موارد کاربردی هوش مصنوعی و فناوری‌های مبتنی بر آن آشنایی کافی ندارند. برای مؤثرتر شدن هوش مصنوعی در آموزش توصیه می‌شود نرم‌افزارهای آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی برای بهبود صلاحیت‌های معلمان توسعه یابد. برنامه‌های درسی مبتنی بر هوش مصنوعی برای همه دست‌اندرکاران آموزش ایجاد و اجرا شود. بانک‌های اطلاعاتی دقیق در تمامی زمینه‌های آموزشی، از جمله منابع انسانی، ارائه شود. محیط یادگیری‌ای که نقش برنامه‌های کاربردی هوش مصنوعی را در توسعه حرفه‌ای معلمان افزایش می‌دهد ایجاد و دسترسی به پایگاه‌های داده در حوزه‌های متعدد برای معلمان امکان‌پذیر شود (Wu, Burdina & Gura, 2023). آموزش معلمان مبتنی بر هوش مصنوعی در آغاز استخدام (تربیت معلم هوشمند) نیز می‌تواند دانش‌یادگیرندگان را بهبود بخشد، اما در این فرایند، استفاده از فناوری باید با رویکرد یادگیری سنتی ترکیب شود، چرا که آموزش به مهارت‌های ارتباطی خوب، دانش در زمینه روان‌شناسی (توانایی شناخت احساسات، در نظر گرفتن توانایی‌های فردی، آگاهی از اصول انگیزه و تجربه در برقراری ارتباط با افراد نیاز دارد. به همین دلیل، بسیاری از متخصصان در مورد استفاده از هوش مصنوعی در تربیت معلم تردید دارند. راه‌حل دیگر، مقابله با تهدیدها، چالش‌ها و محدودیت‌ها، تأکید بر تفکر انتقادی، ترویج همکاری، نوآوری و تدوین دستورالعمل‌های روشن برای استفاده از فناوری هوش مصنوعی و پشتیبانی از برنامه‌های مؤثر برای آموزش و یادگیری است.

نتیجه اینکه موارد مطرح‌شده به معنای طرد هوش مصنوعی نیستند، بلکه باید آگاهانه و هدفمند از آن‌ها استفاده کنیم. هوش مصنوعی نه آغاز تحول در فناوری است، نه پایان آن، بلکه در مسیر تحول قرار دارد و ما نیز باید این مسیر را طی کنیم؛ اما به گونه‌ای هوشمند که ما را به سر منزل مقصود برساند. چرا که ایجاد مانع و محدودیت، راه نفوذ فناوری را نخواهد بست، بلکه راه‌های غیر منطقی را برای رسیدن به آن باز خواهد کرد. توصیه ما بهره‌مندی حداکثری از حداقل ابزارهای هوش مصنوعی در دسترس است، چرا که امروزه هوش مصنوعی تحولات دیروزی ما را محقق کرده و آرزوهای علمی ما را به سرانجام رسانده است. در مجموع، ایجاد تعادل بین استفاده از هوش مصنوعی و روش‌های سنتی، ضرورت کلاس‌های آموزشی امروزی است. هوش مصنوعی قرار نیست جایگزین معلم شود، بلکه مکمل آن و یا ما خواهد بود. سرعت رشد و پیشرفت هوش مصنوعی خود

عاملی خواهد شد تا معلمان علاقه‌مند، دانش، نگرش و مهارت تخصصی و حرفه‌ای مرتبط با هوش مصنوعی را به‌روز نگه‌دارند. با تمرکز کافی بر مسائل اخلاقی و کاهش خطرات هوش مصنوعی، مدرسه‌ها می‌توانند نوآوری‌های هوش مصنوعی را به‌طور مؤثرتر در آموزش و یادگیری به‌کارگیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Gemini
2. Large Language Models (LLMs)
3. LLMs
4. Multimodal Large Language Models (MLLMs)
5. Copilot

منابع

1. Alier, M., Garc a-Penalvo, F., & Camba, J. D. (2024). Generative Artificial Intelligence in Education From Deceptive to Disruptive. *International Journal of Interactive Multimedia and Artificial Intelligence*, 8(5). DOI: 10.9781/ijimai.2024.02.011.
2. Al-Tkayneh, K. M., Alghazo, E. M., & Tahat, D. (2023). The advantages and disadvantages of using artificial intelligence in Education. *Journal of Educational and Social Research*, 13(4). <https://doi.org/10.36941/jesr-2023-0094>.
3. Alvarez-Herrero, J. F. (2024). Opinion of Spanish Teachers About Artificial Intelligence and Its Use in Education. In *IoT, AI, and ICT for Educational Applications Technologies to Enable Education for All*. 163-172. https://doi.org/10.1007/978-3-031-50139-5_8.
4. Karan, B., & Angadi, G. R. (2023). Potential Risks of Artificial Intelligence Integration into School Education A Systematic Review. *Bulletin of Science, Technology & Society*, 43(3-4), 67-85. <https://doi.org/10.1177/02704676231224705>.
5. Koh, J., Cowling, M., Jha, M., & Sim, K. N. (2023). The Human Teacher, the AI Teacher and the Aled-Teacher Relationship. *Journal of Higher Education Theory & Practice*, 23(17). <https://doi.org/10.33423/jhetp.v23i17.6543>.
6. Lamerar, P., & Arnab, S. (2022). Power to the teachers an exploratory review on artificial intelligence in education. *Information*, 13(1), 14. <https://doi.org/10.3390/info13010014>.
7. Li, L., Yu, F., & Zhang, E. (2024). A systematic review of learning task design for K-12 AI education Trends, challenges, and opportunities. *Computers and Education Artificial Intelligence*, 100217. <https://doi.org/10.1016/j.caeai.2024.100217>.
8. Okulich-Kazarin, V., Artyukhov, A., Skowron, L., Artyukhova, N., Dluhopolskyi, O., Cwynar, W. (2024). Sustainability of Higher Education: Study of Student Opinions about the Possibility of Replacing Teachers with AI Technologies. *Sustainability*, 16, 55. <https://doi.org/10.3390/su16010055>.
9. Wu, W., Burdina, G., & Gura, A. (2023). Use of Artificial Intelligence in Teacher Training. *International Journal of Web-Based Learning and Teaching Technologies (IJWLTT)*, 18(1), 1-15. <https://doi.org/10.4018/IJWLTT.331692>.
10. Zhang, Y. (2022). Development and application of artificial intelligence multimedia technology based on big data. *Mobile Information Systems*, 2022, 1-10. <https://doi.org/10.1155/2022/2073091>.

نو معلم جان

کوچک

رقیه ناموری لاله
دبیر، تبریز



کتاب قصه و عروسک گردانی و نمایش و آموزش بهداشت (مسواک زدن) فضا را گرم و نشاط انگیز و صمیمی کردند؛ فضایی که روزها بعد از بازگشت از شیرخوارگاه، هنوز به خاطر آفرینش لحظاتی زیبا برای غنچه‌های نوشکفته، در ذهنشان جلوه‌گری می‌کرد و طعم شیرینش در یادشان ماندگار شده بود. یاد دیدار کودکانی که پناهگاهی جز آغوش مهربان نظاره‌گرانسان نداشتند، یاد زیباچهرگان معصومی که برای کوچک‌ترین لبخند همچون پروانه‌های شوق‌پر می‌زدند و بال می‌افشانند، یاد که همراه با شکر و سپاسی بی‌پایان در دل دانش‌آموزان ریشه افکند و جوانه زد، شکر برای داشتن داشته‌ها، شکر برای آغوش گرم والدین، شکر برای کانونی به نام خانه...

این احساس در کودکان شیرخوارگاه هم متجلی بود. شوق و ذوق شنیدن در نگاهشان موج می‌زد و تمنای فهمیدن در چهره‌شان خودنمایی می‌کرد. هدیه‌ای داشتند که فراتر از سایر هدیه‌هایشان بود؛ هدیه‌ای از نوع دانستن و پرکشیدن و اوج گرفتن.

مدرسه‌های حاشیه شهر و ارائه آموزش توسط دانش‌آموزان

دومین تجربه ماندگار ما شناسایی دانش‌آموزان قوی و با استعداد و در ضمن علاقه‌مند به تدریس در مدرسه بود. بعد از استعلام و شناسایی عزم‌آزمایان را جزم کردیم برای رفتن به مدرسه‌های محروم حاشیه‌ای شهر تبریز، برای تدریس این عزیزان به دانش‌آموزان محروم. قرار گذاشته شد و با کوله‌باری از عشق و کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و المپادی راهی شدیم. شوق رفتن و آموختن، اشتیاق یاد دادن و فهماندن، درخشاندن و درخشیدن، مملو بود در جام جان بچه‌هایمان. به محض رسیدن، نو معلمان کوچک ما با داستانی پر

کتاب سند فرهیختگی و حیات جامعه‌هاست که با آن شکوفایی و بالندگی جامعه را می‌توان سنجید. به فرموده رهبر بزرگوارمان، امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، بلکه یک واجب دینی است.

در راستای نیل به این اهداف و الا، برنامه‌های تشویقی فعالیت همیار دانش‌آموزان سمپادی، فعال‌سازی و به‌روزرسانی نیازمندی‌های دانش‌آموزان در راستای کتاب، مسابقات کتاب‌خوانی و خلاصه‌گویی محتوای کتاب‌های مطالعه‌شده در قالب تکلیف درسی و ارائه همایش در زمینه آن، همکاری دبیران و مشاوران در فرایند مقاله‌نویسی دانش‌آموزان، فعال‌سازی باشگاه در گرایش دانش‌آموزان به جشنواره‌های ادبی مانند جشنواره بزرگداشت فردوسی، ارائه برگه‌های نیازسنجی و نظرخواهی به دانش‌آموزان، همراهی در تألیفات دانش‌آموزان، مورد استفاده قرار گرفتن تألیفات همکاران و ارائه نمونه کار و... برای هر چه بهتر و پرشورتر و مؤثرتر برنامه منظور نظر قرار گرفت.

چکیده‌ای از تجربه‌های شیرینمان را در این مقاله به اختصار به‌سمع و نظر همکاران می‌رسانیم. امید که مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است هر تجربه‌ای از دید سخن‌سنجان کاستی‌ها و نقص‌هایی خواهد داشت که با نظرات ارزنده شما در گام‌های بعدی با امتنان رفع خواهد شد.

کتاب‌خوانی برای بچه‌های بی‌سرپرست

یکی از تجربه‌های شیرین ما بازدید از مرکز شیرخوارگاه (کودکان زیر شش سال) احسان است. دانش‌آموزان با هدیه‌هایی از قبیل مواد غذایی و پوشاک و اسباب‌بازی این بازدید را در ذهن خود و کودکان آن مرکز، متفاوت و به یادماندنی کردند. دانش‌آموزان و معلمانمان، همراه با بسته آموزشی شامل دفتر و مداد و مدادرنگی و سایر لوازم نوشتاری، با استقبال بی‌نظیر کودکان روبه‌رو شدند، به طوری که بیش از سایر هدیه‌ها، به خاطر بسته‌ها خوش حال شدند و بلافاصله آن‌ها را باز و شروع کردند به نقاشی و رنگ‌آمیزی. کتاب‌های قصه مورد توجه فزاینده کودکان قرار گرفتند و این توجه زمانی بیشتر شد که دانش‌آموزان با خواندن

از داشته‌ها و دانسته‌هایشان، به باری یارانی متأسفانه بی‌بهره از امکانات آموزشی معمول حتی در مدرسه‌های عادی خود شتافتند و تا می‌توانستند اندوخته‌هایشان را به باغ وجود تشنه‌دوستان و هم‌سالان خود جاری کردند. حاصل آن دیدار بسی فراتر از انتظار بود: دیدن هموعان محروم از حداقل داشته‌ها و کمک به آنان در هر حال و با هر امکان، بر وجود دانش‌آموزان نشست. فهمیدند که زکات علم نشر آن است و علم با نشر در گوهر وجودی حکم می‌شود و تدریس آموخته‌ها به تثبیت آن‌ها در یاد و ذهن می‌انجامد. دریافتند که برای بلندشدن و به پاخاستن باید دست همدیگر را گرفت و پرواز به تنهایی چندان لذتی نخواهد داشت. آموختند که بدانند به داشته‌هایشان ببالند و شکرگزار باشند. دانستند دنیایی دیگر از دنیای خودشان هم هست که ساکنان آن به کمترین داشته‌های آنان چقدر خرسند و تشنه‌اند و فهمیدند فهمیدن چقدر گران‌بهاست. برای دانش‌آموزان این نو معلمان هم در بچه‌ای هر چند کوچک

سیر مدرسه‌های نسل چهارم



ولی پرنور گشوده شد. با تدریس عاشقانه نو معلمان نشان، شکوفه‌های امید در سرزمین دلشان شکفته شد. دریافتند که یافتن زیباست و داشتن تلاش می‌طلبد و فهمیدن بهایی دارد به قیمت خواستن. دانستند که می‌شود داشته‌هایت هر چند کم باشد، به طبق اخلاص گذاشت و به دیگران هم ذره‌ای چشانند. فهمیدند که در این دنیا می‌شود کم داشت، ولی سرشار شد. در این دیدار نو معلمان کوچک همراه با اهدای کتاب‌های مرجع و کتاب‌های کمک آموزشی راه یادگیری را برای دانش آموزانشان رهنمون شدند و با دادن شماره‌های تماس خود، امکان ارتباط ایشان با خود را فراهم کردند تا در راه پیش رویشان، هر جا کمکی خواستند، دست یاری به سویشان دراز کنند و چه زیبا بود این دادوستدها برای ما و همکارانمان که همراه بودیم در این بذل بی دریغ و در این ضیافت پر عشق. تا باد چنین بادا

* تجربه‌های ارزنده دیگر

نصب خبرنامه (بولتن) مخصوص طرح کتاب و همچنین تخته‌ای کنار آن و الصاق تصویرهای مفهومی در رابطه با کتاب و به چالش کشیدن درک و فهم دانش آموزان با این سؤال: «برداشتان را بیان کنید...»؛ به عضویت در آوردن دبیران و دانش آموزان در این باشگاه و تهیه و تنظیم و ارائه کارت عضویت به اعضای باشگاه و ایجاد حس همکاری و همراهی در ایشان؛ معرفی کتاب‌های برتر در رشته‌های گوناگون و خلاصه کردن و چکیده‌گویی آن کتاب‌ها توسط دانش آموزان در مراسم‌های دبیرستان به منظور ایجاد علاقه و ترغیب بیشتر بچه‌ها به کتاب و کتاب خوانی؛ برگزاری اردوهای بازدید از کتابخانه مرکزی و تشکیل کلاس و جلسات کتاب خوانی در آن مکان و آموزش به امانت گرفتن کتاب از کتابخانه‌ها و استفاده از کتاب‌های مرجع برای بهره‌گیری بیشتر از کتاب در سطح‌های دانشگاهی و مقاله‌نویسی؛ کتابخانه‌تکانی توسط بچه‌ها و طبقه‌بندی کتاب‌ها و قرار دادن هر کتاب در زیر مجموعه هر رشته و نیازسنجی برای تکمیل کتاب‌های مورد نیاز هر رشته، از دبیران و دانش آموزان، به منظور افزایش ارتباط دانش آموزان با مقوله کتاب، حتی به صورت فیزیکی و آموزش نظم و انضباط به ایشان به این طریق؛ تجهیز کتابخانه مدرسه بر اساس نیازهای اعلام شده توسط دانش آموزان از طریق مدرسه و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در ایشان؛ انتخاب همیار کتاب برای هر کلاس، به منظور تشکیل کارگروه گسترش فرهنگ کتاب خوانی؛ دایر کردن کتابخانه‌های کوچک در هر کلاس و تجهیز آن‌ها توسط مدرسه یا خود دانش آموزان، به منظور دسترسی آسان ایشان به کتاب؛ استفاده از کتابخانه‌های کوچک کلاسی با آموزش به امانت دادن و امانت گرفتن کتاب‌های همدیگر در آن کتابخانه‌ها، به منظور کاهش هزینه‌های خانواده برای خرید بیشتر کتاب و ایجاد حس همیاری؛ همسور کردن خانواده‌ها با این طرح و اختصاص زمان مخصوص کتاب خوانی در برنامه روزانه خانواده، به نام «دورهمی کتاب خوانی»، به منظور ایجاد فضای عالی مطالعه در خانه، به جای اتلاف وقت در فضای مجازی؛ بازدید از نمایشگاه کتاب و خرید کتاب به عنوان جایزه برای دانش آموزان کوشا و فعال در زمینه‌های گوناگون به انتخاب دانش آموزان، برای ایجاد علاقه به کادوی کتاب؛ تشکیل گروه باشگاه کتاب در شبکه مجازی شاد برای ایجاد زمینه مناسب استفاده بهینه از فضای مجازی؛ بازگذاری کتاب‌های الکترونیکی و کتاب‌های صوتی در گروه شاد، برای پر کردن اوقات فراغت بچه‌ها؛

خوانش کتاب‌ها توسط بچه‌ها، تولید پادپخش (پادکست) و بازگذاری آن‌ها در گروه شاد برای آموزش کار در فضای مجازی؛ نوشتن دل‌نویشته و خوانش آن‌ها در گروه شاد، ایجاد زمینه مناسب بیان افکار و عواطف و احساسات نهفته؛ برگزاری مسابقه کتاب خوانی برای ایجاد رقابت سالم با مقوله زیبایی دانستن؛ برپایی اردوهای درون مدرسه‌ای در حیطه مدرسه، با خواندن آثار پروین اعتصامی و آشنایی با این شاعر بزرگ، همراه با فضای شاد و نشاط انگیز برای بچه‌ها؛ معرفی کتاب علمی در مورد تشریح اجزای بدن و بازدید از تشریح و کالبدشکافی در دانشگاه، به منظور ایجاد انگیزه برای دانش آموزان رشته‌های علوم تجربی؛ اجرای نمایش توسط دانش آموزان از محتواهای کتاب‌های جالبی که خوانده‌اند مانند: نمایش سه پروانه از عطار نیشابوری، برای آموزش بهتر و فراهم کردن زمینه بروز استعدادها در زمینه هنری نمایش؛ تشویق دانش آموزان به نوشتن داستان و ویرایش آن توسط دبیر ادبیات، برای شکوفایی استعداد داستان‌نویسی؛ برگزاری طهرانه‌های شعر و ادب در خانه استاد شهریار و دیگر شخصیت‌ها و فراهم کردن بستر تفریح علمی، همراه با آموزش؛ شرکت اکثریت دانش آموزان در جشنواره‌ها با ارائه دل‌نویشته و... به منظور آماده‌سازی ایشان برای حضور در مجامع علمی؛ شرکت دبیران عضو باشگاه کتاب در جشنواره‌ها، با ارائه مقاله برای پویایی و شکوفایی این طرح بین دانش آموزان؛ گسترش طرح بزرگ و موفق «کتاباران»، در این طرح، دانش آموزان با خواندن کتاب و خلاصه‌نویسی و معرفی کردن و هدیه دادن کتاب به همدیگر، از اوقات فراغتشان به نحو احسن بهره می‌گیرند و لحظات خوش خود را با یکدیگر به مشارکت می‌گذارند.

از سردبیر محترم رشد معلم و همراهم که از مدرسه ما بازدید کردند، سپاسگزارم.

همچنین از همکاران خوب و عزیزم که در این راه همراه و همیار بودند و با تمام وجود تلاش کردند نهایت تشکر را دارم.
خانم‌ها: اکرم ریحانی / فرزانه حسین زاده / مریم عالی / لیلا شکرعلی / نیربالکائی / ممتاز مداحی / مینا رضایی / شیرین باقری / هانیه رسولی / منیره غفاری / منیره فرجیان / ریتا علیان / سهیلا صفدری / اسمیرا صدر صاحب‌قلم / صدیقه وفادار / رومینا پاشا زاده / رباب کبیر صابر / لادن زودفکر / سهیلا عربی / طیبه علی اصغر پور / رقیه بابایی / فریبا جعفرزاده / سهیلا حائری / نیر سعیدی / مریم شمسی پور / گیتی حمیدزاده / عزیزه آقاییار / سمانه مؤذن / اراجله حیدری / لیلا حسینی.

* مقدمه

دوران کودکی و نوجوانی زمان بیشترین تغییرات جسمی، ذهنی و اجتماعی هستند. وجود راهنمایان و مشاورانی آگاه و امین که بتوانند به سؤال‌های دانش‌آموزان در مورد این دگرگونی‌ها، صحیح‌ترین پاسخ‌ها را بدهند و واکنش‌های مناسبی نشان دهند، از جمله مهم‌ترین نیازهای انسان‌ها در این سنین حساس است. آموزگاران محترم با بالابردن سطح آگاهی خود در این حیطه‌ها می‌توانند این نقش را به خوبی ایفا کنند و به رشد بهتر و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها کمک کنند.

* تغییرات استخوان‌ها

چرخه تولید، شکل‌دهی و بازسازی استخوان‌ها از دوران جنینی شروع می‌شود، تا پایان زندگی همراه ماست و تحت تأثیر سلول‌های استخوانی است؛ یعنی: سلول‌های تولیدکننده استخوان (استئوبلاست‌ها) و سلول‌های تحلیل‌برنده استخوان‌ها (استئوکلاست‌ها).

در دوره‌های زندگی و تحت شرایط بیماری یا کمبودهای مواد مغذی، میزان عملکرد این سلول‌ها تغییر می‌کند و تبعاتی در پی خواهد داشت. به عنوان مثال، در شرایط کمبود کلسیم در رژیم غذایی، فعالیت سلول‌های تجزیه‌کننده استخوان افزایش می‌یابد تا کمبود کلسیم جبران شود؛ وضعیتی که اگر برای مدتی طولانی ادامه پیدا کند، به توده استخوان‌ها آسیب می‌زند و در موارد شدیدتر پوکی استخوان‌ها یا تغییرات شکل آن‌ها را سبب می‌شود. برعکس، هرگاه کلسیم دریافتی از رژیم غذایی نیازهای بدن را تأمین کند، به دنبال آن ذخیره کلسیم در استخوان‌ها افزایش می‌یابد. در دوران بلوغ، ما بیشترین میزان تغییرات عملکرد سلول‌های موجود در استخوان را شاهد هستیم که به صورت تغییرات قدی خودش را نشان می‌دهد.

* تغییرات ماهیچه‌ها

پروتئین‌ها (اکتین و میوزین) از جمله موادی هستند که در ساختارهای داخل ماهیچه‌ها قرار می‌گیرند و برای عملکرد انقباضی آن‌ها ضروری هستند. یون‌هایی مثل آهن و کلسیم و منیزیم نیز به فراوانی در ماهیچه‌ها وجود دارند. یون‌ها به عملکرد ماهیچه‌ها کمک می‌کنند و ماهیچه‌ها هم به عنوان منبع ذخیره آن‌ها عمل می‌کنند. در دوران کودکی و نوجوانی، به دنبال آزاد شدن هورمون‌های مؤثر در فرایند رشد و بلوغ، حجم ماهیچه‌ها تغییرات زیادی می‌کند؛ تغییراتی که به تفاوت در شکل بدنی افراد منجر می‌شود و آن‌ها را برای بزرگسالی آماده می‌کند.

* تغییرات روانی و اجتماعی

بلوغ عبارت است از رشد جسمی بسیار سریع، در کنار بلوغ دستگاه عصبی مرکزی و ارتقای دستگاه‌های تولیدمثلی و رفتارهای اجتماعی. در دوران نوجوانی یک جهش چشمگیر در عملکرد مغز شروع می‌شود که تا اواسط دهه ۲۰ زندگی ادامه می‌یابد. این رشد سریع در بدن و مغز، با تغییرات اجتماعی، از جمله افزایش احساس فردیت و در عین حال احساس تعلق به گروه‌های همسالان رخ می‌دهد تا افراد را برای ایفای نقش بزرگسالی آماده کند.

نیازهای رشد در دوران کودکی و نوجوانی

شیمای مظهری

کارشناس ارشد علوم تغذیه و رژیم‌درمانی

متینا قهرمانی

کارشناس علوم تغذیه و رژیم‌درمانی، قزوین



✱ انرژی مورد نیاز کودکان و نوجوانان در سنین گوناگون

در دوران کودکی و نوجوانی ما شاهد بیشترین میزان رشد عضلات و استخوان‌ها هستیم. پس اهمیت دارد که فرد در طول این سال‌ها به اندازه کافی انرژی دریافت کند. برخلاف بزرگسالان که میزان انرژی مورد نیاز آن‌ها بر اساس وزن بدنشان تعیین می‌شود، در کودکان و نوجوانان «قد» آن‌ها عامل تعیین‌کننده است. با کمک این جدول به سادگی می‌توانید با دانستن قد کودک یا نوجوان میزان انرژی روزانه مورد نیاز او را محاسبه کنید.

سن بر حسب سال	کیلوکالری مورد نیاز بدن به ازای هر سانتی متر قد
۳ تا ۱	۱۵
۴ تا ۶	۱۶
۷ تا ۱۰	۱۵
پسران	
۱۱ تا ۱۴	۱۶
۱۵ تا ۱۸	۱۷
دختران	
۱۱ تا ۱۴	۱۴
۱۵ تا ۱۸	۱۳/۵

✱ پروتئین

در کودکان، پروتئین دریافتی از رژیم غذایی برای تعادل برقرار کردن بین پروتئین ذخیره شده در بافت‌ها و پروتئینی که در بدن در گردش است و همچنین برای تأمین پروتئین مورد نیاز در رشد استفاده می‌شود. به ازای هر کیلوگرم وزن بدن کودکان چهار تا هفت ساله حدود ۰/۸ گرم پروتئین برای انجام صحیح این فرایندها ضروری است. در سنین بلوغ مقدار پروتئین مورد نیاز روزانه به ازای هر کیلوگرم وزن بدن به بیش از ۰/۹ گرم می‌رسد که صرف افزایش توده عضلانی و بلوغ سلول‌های خونی و عضلانی می‌شود. باید توجه داشت، غذاهای جانوری نسبت به غذاهای گیاهی منابع بهتری برای کسب پروتئین هستند. از بهترین منابع گیاهی پروتئین می‌توان به سویا و انواع حبوبات اشاره کرد. انواع گوشت‌ها، تخم مرغ و شیر و سایر لبنیات از جمله منابع پروتئینی جانوری خوب هستند.

✱ چربی

چربی‌ها از بهترین منابع کسب انرژی و برای عملکرد صحیح بدن ضروری هستند. همچنین، ویتامین‌های محلول در چربی، یعنی A, D, E و K برای جذب در دستگاه گوارش به وجود مقدار کافی از چربی در رژیم غذایی احتیاج دارند، اما با وجود این، مصرف مفرط چربی در کودکی باعث چاقی و خطر انواع بیماری‌های مزمن در بزرگسالی می‌شود. توصیه می‌شود، حدود ۳۰ درصد از انرژی روزانه کودکان و نوجوانان از منابع چربی خوب تأمین شود. جدول صفحه بعد در شناخت انواع چربی‌های رژیمی و انتخاب میزان هریک از آن‌ها شما را یاری می‌کند.

**به ازای هر
کیلوگرم وزن بدن
کودکان چهار تا
هفت ساله حدود
۰/۸ گرم پروتئین
برای انجام صحیح
این فرایندها
ضروری است**



منابع	مقدار توصیه شده یا مجاز روزانه	توضیح	نوع چربی
کره، چربی های گوشت، روغن پالم، روغن نارگیل	کمتر از ۱۰ درصد کل کالری روزانه مجاز است.	این چربی ها حاوی اسیدهای چرب با بیشترین تعداد هیدروژن ممکن هستند. بنابراین تمام پیوندهای آن ها اشباع شده است و نقطه ذوب بالایی دارند و در دمای اتاق جامد هستند.	چربی های اشباع
انواع ماهی، به خصوص سالمون و ساردین. گردو و روغن کانولا	بین ۲ تا ۸ درصد کل انرژی روزانه توصیه می شود.	این چربی ها حاوی اسیدهای چرب با بیش از یک پیوند غیراشباع هستند؛ چون حداکثر تعداد هیدروژن را ندارند. موقعیت قرارگیری پیوند دوگانه آن ها به نحوی است که طبق روش های نام گذاری اسیدهای چرب، به آن ها امگا ۳ می گویند.	چربی هایی با چند باند غیراشباع از نوع امگا ۳
روغن آفتابگردان، روغن گل رنگ، سویا و روغن کنجد	بین ۵ تا ۲۰ درصد کل انرژی روزانه توصیه می شود.	این چربی ها حاوی اسیدهای چرب با بیش از یک پیوند غیراشباع هستند؛ چون حداکثر تعداد هیدروژن را ندارند. موقعیت قرارگیری پیوند دوگانه آن ها به نحوی است که طبق روش های نام گذاری اسیدهای چرب، به آن ها امگا ۶ می گویند.	چربی هایی با چند باند غیراشباع از نوع امگا ۶
روغن زیتون، روغن کانولا، روغن بادام زمینی، روغن کنجد، روغن گل رنگ، آووکادو و کره بادام زمینی	روزانه بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کل انرژی روزانه توصیه می شود.	این چربی ها حاوی اسیدهای چرب با یک پیوند غیراشباع هستند؛ چون حداکثر تعداد هیدروژن را ندارند.	چربی هایی با یک باند غیراشباع
مارگارین، غذاهای سرخ شده، بیسکویت و کیک های صنعتی	کمتر از ۱ درصد کل کالری روزانه مجاز است.	حاوی اسیدهای چربی هستند که پیوندهایی به نام ترانس دارند که باعث می شود میل به رسوب پذیری زیادی در دیواره عروق خونی پدید آید.	چربی های ترانس
گوشت قرمز، پوست پرندگان و لبنیات پرچرب	کمتر از ۳۰۰ میلی گرم در روز توصیه شده و مجاز است.	پیش ساز هورمون های استروئیدی و ویتامین دی است و برای عملکرد مناسب باید به میزان کافی در رژیم غذایی گنجانده شده باشد.	کلسترول

کربوهیدرات

در رژیم غذایی متعادل، بیشترین میزان انرژی، یعنی حداقل ۵۰ درصد از کل انرژی روزانه باید به منابع غنی از کربوهیدرات ها اختصاص داده شود. تقریباً تمام مواد غذایی مصرفی ما به جز گوشت ها و چربی های خالص، حاوی مقدار متفاوتی از انواع کربوهیدرات هستند. در انتخاب غذا باید به این تنوع توجه داشت. انواع سبزی ها با رنگ های متنوع، میوه های گوناگون، لبنیات و انواع نان و برنج و غلات،

به ویژه انواع کامل آن ها، سرشار از کربوهیدرات هستند. بهترین منابع غذایی کربوهیدرات آن هایی هستند که فیبر دارند.

فیبر

فیبر غذایی یک ماده مغذی ضروری محسوب نمی شود. با این حال، با تأثیر بر باکتری های مفید روده، افزایش حجم مدفوع و تنظیم زمان عبور مواد باقی مانده از روده، عملکرد روده را ارتقا می دهد و با این سازوکار از یبوست و سرطان روده بزرگ جلوگیری می کند. غذاهای غنی از

فیبر از ریز مغذی ها نیز سرشار هستند، جذب کربوهیدرات ها و چربی ها را کاهش می دهند و به تنظیم قند خون و کلسترول کمک می کنند. در کودکان سن مدرسه، مصرف روزانه حداقل ۱۰ گرم فیبر توصیه می شود، در حالی که در نوجوانان این مقدار حداقل ۲۵ گرم است. باید توجه داشت، در کنار منابع غذایی غنی از فیبر باید به اندازه کافی آب و مایعات هم مصرف کرد تا جذب رشته های فیبری شوند و عملکرد آن ها را تسهیل کنند. فیبرهای غذایی به دو دسته محلول و نامحلول طبقه بندی می شوند. در این جدول می توانید توضیحات تکمیلی هر گروه را مشاهده کنید.

منابع	توضیح	نوع فیبر
انواع میوه ها، به خصوص سیب و موز. سبزی ها، جو و جوی دوسر	بیشتر در قسمت های داخلی میوه ها و سبزی ها قرار دارند و به تنظیم قند خون و کلسترول کمک می کنند.	محلول
انواع سبوس، کرفس، غلات تصفیه نشده و انواع مغزها	معمولاً در قسمت های خارجی و پوست میوه ها و سبزی ها به فراوانی یافت می شوند. در دستگاه گوارش ما هضم نمی شوند و در طول آن حرکت می کنند. برای پیشگیری و کمک به انواع یبوست مفیدند.	نامحلول

۱۰ ماده غذایی حاوی فیبر که می توانند در برنامه غذایی دانش آموزان قرار بگیرند، از این قرارند: گلابی، توت فرنگی، سیب، موز، هویج، بروکلی، عدس، نخود، لوبیا و دانه چیا.

مایعات

دهیدراته شدن می تواند به دنبال مصرف نکردن طولانی مدت آب رخ بدهد و براساس درصد مایعات از دست رفته از بدن، به سه دسته خفیف (کمتر از ۵ درصد)، متوسط (بین ۵ تا ۱۰ درصد) و شدید (بیشتر از ۱۰ درصد) طبقه بندی می شود. در شرایط کمبود مصرف آب، بدن هورمونی به نام «وازو پرسی» آزاد می کند که به باز جذب بیشتر آب از کلیه ها و همچنین انقباض عروق برای بالا بردن فشار خون منجر می شود. مصرف افراطی و بیش از حد نیاز آب باعث تکرر ادرار می شود. چون همراه با آب یون ها و الکترولیت ها هم دفع می شوند، این وضعیت تعادل عملکردی بدن را به هم می ریزد؛ حالتی که به آن «مسمومیت با آب» می گویند و می تواند بسیار خطرناک باشد.

مصرف روزانه ۶ تا ۸ لیوان آب از خطر آب‌زدوده (دهیدراته) شدن یا مسمومیت با آب می‌کاهد.

* کلسیم

کلسیم از جمله مهم‌ترین مواد مغذی موجود در رژیم غذایی در تمام سنین است. فرم یونی این ماده فراوان‌ترین الکترولیت بدن ماست و در عملکرد صحیح آنزیم‌ها در تمام سلول‌ها، انقباض ماهیچه‌ها، تنظیم آب بدن و بالاخره در شکل‌گیری صحیح و رشد استخوان‌ها نقش دارد. مقدار توصیه‌شده دریافتی روزانه این عنصر برای نوجوانان حدود ۱۲۰۰ و کودکان حدود ۸۰۰ میلی‌گرم است. لبنیات از منابع غنی این ماده هستند و مصرف روزانه دو لیوان شیر می‌تواند نیاز افراد به این ماده مغذی را تأمین کند.

* آهن

یکی دیگر از مواد مغذی ضروری برای حفظ وضعیت سلامت آهن است. این ماده برای شکل‌گیری و حفظ ماهیچه‌ها ضروری است و یکی از پیش‌سازهای اصلی تولید گلوبول‌های قرمز است. طبق دستورالعمل‌های جهانی توصیه می‌شود، دختران دانش‌آموز روزانه بین ۳۰ تا ۶۰ میکروگرم آهن مصرف کنند. گوشت قرمز بهترین منبع آهن است، اما باید توجه داشت دریافت غذایی آهن احتمالاً پاسخگوی نیازهای بدن، به‌ویژه برای خانم‌ها، نیست و مصرف مکمل در سنین گوناگون تحت نظر متخصص تغذیه یا پزشک توصیه می‌شود.

* روی

روی یازینک از دیگر مواد مغذی است که در دوران رشد اهمیت ویژه‌ای دارد. این ماده در رشد و شکل‌گیری صحیح استخوان‌ها، عملکرد صحیح دستگاه ایمنی، سلامت پوست و بهبود زخم‌ها مؤثر است. انواع گوشت‌ها منبع خوب آن به‌شمار می‌روند. باید توجه داشت، این روزها به علت آشکار شدن اهمیت این ماده برای فرد و همچنین با توجه به شایع بودن کمبود آن در ایران، به‌ویژه در کودکان و نوجوانان، مواد غذایی با زینک غنی‌سازی می‌شوند.

* فولات

ویتامین ب۹ که به فولات نیز معروف است، یکی از مهم‌ترین مواد مغذی برای دانش‌آموزان، به‌ویژه نوجوانان است. این ماده برای همانندسازی دنا (دی‌ان‌ای) ضروری است و اهمیت آن در تولید گلوبول‌های قرمز به حدی است که کمبود آن می‌تواند به کم‌خونی منجر شود. همچنین اهمیت این ماده در خانم‌ها برای جلوگیری از

نارسایی‌های دستگاه عصبی در جنین شایان توجه است. فولات یکی از آن موادی است که نه تنها حین، بلکه قبل از بارداری هم باید مقدار مطلوبی از آن در بدن موجود باشد. همچنین، کاهش فولات به افزایش هموسیستین منجر می‌شود که با افزایش خطر بیماری‌های قلبی و عروقی همراه است. مقدار توصیه‌شده این ماده مغذی به‌صورت روزانه حدود ۴۰۰ میکروگرم است و جگر، سبزی‌های برگ سبز و انواع میوه‌ها از بهترین منابع این ماده مغذی محسوب می‌شوند.

نکته: برخی از یون‌های چندظرفیتی مانند آهن و کلسیم و روی و منیزیم با هم تداخل جذب دارند؛ به این معنا که مصرف هر یک از مکمل‌های آن‌ها با تأخیر یا تداخل در جذب همراه است. برای جذب حداکثری، هرکدام با فاصله دو ساعت از یکدیگر مصرف شوند.

* مکمل‌های رایج در کودکان و نوجوانان

آهن

به‌صورت قرص، قطره یا شربت. متخصصان تغذیه با پزشکان در شرایط کمبودهای شدید و خفیف و همچنین به‌منظور جلوگیری از کمبود، آن را توصیه می‌کنند. آهن به جلوگیری از احساس خستگی و افزایش قدرت یادگیری و توان فیزیکی منجر می‌شود.

روی (زینک)

متخصصان تغذیه عموماً برای تقویت رشد قدی با تنظیم زمان بلوغ آن را تجویز می‌کنند. باید توجه داشت، زیاده‌روی در مصرف این مکمل در کودکان می‌تواند باعث بلوغ زودرس شود. متخصصان ممکن است این مکمل را در کودکان یا نوجوانانی که دچار ریزش موی شدید هستند تجویز کنند.

ویتامین دی

با توجه به رژیم غذایی و سبک زندگی مایرانی‌ها، کمبود ویتامین دی در تمام سنین بسیار شایع است و مکمل آن به‌صورت قطره، شربت یا کپسول با مقدار مصرف (دوز) گوناگون در دسترس است. باید توجه داشت، در مورد تعداد دفعه‌های مصرف و نحوه آن باید با متخصص تغذیه یا پزشک مربوطه مشورت کرد.

آل‌آرژنین

برای کودکان و نوجوانانی که کوتاه‌قد هستند، یکی از گزینه‌هایی است که توصیه می‌شود. باید توجه داشت، مصرف آن در کودکان زیر ۹ سال ممنوع است و حتماً باید طبق شیوه‌نامه‌های تجویزی متخصص عمل شود.

منابع

1. Savarino, Giovanni et al. "Macronutrient balance and micronutrient amounts through growth and development." Italian journal of pediatrics vol. 47,1 109. 8 May. 2021. doi:10.1186/s13052-021-01061-0
2. Viner RM, Allen NB, Patton GC. Puberty, Developmental Processes, and Health Interventions. In: Bundy DAP, Silva Nd, Horton S, et al., editors. Child and Adolescent Health and Development. 3rd edition. Washington (DC): The International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank; 2017 Nov 20. Chapter 9. Available from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK525269/> doi: 10.1596/978-1-4648-0423-6_ch9
3. Brown, L et al. "Cholesterol-lowering effects of dietary fiber: a meta-analysis." The American journal of clinical nutrition vol. 69,1 (1999): 30-42. doi:10.1093/ajcn/69.1.30
4. Faizan U, Rouster AS. Nutrition and Hydration Requirements In Children and Adults. [Updated 2023 Aug 28]. In: StatPearls [Internet]. Treasure Island (FL): StatPearls Publishing; 2024 Jan-. Available from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK562207/>
5. Omega-3 Polyunsaturated Fatty Acids and Their Health Benefits Fereidoon Shahidi and Priyatharini Ambigaipalan
6. Enkhmaa B, Surampudi P, Anuurad E, et al. Lifestyle Changes: Effect of Diet, Exercise, Functional Food, and Obesity Treatment on Lipids and Lipoproteins. [Updated 2018 Sep 11]. In: Feingold KR, Anawalt B, Blackman MR, et al., editors. Endotext [Internet]. South Dartmouth (MA): MDText.com, Inc.; 2000-. Table 1. [Examples of Recommendations on Dietary Fats and Cholesterol]. Available from: https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK326737/table/lipids_lifestyle-changes-lipids-and-lipoproteins.T/
7. Merrell BJ, McMurry JP. Folic Acid. [Updated 2023 Aug 8]. In: StatPearls [Internet]. Treasure Island (FL): StatPearls Publishing; 2024 Jan-. Available from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK554487/>
8. Rowe P, Koller A, Sharma S. Physiology, Bone Remodeling. [Updated 2023 Mar 17]. In: StatPearls [Internet]. Treasure Island (FL): StatPearls Publishing; 2024 Jan-. Available from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK499863/>

اشاره

تلاش برای بهسازی و ارتقای سبک زندگی معلم به لحاظ حرفه‌ای با روحیه و شیوه یادگیری دانش آموزان ارتباط دارد. اگر سبک و مهارت‌های ارتباطی معلم به گونه‌ای باشد که بر انگیزه و شور یادگیری بیفزاید، نهایت مقصد محقق شده است. در این باره، توجه به میزان اشتیاق معلم و تأثیر آن بر یادگیری و انگیزش دانش آموزان بسیار تأکید می‌شود.

رمز ماندگاری اثرات معلمی

اگر بخواهید ریشه‌های اثرگذاری معلمان را در رفتار امروز خود دنبال کنید، به گروهی از معلمان می‌رسید که اشتیاق بیشتری داشته‌اند. اشتیاق معلمان با انگیزش درونی دانش آموزان و سرزندگی آن‌ها ارتباط مستقیم دارد. هر چند این قاعده نیز در کلاس حاکم است که: دانش آموزانی که در کلاس درس انگیزش درونی اندکی دارند، شور و اشتیاق معلم را فرومی‌نشانند و در آن‌ها یأس و دل‌مردگی ایجاد می‌کنند. اما پژوهش‌های گوناگون و تجربه‌های حرفه‌ای معلم حاکی از آن است که جرقه افزایش انگیزه و حال یادگیری کلاس درس در دست معلم و درگیر رفتارهای اوست.

* تجربه معلمی

در یکی از سال‌های کارم، با دانش آموزی مواجه بودم که به لحاظ رفتاری بسیار خسته و ناامید و در عین حال به لحاظ تأثیرگذاری روی دوستان از قدرت بسیار بالایی برخوردار بود. همه همکارانم معتقد بودند او رشته یادگیری کلاس را به دست دارد و چون خودش برای درس خواندن و یادگیری انگیزه‌ای ندارد، دوستان و هم‌کلاسی‌هایش هم او را دنبال می‌کنند و متأثر از این شرایط، امیدی به این کلاس نیست. این موضوع در عین پیچیدگی، سادگی خاصی داشت، زیرا اگر می‌توانستم او را به دنیای امید و تلاش وارد کنم، یادگیری سایر دانش آموزان هم با همراهی بیشتری رخ می‌داد. به این منظور، برخلاف دیگر معلمان، به جای تمرکز بر دانش آموزان، تمام توجه را به خودم و رفتارهایم منعطف کردم. تلاش کردم اشتیاق بیشتری داشته باشم، برای برنامه‌ها و فعالیت‌های کلاسی بیندیشم و برنامه‌ریزی کنم و خلاصه نشان دهم آن‌ها توانایی دارند و یادگیری آن‌ها برای من در اولویت بالایی قرار دارد. اشاره به همه ترندها ممکن نیست، اما نتیجه این شد که دانش آموز مورد نظر به شدت اما به مرور درگیر کلاس شد و بدون اینکه خودش بداند چطور، در چالش‌ها و موقعیت‌های یادگیری شروع به همیاری کرد. در پایان سال او به من گفت، از اینکه تا این حد برای شغلم تلاش می‌کنم و از هیچ دانش آموزی ناامید نمی‌شوم، تحت تأثیر قرار گرفته است.

این

فقط
یک

رفتار

نی

نگاهی بر نقش سبک رفتاری معلم
در انگیزه‌مندی یادگیری

لیلا سلیقه‌دار
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی
فاطمه امامقلی
کارشناس ارشد مشاوره

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های ارتباطی، تجربه معلمی، رفتار، سبک زندگی معلم



یکی از مهم ترین سبک های معلمی، به مجموعه ای از رفتارها اشاره دارد که ضمن فایده گرایی رفتاری برای معلم، بر انگیزه مندی مخاطبان نیز می افزاید

* ویژگی های معلم مشتاق

معلمی که اشتیاق دارد، از دیدگاه های گوناگون رفتارهای خاصی دارد که در ادامه به آن ها اشاره می شود. برای همراهی مؤثرتر، لطفاً با مطالعه هر گزاره به عملکرد خود توجه کنید و برای هر کدام، از یک تاده نمره بدهید. در نهایت ببینید لازم است در چه زمینه هایی تغییراتی اعمال کنید و در چه زمینه هایی عملکرد خوبی دارید و بهتر است همان روال را ادامه دهید.

/ فرایند یاددهی یادگیری را با پویایی و اشتیاق عرضه می دارد و فضای کلاس را متحول می کند.

در این کلاس معمولاً دانش آموزان انرژی بیشتری را در کلاس درس گزارش می کنند. مثل زمانی که اعلام می کنند اصلاً متوجه گذر زمان نشده اند، یا تمایل دارند کلاس ادامه داشته باشد. همچنین، در این کلاس، تکرار روش ها و اتفاقات به ندرت رخ می دهد و هر جلسه، شیوه و رخداد های خود را دارد.

/ از استقلال دانش آموزان حمایت می کند.

فعالیت های یادگیری را به گونه ای طراحی می کند که دانش آموزان بتوانند شیوه خود برای یادگیری را انتخاب کنند. به عبارت دیگر شخصی سازی یادگیری را سرلوحه قرار می دهد و در عین حال، موقعیت هایی را فراهم می آورد که دانش آموزان بتوانند کفایت خود در یادگیری را تجربه کنند.

/ از باز خورد شایستگی در جای درست و به اندازه استفاده می کند.

اثر معجزه آسای باز خورد حرفه ای در یادگیری کتمان ناشدنی است. در صورتی که معلم بتواند به درستی و در موقعیت های مناسب، روی تکالیف و کار عملی دانش آموزان، راهنمایی ها و جمله های مفیدی ارائه دهد، هر باز خورد نقش راهنما و انگیزه ای جدید را برای دانش آموزان ایفا می کند.



آموزش فن ایجاد انگیزه در دانش آموزان



تدریس کتاب مهارت های معلمی آقای وراثتی، فصل اول



تدریس کتاب مهارت های معلمی آقای وراثتی، فصل دوم

است!



/ به اصل «مربوط بودن» آنچه یاد داده می شود پایبند است.

تلاش می کند به هر دانش آموز کمک کند در یاد چرا موضوعات ارائه شده در درس اهمیت دارند. مشخص کردن اهمیت و ضرورت از طریق شناخت و معرفی ارتباط چهارگانه (خدا، خود، خلق و خلقت) بسیار راهگشاست.

/ از یادگیری و از دانش آموزان مراقبت می کند.

در مواجهه دانش آموزان با مسائل، راه های برون رفت از آن را به فراگیرندگان نشان می دهد. در مسائل به نوعی خود را با دانش آموزان سهیم و همراه می داند. به همین دلیل برای شناسایی راه حل ها و انجام آن ها تلاش می کند.

/ تعاملات ارتباطی خوبی دارد.

با دانش آموزان رابطه خوبی برقرار می کند. به این منظور، از مهارت همدلی و رفتارهای مبتنی بر تفاهم برخوردار است و در هر موقعیت تلاش می کند مسئله را از هر دو نگاه خود و دانش آموزان بررسی کند.

/ از روش های گوناگون تدریس بهره می برد.

مواد درسی را با روش های گوناگون بررسی و ارائه می کند. به همین دلیل کلاس های درس از تنوع و قابلیت غافلگیری حرفه ای دارند.

/ برای تدریس از دانش زیربنایی لازم برخوردار است.

در زمینه موضوع درس خود دانش کافی دارد. این دانش دو بعد عمق و وسعت دارد. به دلیل تسلط محتوایی می تواند از مثال های گوناگون، استعاره های مرتبط و مواردی از این دست برای آشنایی و ماندگاری بیشتر محتوا استفاده کند.

/ برای کلاس آمادگی دارد.

آمادگی او برای تدریس خوب است. آمادگی شامل داشتن طرح و برنامه از قبل تعیین شده است. به جزئیات و شیوه های اجرایی و هر آنچه مورد نیاز است فکر کرده است و پیش از آغاز کلاس ملزومات را فراهم می کند.

/ در ارائه و بیان مطلب وضوح دارد.

افکار خود را به وضوح بیان می کند. در دریافت مطالب و مقاصد او ابهام و سختی وجود ندارد. به همین سبب، مطالب کتاب یا متن های گوناگون، هنگامی که از زبان معلم شنیده می شوند، بیشتر قابل فهم و دریافت هستند.

/ بر دل بستگی دانش آموزان به یادگیری می افزاید.

دل بستگی به یادگیری عاملی مهم برای جلب توجه و میل به ادامه یادگیری است. از این رو لازم است گزاره ها و فعالیت هایی که بر حس تعلق و دل بستگی می افزایند، مورد توجه معلم قرار گیرند. از آن جمله می توان به طرح پرسش از یادگیرنده اشاره کرد. معلم در این کلاس فعالانه دانش آموزان را به پرسش تشویق می کند.

/ به یادگیری تجربی دانش آموزان اعتنا دارد.

تشویق می کند که یادگیری دانش آموزان به محیط واقعی و تجربه های عملی ارتباط یابد. در چنین کلاسی، فعالیت های گوناگون یادگیری، با هدف تجربه ورزی دانش آموزان، از قبل طراحی می شوند و از اجرای اقداماتی که در آن ها دانش آموز صرفاً مشاهده گر منفعلی است، پرهیز می کند.

/ آرامش دارد.

به هنگام درس و در طول زمانی که با دانش آموزان ارتباط دارد، گرفتار تنش و عصبانیت نمی شود. از مهارت مدیریت هیجان در سطح بالایی بهره مند است و مدام آن را در خود تقویت می کند.

✱ کوتاه سخن

یکی از مهم ترین سبک های معلمی، به مجموعه ای از رفتارها اشاره دارد که ضمن فایده گرایی رفتاری برای معلم، بر انگیزه مندی مخاطبان نیز می افزاید. چنین معلمی از استقلال دانش آموزان حمایت می کند. گزاره های رفتاری دیگری مانند آگاهی نسبت به موضوع و توضیح شفاف و واضح درس نیز در رفتار آن ها مشاهده می شود. سایر ویژگی های این معلم عبارت اند از: اشتیاق، بازخورد شایستگی، مراقبت از دانش آموزان، تعامل ارتباطی، تنوع روش ها، دانش زیربنایی، آمادگی برای کلاس، افزایش دل بستگی دانش آموزان، یادگیری تجربی و آرامش. این موارد با سبک آدابی و مهارتی معلم ارتباط نزدیک دارند و در عین حال بر یادگیری دانش آموزان تأثیر گذارند.

منابع

۱. جانسون، اسپنسر و جانسون، کنستانس (۱۴۰۲). معلم یک دقیقه ای: چگونه به دیگران خودآموزی را بیاموزیم. ترجمه هانیه منشی زاده. شادن پژواک. تهران.
۲. سلیمه دار، لیلا (۱۴۰۱). معلمی و آداب زندگی. فاطمی. تهران.
۳. ویلینگهام، دانیل. تی (۱۴۰۱). چرا دانش آموزان مدرسه را دوست ندارند. ترجمه سید امیرحسین میرابوطالبی. ترجمان علوم انسانی. تهران.
4. Patrick, B. C., Hisley, S. & Kempler, T. (2000) What, s Everybody so excited about. The Journal of Experimental education. 68 pp: 232-235.
5. Wentzel, K. r. (1998). Social relationships and motivation in middle school: The role of parents, teachers, and peers. Journal of Educational psychology. 90. 202-209.

ویژگی های معلمان دارای سبک رفتاری سازنده در یک نگاه

مواد درسی را با روش های گوناگون بررسی و ارائه می کند.
در زمینه موضوع درس خود، دانش کافی دارد.
آمادگی او برای تدریس خوب است.
افکار خود را به وضوح بیان می کند.
فعالانه دانش آموزان را تشویق به پرسش می کند.
به هنگام درس گرفتار تنش و عصبانیت نمی گردد.
به هنگام درس دادن، مملو از انرژی است.
به دانش آموزان اعتماد دارد که می توانند با استدلال های خود درس را یاد بگیرند.
در باره تکالیف و کار عملی دانش آموزان، راهنمایی های مفیدی ارائه می دهد.
کمک می کند دانش آموز در یاد چرا موضوعات ارائه شده در درس اهمیت دارند.
هنگام مواجهه دانش آموزان با مسئله، راه های برون رفت از آن را نشان می دهد.
رابطه خوبی با دانش آموزان برقرار می کند.
تشویق می کند یادگیری دانش آموزان به محیط واقعی و تجربه های عملی ارتباط یابد.



عکاس: اعظم الريحانی

برای ایران

فرشته فهمیده به دلیل عشق و علاقه به تعلیم و تربیت، با مدرک تحصیلی کارشناسی ادبیات فارسی، در سال ۱۳۷۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او در سال ۱۳۷۰ جذب آموزش و پرورش و بعد از یک سال به عنوان معاون آموزشی مدرسه نرگس در ناحیه ۲ کرج مشغول به کار شد. از سال ۱۳۸۵ به عنوان مدیر مدرسه شاهد در ناحیه ۲ کرج ادامه فعالیت داد. پس از مستقل شدن استان البرز، در سال ۱۳۹۰ به عنوان مشاور مدیر کل آموزش و پرورش استان البرز، در سال ۱۳۹۰ به عنوان مدیر ناحیه ۲ کرج، سال ۱۳۹۳ به عنوان معاون پرورشی اداره کل آموزش و پرورش کرج فعالیت حرفه ای خود را ادامه داد و در نهایت در ۲۸ اسفندماه سال ۱۴۰۰ با ۳۱ سال سابقه کار بازنشسته شد. روحیه خستگی ناپذیری و سبب شد از بازنشستگی تاکنون، با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، به صورت افتخاری با سازمان بسیج دانش آموزی همکاری کند.

باید

تنظیم کننده: مریم ظفرمند

جان داد

گفت و گو با فرشته فهمیده، خواهر شهیدان محمد حسین و داوود فهمیده

چطور شد که کار در آموزش و پرورش را انتخاب کردید؟

آموزش و پرورش برای من خیلی مهم بود. من بیشتر وقتم را برای رسیدگی به امور مدرسه های زیر مجموعه صرف می کردم. حتی وزارت کشور و استانداری از من دعوت به کار کردند. اما من تمایل داشتم در آموزش و پرورش مشغول باشم و ادامه کار بدهم. پایه و اساس آموزش و پرورش برای من مقدس بود و به همین علت جای دیگری نمی توانستم کار کنم.

بحث اصلی ما در رابطه با روز دانش آموز است. یعنی

۱۳ آبان ۱۳۵۸ که به تسخیر لانه جاسوسی انجامید. این اقدام حاصل مسئولیت پذیری نوجوانان و جوانان آن موقع بود. آیا این مسئولیت پذیری را هنوز هم در دانش آموزان می بینید؟

در سال ۱۳۵۸، دانش آموز و دانشجوی ما با هم اتحاد داشتند و با همدلی و همکاری بین نیروهای انقلابی، لانه جاسوسی تسخیر شد. آن موقع محمد حسین هم حضور فعالی داشت و هم سن و سال های



خود را به آن سمت می کشاند. پس از سپری کردن سال های پیروزی انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس سبب شد دانش آموزان ما سال به سال با فرهنگ شهادت رشد کنند. بیان اتفاقات سال ۱۳۵۸ از طریق روایت گیری افرادی که در آن سال ها حضور داشتند یا راوی اتفاقات پیروزی انقلاب اسلامی بودند نیز امکان پذیر است. از همین روی، معلم نقش بسیار مهمی دارد تا دانش آموزان او الگو بگیرد و بتواند در زندگی و تحصیل خودش از آن استفاده کند. متأسفانه برخی از مدرسه ها فقط روند کار آموزشی را پیش می گیرند و به مسائل تربیتی و پرورشی اهمیتی نمی دهند. معلم در مناسبت های گوناگون می تواند آن را پررنگ کند. البته ما نمی خواهیم چیزی را با اجبار به دانش آموز تحمیل کنیم. من همواره سعی می کردم جمع دوستانه ای از بچه ها تشکیل دهم. هر جور بچه ای باید در جمع ما حضور داشته باشد و هر جور حرفی هم بزند. اگر من بتوانم به عنوان خواهر شهید جواب بدهم که این کار را می کنم و اگر نتوانم با تحقیق پاسخ آن ها را خواهم داد. حوزه پرورشی به جواب این سؤال بر می گردد که من در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ چه کار کردم؟! امروز دانش آموز من در ۱۳ آبان سال ۱۴۰۳ چگونه ایفای نقش خواهد کرد؟! ما باید نسل قدیم و جدید را به گونه ای با هم پیوند دهیم که فرهنگ ایشان و شهادت، فرهنگ فداکاری و فرهنگ شجاعت بین بچه های ما از بین نرود. ما هنوز نتوانسته ایم بچه ها را به این باور برسانیم که تو می توانی.

تربیت دانش آموز و چند ساعت از عمر دانش آموزان هر روز در اختیار مدرسه و معلم هاست. معلم نباید فقط به فکر این باشد که درس بدهد و دچار روزمرگی شود. اگر بتوانیم با بچه ها طرح دوستی بریزیم، آنگاه قادر خواهیم بود به بسیاری از آرمان ها و اهداف دست یابیم.

مدرسه در القای هویت ملی و اسلامی

دانش آموزان چه نقشی می تواند داشته باشد؟

امروزه با گروهی از دانش آموزان روبه رو هستیم که تحصیل می کنند و پس از کسب درجه های عالی به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند. برای سامان بخشیدن به این موضوع لازم است ارتباط بین خانه و مدرسه تقویت شود تا شخصیت دانش آموز به نحو مطلوبی شکل گیرد. گاهی پیش می آید وقتی دانش آموز به مدرسه می آید، ذهنیتی را که از پیش در خانه کسب کرده است، کامل می کند. متأسفانه برخی از همکاران ما در آموزش و پرورش بر هویت ایرانی دانش آموز تأکید ندارند، بلکه مروج فرهنگ غرب هستند. پیشرفت

باشد تا بتوانیم بچه ها را در مدرسه نگه داریم. ارتباط نیاز بچه ها را مشخص می کند، تا در کنار نیاز بچه ها برایشان برنامه ریزی فرهنگی کنیم.

به نظر شما مدرسه در این رابطه چه بسته فرهنگی ای می تواند ارائه دهد؟

بخشی از برنامه های فرهنگی ما صرفاً گزارشی هستند و برای ارائه گزارش کار انجام می شوند. کار فرهنگی من باید به گونه ای باشد که دانش آموز من آن را دوست داشته باشد. این نوع کار فرهنگی باید گسترده باشد. برگزاری اردوهای یک روزه، حتی در حیاط مدرسه و طرح پیک نیک یک روزه و حضور بین دانش آموزان یا طرح هایی از این قبیل به تخلیه روحی دانش آموزان منجر می شود. هزینه های بالای برنامه های فرهنگی در مدرسه ها باعث نتیجه بخش نبودن اکثر کارها و برنامه های فرهنگی می شود. در کنار برنامه های معمول هفتگی و گزارشی، فراخور خواست بچه ها برنامه های جنبی داشته باشیم. در حوزه آموزش و پرورش نباید زود خسته شد. زود خسته شدن باعث می شود کارها لنگ بزند و نتیجه نگیریم. بچه ها ما را مادر دوم خودشان و مدرسه را خانه دوم خودشان می دانند. بنابراین نباید از کار خودمان زود خسته بشویم.

به عنوان کسی که ۳۰ سال در آموزش و پرورش خدمت کرده اید، خواهر دو شهید و همسر جانباز هستید، به معلمان چه توصیه هایی دارید؟

اگر به عنوان معلم در حوزه آموزش و پرورش شغل معلمی را انتخاب کرده ایم، عاشق کارمان باشیم، عشق به کار معلمی در وهله اول به ما انگیزه می دهد. در کارمان هدف داشته باشیم. اگر هدف نداشته باشیم، زود از کارمان خسته می شویم و سپری کردن سال های خدمت سخت خواهد شد. با دانش آموزان رفیق باشیم. همین موضوع برای من معلم ایجاد انگیزه می کند و باعث می شود به مشکلات دانش آموز پی ببرم و برابر مشکلات برایشان

کشورهای غربی نباید هویت ایرانی ما را تحت تأثیر قرار دهد و این امر نباید به تشویق معلمان برای مهاجرت دانش آموزان منجر شود. از سوی دیگر، ما دانش آموز نخبه داریم که تلاش می کند اختراعاتش را اینجا به ثبت برساند. اگر در آموزش و پرورش جایی داشتیم که اختراع دانش آموز ما در مرکز استعدادهای درخشان ثبت می شد و آن دانش آموز می توانست در حوزه کار از آن استفاده کند، این ها اصلاً تمایلی به رفتن نداشتند.

بدینی، یاس و ناامیدی در برخی دانش آموزان وجود دارد. به نظر شما، این یاس و ناامیدی از کجا نشئت می گیرد و معلم در کاهش آن چه نقشی می تواند داشته باشد؟

ما ایران را خوب به بچه ها نشناسانیم. بچه های ما تنها در دو محور تفریحی و سیبر و سیاحت و محل زندگی ایران را می شناسند. خانواده ای ایرانی که دانش آموزش به مدرسه می رود، تا پایان سال تحصیلی نمی تواند به سفر برود. جاذبه های گردشگری ایران به خوبی معرفی نشده اند. دانش آموزان باید در قالب کتاب های درسی، با کمک معلمان ایران و توانمندی ها، ظرفیت ها و داشته های آن را به خوبی بشناسند. دانش آموزان باید از ظرفیت های موجود برای پیشرفت کشور آگاه شوند. ایران ما خیلی چیزها دارد که بچه های ما نمی دانند. معلم باید با دانش آموزانش رفاقت کند. فقط با درس دادن نمی توان کار تعلیم و تربیت را انجام داد. ابتدا باید برای دانش آموز فضای آموزشی دل انگیز مهیا کرد که دانش آموز را راغب می کند درس یاد بگیرد. بچه های ما غالباً از حوزه معاونت اجرایی مدرسه ها فراری هستند، چرا؟ برای اینکه مادر محیط مدرسه برای ایجاد رفاقت و نشاط هدف و برنامه نداریم. این دست دوستی را هنوز نتوانسته ایم بگیریم. اگر ما حداقل آن ارتباط را برقرار کنیم، بچه های ما فضا را دوست دارند و اخت می شوند. مادر کنار برنامه آموزشی باید برنامه فرهنگی هم داشته باشیم. برنامه فرهنگی ما باید به ذهنیت بچه ها بسته

در خانه کلاس است... اگر

راه حل پیدا کنیم. الگوپذیری دانش آموز از معلم زمانی محقق می‌شود که خود معلم به گفته‌هایش اعتقاد و به هویت ایرانی اسلامی خودش ایمان و اعتقاد داشته باشد.

■ مشکلات معلمی سبب می‌شود معلم انگیزه نداشته باشد؟

من یک معلم هستم. پس با ناامیدی به شغل مقدس خود نگاه نمی‌کنم. کار مندی با معلمی فرق می‌کند. معلمی عشق به کار می‌خواهد. باید جان داد. وقتی تربیت و ذهن بچه دست توست. باید مسئولانه برخورد کنی.

■ از دید خواهر شهید؟

مادر کشوری زندگی می‌کنیم که بالغ بر ۳۰۰ هزار شهید داده است. کوچه به کوچه شهرهای ما به نام شهدا هستند. خوب است دانش آموزان گاهی به گلزار شهدا سری بزنند و ببینند آنجا چه خبر است. شهدا به من و تو نیاز ندارند که بر سر مزارشان برویم. اما به میهن باید عرق داشت و تلاش باید بر این باشد که خون شهدا پایمال نشود. این برای شهدای ما کفایت می‌کند.

■ خطاب به آموزش و پرورش، مسئولان و مدیران مدرسه‌ها چه صحبتی دارید؟

اگر پایه و اساس کار آموزش و پرورش درست باشد، هیچ معلمی بدون انگیزه سر کلاس نخواهد رفت. اگر ما بتوانیم انگیزه را در دل معلم‌نمان ایجاد کنیم، مطمئن باشیم روند کار ما بهتر خواهد شد و ما هم بچه‌های خوبی تربیت خواهیم کرد. آموزش و پرورش روند کار را برای همکاران تسهیل کند. تجهیزات لازم را در اختیار همکاران بگذارد. ما هم به برگزاری نشست با همکاران بسنده نکنیم، بلکه پیگیر و به دنبال نتیجه باشیم. وزارت آموزش و پرورش درد معلم‌های مدرسه‌ها را بشنود. در کنار آن معیشت و حقوق همکاران ما را جدی بگیرد. درست است که معلم باید به کار عشق داشته باشد، اما بالادستی هم باید به او برسد تا معلم بتواند با فراغ بال بیشتری به تعلیم و تربیت دانش آموزان بپردازد.

■ به عنوان سخن پایانی؟

آموزش و پرورش، مسئولان و مدیران مدرسه‌ها از تجربه‌های افرادی که در حوزه تعلیم و تربیت کار کرده و امروز بازنشسته شده‌اند، استفاده کند. به تعداد محدودی که همیشه در جلساتشان حضور دارند، بسنده نکنند. در اتاق فکر آموزش و پرورش و مدرسه‌ها از تجربه‌های بازنشستگان استفاده شود و این تجربه‌ها حفظ و به اشتراک گذاشته شود تا از بین نرود.

امتحان میانی نیمسال بود. دانش آموزان در ردیف‌های منظم جا گرفته بودند. هیاهوی بچه‌ها آرام کردم و برگه‌ها را روی دسته‌صندلی گذاشتم. امتحان که شروع شد، دانش آموزی با چرخاندن سر به سمت کنار دستی‌اش، شروع کرد به تقلب. دلم نمی‌خواست به طور مستقیم نامش را ببرم و در مقابل دوستانش غرورش را بشکنم. پس شروع کردم به خواندن این شعر:
ای اشترگردن کژا دانم چه خواهی کردنا
از پنبه خواهی خوردنا گردن درازی می‌کنی

محمد به شامی
دبیر دینی و عربی



این را که خواندم، دانش آموز متوجه شد با او هستیم. سرش را پایین انداخت. در جلسات بعد، کم‌کم این رفتار را کنار گذاشت. برای من هم تجربه‌ای شد که گاهی بیان غیر مستقیم اشتباه دانش آموزان، از بیان مستقیم و آشکار مؤثرتر است. گفتم که الف، گفت دگر، گفتم هیچ.

امام باقر (ع): به شرق و غرب جهان بروید، هیچ دانش صحیحی نخواهید یافت، مگر آنکه از ما خاندان پیامبر (ص) صادر شده باشد (الکافی، ص ۳۹۹). ما معلم ها چه چیزی آموزش می دهیم: محتوای درس را. محتوای درس یعنی چه؟ محتوا شامل متن نوشتاری، تصویر، نمودار و رمزینۀ (تکه فیلم و فیلم) است. در این نوشتار قصد داریم قدری ذهن معلمان را به این موضوع اساسی معطوف کنیم.

* تعریف محتوا

محتوا یعنی حقایق، مشاهدات، داده ها، دریافت ها، تشخیص ها و طرح های برگرفته از آنچه ذهن های انسان درک کرده اند، و آن بناهای ذهن که این محصولات تجربه را درون دانش، ایده ها، مفاهیم و تعمیم ها، اصول، طرح ها و راه حل ها، دوباره سازمان و نظم می دهند (سیلور و الکساندر، ۱۹۷۴).

محتوا مفاهیم بی شماری را در بطن خود دارد. این مفاهیم دو گونه اند:

الف) مفاهیم اساسی^۱؛

ب) مفاهیم جزئی^۲.

سؤال اساسی اینجاست که معلم در هنگام طراحی آموزشی و تدریس بر کدام مفاهیم تمرکز دارد؟

خیلی از معلمان فقط اهداف ظاهری درس را می بینند و برای تحقق آن تلاش می کنند. لذا پیامد آن می شود یادگیری های حافظه ای. مهارت های اساسی هم مغفول می مانند. درست آن است که معلمان ۹۰ درصد انرژی خود را بر استقرار اهداف راهبردی و مفاهیم اساسی معطوف کنند.

از طرف دیگر، دانش آموزان باید خودشان مفاهیم اساسی را کشف کنند. همانند اصول دین که قابل تقلید نیستند و خود فرد باید آن را دریافت کند. تعداد و حجم مفاهیم اساسی در هر واحد درسی بسیار کم است و نقش معلم عمیق بخشی به آن هاست. ولی مفاهیم جزئی حجم بالایی دارند. خیلی از آن ها نقش واسطه ای و تسهیلگر را دارند. بنابراین، از آن ها باید به عنوان وسیله و کمکی بهره گرفت. بدیهی است، این مفاهیم بعد از مدتی از ذهن دانش آموزان پاک می شوند، در حالی که مفاهیم و مهارت های اساسی در طول زندگی به رفتار مطلوب و مهارت های زندگی ختم می شوند.

ما کدامین نوع دانش را آموزش بدهیم؟

انواع دانش و علم عبارت اند از:

۱. داده^۳؛

۲. اطلاعات^۴؛

۳. دانش^۵؛

۴. حکمت^۶.

دکتر منوچهر فضلی خانی
پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه

بعضی معلمان داده ها و

اطلاعات موضوع درس را

به فراگیرندگان منتقل و فکر

می کنند یادگیری یعنی همین. اینان

کمتر به سطح یادگیری از نوع دانش

و حکمت توجه دارند. روش آموزش و

تعلیم این ها کاملاً با هم متفاوت است. در

سطح یادگیری حکمت محوری که در سند تحول

نیز تأکید شده است، چرایی پدیده ها اهمیت دارد،

نه صرفاً چیهستی های علم. متأسفانه بعضی اوقات در

کلاس های درس فقط چیهستی دانش مطرح می شود

(قاعده ها، فرمول ها، عددها، تعریف ها و خاصیت ها).

در حالی که چگونگی و چرایی خیلی مهم تر است که

همان مفاهیم کلیدی و اساسی هستند.

خداوند در قرآن می فرماید: «خداوند حکمت را به هر کس

بخواهد می بخشد و به هر کس حکمت و دانش داده شود، خیر

بسیاری داده شده است. و این حقیقت را جز خردمندان متذکر

نشوند» (بقره، ۲۶۹).

حکمت یعنی ژرف اندیشی. حکمت یعنی آگاهی محکم و استوار.

حکمت آگاهی را وارد جان می کند. یعنی باورهایی که در آن خلل

نیست. حکمت یعنی چراغ معرفت، آگاهی عمیق، نورانیت قلب و

نورانیت علم. محصول معرفت هم اخلاق، عمل، اعتقاد و باور است.

امام صادق (ع) می فرماید: حکمت چراغ معرفت است. معرفت و

آگاهی عمیق دینی یعنی حکمت.

امام حسن (ع) می فرماید: دلت را با حکمت روشن کن.

از نگاه قرآن و حدیث، حکمت عبارت است از: مقدمات محکم و استوار

علمی، عملی و روحی برای نیل به مقصد والای انسانیت.

انواع حکمت: علمی، عملی و حقیقی.

در واقع، حکمت علمی مقدمه حکمت عملی، و حکمت عملی، سرآغاز

حکمت حقیقی است و تا انسان بدین پایه از حکمت نرسیده باشد، حکیم

معلم فقط راهبری کلی می‌کند. این فراگیرندگان هستند که جریان یادگیری را طراحی، اجرا و ارزیابی می‌کنند. نقش معلم هدایتگری است. بدیهی است مورد سوم بهترین روش برای رسیدن به اهداف اساسی درس خواهد بود.

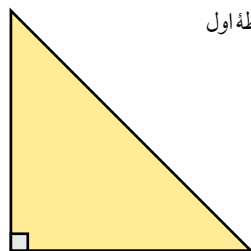
پی‌نوشت‌ها

1. Key concept
2. concept
3. Data
4. Information
5. knowledge
6. wisdom, philosophy
7. Specific
8. Measurable
9. Acceptable
10. Reward
11. Realistic
12. Time Formed
13. Extend

* تحلیل دو مثال از درس‌ها

نماز مسافر و نماز آیات؛ کتاب هدیه‌های آسمانی
معلم معمولاً شرایط نماز مسافر، مسافت ۲۲/۵ کیلومتر، تعداد رکعت، طول مدت سفر، زمان اقامه نماز آیات و شرایط نماز آیات را آموزش می‌دهند. این‌ها لازم هستند، اما کافی نیستند. فلسفه و چرایی مهم‌ترند. اگر کمی در جامعه بررسی کنیم، متوجه می‌شویم مشکل آن‌هایی که در انجام این عبادت‌ها ضعیف هستند، ندانستن قواعد و شرایط نیست، بلکه چرایی است؛ یعنی این مفاهیم اساسی: چرایی شکسته بودن نماز مسافر؛ رعایت این قانون الهی؛ آسان‌گیری خالق؛ اهمیت اصل نماز؛ علت اقامه نماز آیات؛ اراده فرد برای اقامه نماز آیات.

قضیه فیثاغورس؛ ریاضیات دوره متوسطه اول



$$c^2 = b^2 + a^2$$

اگر قبل از تدریس این درس از معلم‌ان سؤال کنیم می‌خواهید چه چیزی درس بدهید، چه جوابی می‌دهند؟

در واقع، هدف اصلی درس راه‌به‌به زبان ساده بیان خواهند کرد. نگاه و نظر معلم اهداف ظاهری و واسطه‌ای است یا اهداف اساسی و راهبری؟

اهداف واسطه‌ای و ظاهری:

۱. حفظ فرمول فیثاغورس؛
۲. محاسبه ضلع مجهول در مثلث؛ ...

اهداف اساسی و راهبردی:

۱. تفکر پیرامون مثلث‌ها؛
۲. کشف رابطه اضلاع؛
۳. درگیر کردن فراگیرندگان و ایجاد چالش؛
۴. کاربرد و نقش این دانش در زندگی؛
۵. مهارت تفکر، پژوهش، تحلیل و نتیجه‌گیری؛
۶. شناخت استعداد و علاقه دانش‌آموزان؛
۷. درک علت اینکه این رابطه مخصوص قائم‌الزاویه است. این دو گروه از اهداف بر بعضی فرایندها تأثیر می‌گذارند و جلوه تدریس و آموزش را متفاوت می‌کنند:
۱. روش تدریس: درگیر کردن با مسئله واقعی.
۲. ارزشیابی: سنجش عملکردی پروژه؛ مشاهده.
۳. تکلیف‌دهی: پروژه‌های عملی؛ مسئله‌محور؛ پژوهش‌مدار؛ مبتنی بر استعداد.

منابع

۱. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران.
۲. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
۳. محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۹۹). اصول کافی. ترجمه عباس به‌نژاد. آرایه. تهران.
۴. سیلور و الکساندر (۱۹۷۴). برنامه‌ریزی درسی برای تدریس بهتر. غلامرضا خویی‌نژاد. آستان قدس رضوی. مشهد.

حقیقی نیست؛ هر چند بزرگ‌ترین استاد حکمت حقیقی، در واقع همان جوهر دانش، نور دانش و دانش نور است. حکمت حقیقی نورانیت و بصیرتی است که در نتیجه به‌کار بستن حکمت عملی در زندگی برای انسان حاصل می‌شود.

در رویکرد حکمت محوری، تدوین اهداف درس‌ها باید ویژگی‌هایی داشته باشد:

اختصاصی^۵؛ قابل سنجش^۶؛ قابل پذیرش^۷؛ مشوق و انگیزه‌ساز^۸؛ منطبق بر واقعیت^۹؛ زمان‌بندی عمل^{۱۰}؛ قابل توسعه^{۱۱}.

نقش راهبردی معلم در فرایند

یاددهی یادگیری چیست؟ معلم در رویکرد حکمت محوری کدام راهبر را انتخاب کند؟

الف) مدیریت محتوا: یعنی محتوا را روبه‌روی فراگیرندگان قرار می‌دهد و با گفت‌وگو و تعامل آموزش می‌دهد.
ب) مدیریت جریان یادگیری: مدیریت می‌کند تا فرایند یاددهی یادگیری جریان یابد و یادگیری اتفاق بیفتد.
ج) مدیریت مدیریت فراگیرندگان: بر جریان یادگیری: در این حالت،

مدیریت کلاس درس غالباً مانند راه رفتن روی طناب احساس می شود؛ به خصوص زمانی که به نظر می رسد اختیار آن از دست رفته است. این موضوع می تواند برای بسیاری از معلمان تجربه ای دلهره آور و فشارزا باشد. با این حال، با داشتن راهبردها و طرز فکر درست، بازگرداندن اختیار نه تنها امکان پذیر است، بلکه می تواند به ایجاد محیط یادگیری مثبت و مؤثرتر منجر شود. این یادداشت توصیه هایی عملی را در این خصوص ارائه می دهد.

* شناسایی زود هنگام مشکل

دانش آموزی به نام علی در طول درس شروع به زم زم کردن یا دوستش می کند. این کار در ابتدای ضرر به نظر می رسد، اما به زودی دیگران نیز به او ملحق می شوند و سطح سروصدا بالا می رود. این اختلال کوچک می تواند به مشکلی جدی تبدیل شود؛ اگر زودتر به آن رسیدگی نشود.

بی نظمی در کلاس درس در غفلت از جزئیات ریشه دارد. این موضوع به تدریج و با بروز رفتارهای نامناسبی آغاز می شود که در ابتدا ممکن است نادیده گرفته شوند. این بی توجهی زمینه گسترش این رفتارها به سایر دانش آموزان را ایجاد می کند و به مرور زمان، آرامش کلاس درس جای خود را به آشفتگی و هرج و مرج می دهد.

تشخیص زود هنگام مشکلات رفتاری در حفظ نظم کلاس نقشی حیاتی ایفا می کند. به تغییرات پویایی کلاس توجه کنید و در صورت مشاهده هرگونه رفتار نامناسب، قاطعانه عمل کنید. بی توجهی به مشکلات کوچک می تواند به بحران های بزرگ تر در آینده منجر شود.

راهکار

مشاهده دقیق: رفتار دانش آموزان را با دقت زیر نظر داشته باشید. به هر تغییری در پویایی کلاس یا الگوهای نوظهور رفتار ناشایست توجه کنید.

اقدام فوری: با مشکلات نوظهور برخورد کنید. در مثال ذکر شده، گفت و گوی خصوصی با علی و یادآوری انتظارات کلاس، راهکاری مؤثر است. با حل کردن مشکل در همان ابتدا، می توانید از بروز اختلالات بزرگ تر جلوگیری کنید.

* باز آغاز کامل

خانم رضایی، معلمی مجرب، با مشاهده آشفتگی فزاینده در کلاس درس خود، به اتخاذ تدبیری قاطعانه برای بازگرداندن نظم و انضباط به محیط آموزشی تصمیم گرفت. صبح دوشنبه، با نصب مجموعه قوانین جدید روی تخته سیاه، به استقبال دانش آموزان خود رفت. در طول آن روز، با صبر و حوصله، تک تک قوانین را شرح داد و اهمیت هر

یک را برای دانش آموزان تبیین کرد. او با صرف زمان کافی، به دانش آموزان فرصتی برای تمرین و تکرار قوانین داد. در نهایت، تا پایان هفته شاهد تحولی چشمگیر در فضای کلاس درس خود بود. گاهی اوقات شما به باز آغاز کامل کلاس نیاز دارید. این به معنای شروع دوباره با قوانین جدید، رویه های جدید و مهم تر از همه طرز فکر جدید است. به آن به عنوان ریشه کن کردن علف های هرزی که به باغ شما نفوذ کرده اند فکر کنید. همه تأثیرات مخرب باید مورد توجه قرار گیرند و حذف شوند.

ایجاد قوانین جدید برای باز آغاز کلیدی است. فهرستی واضح و دقیق از انتظارات کلاس بنویسید. این فهرست نه تنها باید شامل قوانین باشد، بلکه باید شامل رویه های خاصی برای نحوه عملکرد هر قسمت از کلاس نیز باشد؛ و روده اتاق، رفتار کار گروهی و نحوه رسیدگی به سوالات. دقت در برنامه ابهام را از بین می برد.

راهکار

برقراری مجدد قوانین: قوانین و رویه های جدید کلاس را به طور واضح بیان کنید. برای مثال، فهرستی تهیه کنید که شامل قوانینی مانند بلند کردن دست برای صحبت کردن، احترام به فضای شخصی و دستورالعمل های خاص برای کار گروهی باشد.

انزارهای کمکی بصری: از پوسترها یا نمودارها برای نمایش برجسته قوانین در کلاس استفاده کنید.

بازی نقش آفرینی: با دانش آموزان تمرین کنید قوانین جدید را از طریق فعالیت های بازی نقش آفرینی تمرین کنند تا مطمئن شوند آن ها را درک و درونی می کنند.

رازهای مدیریت کلاس

آرامش

* اجرا و ثبات

آقای فرهادی قانون جدیدی در مورد وقت شناسی معرفی کرد و از دانش آموزان خواست بازنگری در زمان آماده و روی صندلی خود بنشینند. در ابتدا برخی از دانش آموزان با دیر رسیدن این قانون را زیر پا گذاشتند. آقای فرهادی با آرامش این قانون را اجرا کرد. با آرامش به تأخیر کنندگان یادآوری و عواقب ملایمی را اعمال کرد. با گذشت زمان، دانش آموزان با روال جدید سازگار شدند و وقت شناسی بهبود یافت.

برنامه جدیدتان آماده است. حالا نوبت اجرای آن فرارسیده! این فرایند، بایدآوری مجدد قوانین به دانش آموزان شروع می شود. در این مرحله، رویکردی قاطع اما آرام ضروری است. روزی را برای این کار در نظر بگیرید و مطمئن شوید همه به طور مرتب سر جای خود نشسته اند. سپس قوانین و رویه های جدید را گام به گام برایشان

دکتر محمد نیرو

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات

شرح دهید و از آن ها بخواهید برای اطمینان از درکشان، آن ها را تکرار کنند. ثبات رمز موفقیت است! قوانین را به طور جدی اجرا کنید و در مقابل وسوسه سهل انگاری مقاومت کنید. به محض اینکه دانش آموزان متوجه شوند در اجرای قوانین سستی وجود دارد، شروع به زیر پا گذاشتن مرزها خواهند کرد. ثبات قدم شما در ابتدای سال، مبنای رفتار دانش آموزان در ادامه خواهد بود.

راهکار

تقویت قاطع: قوانین را به طور مداوم اجرا کنید. اگر دانش آموزی قانونی را زیر پا گذاشت، بلافاصله با او برخورد کنید و عواقب توافق شده را اعمال کنید.

بررسی های دوره ای: به طور مرتب قوانین و رویه ها را با کلاس مرور کنید تا بر اهمیت آن ها تأکید شود.

* ایجاد ارتباطات شخصی

خانم کریمی، معلمی خلاق، با چالشی در کلاس درس خود روبه رو بود. او با اختصاص پنج دقیقه ابتدای هر جلسه به گفت و گو با دانش آموزان و اشتراک گذاری داستان های شخصی، فضایی صمیمی و احترام آمیز ایجاد کرد. این ابتکار ساده، در رفتار دانش آموزان و ارتقای یادگیری آن ها تحولی شگفت انگیز به ارمغان آورد. ایجاد ارتباط شخصی با دانش آموزان می تواند پویایی کلاس را متحول کند. ابتدای هر کلاس را به پرسیدن سؤالات شخصی از دانش آموزان، برای شناخت بهتر آن ها، اختصاص دهید. این کار نه تنها باعث ایجاد ارتباط می شود، بلکه نشان می دهد شما به فراتر از عملکرد تحصیلی آن ها اهمیت می دهید.



به چشمان آن‌ها نگاه کنید؛ به خصوص دانش‌آموزان در درس‌ساز. به آن‌ها احساس دیده‌شدن و مسئولیت‌پذیری بدهید. این کار احتمال جلب توجه آن‌ها از طریق شیطنت را به حداقل می‌رساند. دیده‌شدن به عنوان فردی دلسوز اما با اقتدار، به ایجاد احترام و نظم کمک می‌کند.

راهکار

صحبت‌های ابتدایی روزانه: هر روز را با چند دقیقه صحبت غیررسمی شروع کنید. از دانش‌آموزان در مورد علاقه‌ها، سرگرمی‌ها یا هر نگرانی‌ای که ممکن است داشته باشند، سؤال کنید.

یادداشت‌های شخصی: گاهی اوقات برای دانش‌آموزان یادداشت‌های مثبت بنویسید و تلاش‌ها و پیشرفت‌های آن‌ها را تأیید کنید.

* سؤال‌های متداول

- / اگر دانش‌آموزی به طور مکرر نظم کلاس را برهم زد چه کنیم؟
حواس دانش‌آموز را به قوانین معطوف کنید و بعد از کلاس با او صحبت کنید. خونسردی خود را حفظ کنید و قاطع باشید.
- / چگونه والدین را در جریان قوانین جدید قرار دهیم؟
یک برگه حاوی قوانین جدید به هر دانش‌آموز بدهید تا برای امضای والدین به خانه ببرد. پیگیری کنید تا مطمئن شوید همه دانش‌آموزان برگه امضا شده را برگردانده‌اند.
- / اگر باز آغاز اولیه من مؤثر نبود، چه؟
پایداری کلید موفقیت است. اگر اولین تلاش نتیجه‌ای نداشت، راهبرد خود را ارزیابی مجدد و با تنظیمات جزئی دوباره امتحان کنید.
- / چگونه بدون اینکه نامهربان باشم، سختگیر باشم؟
قاطع اما منصف باشید. توضیح دهید که هدف این تدبیرها، ایجاد محیط یادگیری پربار است. تأکید کنید این موضوع شخصی نیست، بلکه ضروری است.
- / آیا بعد از تثبیت قوانین می‌توانم کمی آن‌ها را سهل بگیرم؟
هنگامی که قوانین به خوبی اجرا شدند و دانش‌آموزان به طور مداوم آن‌ها را رعایت کردند، می‌توانید به تدریج کمی انعطاف‌پذیرتر باشید. با این حال، همیشه برای بازگرداندن اختیار آماده باشید.

* نتیجه‌گیری

بازگرداندن نظم به کلاسی آشفته چالش برانگیز است، اما به طور کامل شدنی است. شناسایی زود هنگام مشکلات، باز آغاز کامل کلاس، اجرای مداوم قوانین، برقراری ارتباط شخصی با دانش‌آموزان و پایداری، اجزای کلیدی غلبه بر بحران‌های مدیریت کلاس هستند. با ایستادگی بر اصول خود، ثابت قدم بودن و نشان دادن علاقه واقعی به دانش‌آموزان، می‌توانید محیط یادگیری مثبت و پرباری ایجاد کنید. به یاد داشته باشید، تلاش‌های امروز شما به تجربه بهتر کلاس برای دانش‌آموزان و آرامش خاطر شما منجر خواهد شد. *

منبع

1. Thom Gibson, "Top 10 CLASSROOM MANAGEMENT Tips in 10 Minutes," YouTube, [https://www.youtube.com/watch?v=u8kUwpO3ucw]

از شبیه

ت

❁ مقدمه

پرسش و پاسخ ارزشمندترین هدیه‌ای است که عقل به انسان ارزانی داشته است. در دین مبین اسلام نیز پرسشگری جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که برخی از آیات قرآن با کلمه «یستلونک» شروع می‌شوند. همچنین، با مشاهده سیره اهل بیت علیهم السلام و علمای اسلام می‌بینیم، بسیاری از منابع معرفتی که به دست ما رسیده‌اند، از طریق پرسش اصحاب و شاگردان حضرات معصوم علیهم السلام، با عنوان‌هایی مانند «سئل عن» یا «سئل عنه»، «سئل عنه» بوده است. البته در این بین، عده‌ای با نیت شیطانی و برای ضربه زدن به دین و اعتقادات مردم، شبهه‌های خود را در قالب پرسش مطرح می‌کردند تا از این طریق به اهداف خود برسند. در زمان ائمه اطهار علیهم السلام، ایشان به طور مستقیم یا از طریق تربیت شاگردان، با این شبهه افکنان مبارزه می‌کردند. امروزه نیز با توجه به اینکه در ایران نظامی دینی و با اهداف جهانی بر سرکار آمده است، مقابله هدفمند و اثربخش آفندی و پدافندی با شبهه‌ها بسیار ضروری است. تضعیف بنیه معرفتی، به خصوص در جوان و نوجوان، از مهم‌ترین اهداف مراکز و اشخاص شبهه افکن است. بنابراین، مسلح شدن معلمان عزیز (که بیشترین ارتباط را با دانش آموزان دارند) به مهارت‌های مواجهه با سؤال و شبهه، بسیار ضروری و البته راهگشاست و می‌تواند تهدید شبهه را به فرصت یقین و هدایت تبدیل کند.

از این شماره به صورت سلسه‌وار مهارت‌های مواجهه با پرسش و پاسخ را مطرح می‌کنیم. بدین نحو که ابتدا یک مهارت مطرح می‌شود، سپس یک پرسش و پاسخ مبتنی بر این مهارت می‌آید و در انتها چند سؤال به منظور کارورزی ارائه می‌شود. گفتنی است، لازمه اثربخشی این بحث، یادگیری پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و سؤال‌های پرسامد در کنار این مهارت‌هاست.

مهارت‌های مواجهه هدفمند و اثربخش با پرسش‌ها و شبهه‌های دانش آموزان

مهارت اول، تعریف و تمجید

واقعیت

محمد پورنوروز
رئیس اداره برنامه ریزی و پشتیبانی
مرکز پاسخگویی به سؤال‌های دینی



* مهارت تعریف و تمجید

توان برقراری ارتباط مؤثر مهم ترین مؤلفه موفقیت در پاسخ گویی است. تعریف و تمجید به مثابه نخستین مواجهه با پرسش و شبهه دانش آموز، یکی از مهارت های برقراری ارتباط مؤثر و سازنده و بستر ساز اعتماد و تداوم گفت و گو است. برای ایجاد احساس احترام، لازم است از مخاطب تعریف و تمجید صورت گیرد. مثلاً وقتی مخاطب پرسشی را مطرح می کند، گوینده با تعریف و تمجیدش، او را متوجه اهمیت نکته ای که مطرح کرده است بکند. به عنوان مثال، معلم اگر چه سؤال های سطح بالایی از شاگردان نمی بیند، لکن برای ایجاد دل بستگی تلاش می کند از تعریف و تمجید استفاده کند. بنابراین، به همین شیوه امکان گسترش گفتمان و مرجعیتی فکری و فرهنگی به وجود خواهد آمد. اگر معلم این رفتار را با مخاطبان خود نداشته باشد و با متانت و با وقار و ادب و رفتار خود نتواند دل بستگی شاگردان خود را در پی داشته باشد، خود به خود مرجعیت و شأنیت او زیر سؤال می رود. مثلاً معلم به دلیل اینکه پاسخ سؤال را نمی داند، یا به هر دلیل دیگر، به جای تمجید از پرسشگر و سپس ارائه پاسخ، بگوید: «این چه سؤالی است؟ این سؤال از شما بعید است! متأسفم که این سؤال را از دانش آموز کلاس دهمی می شنوم! در اینجا، هم شأنیت علمی و هم جایگاه معلمی را که باید بناگاه شبهه های فکری دانش آموزان باشد، خواسته یا ناخواسته پایین آورده است. حتی اگر در ادامه پاسخ سؤال یا شبهه را با قوی ترین استدلال مطرح کند، باز هم بعید است نتیجه مطلوب را در دانش آموز ایجاد کند.

در واقع، معلم یا هر سخنگوی دیگر، در هنگام گفت و گو و مناظره و پاسخ گویی باید شنونده ای فعال باشد. شنیدن در اینجا امری منفعلانه نیست، بلکه کنشی فعال است. بدین منظور کافی است کمی شور و هیجان، ابراز احساس، احترام و علاقه، پویایی و نشاط چاشنی این شنوندگی شود تا مخاطب بتواند ارتباط بهتری برقرار کند. معلم بعد از استماع دقیق، با تعریف و تمجید پاسخ را آغاز می کند. تعریف و تمجید پس از دریافت سؤال، می تواند از خود «سؤال» باشد، با عبارت هایی نظیر «چه سؤال مهمی رو مطرح کردی، سؤال خیلی دقیقی مطرح شد، این سؤال پرسش فلان عالم هم بوده». تعریف از خود «مخاطب» هم می تواند باشد، مانند: «جای بسی خوش حالی است که با چنین دانش آموزان فهیمی روبه رو هستم، دقت نظر شما جای تقدیر دارد، به داشتن چنین دانش آموزانی افتخار می کنم که سؤال هایی در این سطح مطرح می کنند».

* آیا مسلمانان بازور شمشیر مسلمان شدند؟

(متن پرسش و پاسخ از حجت الاسلام دکتر مصطفی محسنی)
دانش آموز: «خانم معلم، چند وقتی است سؤالی ذهنم را مشغول کرده است. آخر این چه نوع اسلامی شدنی است برای ما ایرانیان، که بازور شمشیر اتفاق افتاده است؟ مگر اسلام آوردن نباید از روی علم و آگاهی باشد؟»
معلم: اولاً خدا را شکر می کنم که شما بچه های گلم این طور راحت و البته با احترام سؤال هایتان را مطرح می کنید و دنبال این هستید که کار هایتان را با یقین و پشتوانه فکری دقیق انجام بدهید. خیلی جدی توصیه می کنم این روحیه پرسشگری را حفظ و حتی به بقیه دوستانتان هم منتقل کنید. سؤالی که پرسیدی، بسیار هوشمندانه است. جواب این سؤال گره های ذهنی زیادی را باز می کند و منجر به این می شود که به ایرانی بودنتان خیلی بیشتر از گذشته افتخار کنید. اما جواب این سؤال مهم چند بخش دارد که یکی یکی می گویم:

بر اساس شواهد تاریخی، گرایش اکثریت مردم ایران به اسلام، به تدریج و طی چند قرن، از روی میل و رغبت صورت گرفته و چنین نبوده است که همه مردم ایران در بازه زمانی کوتاهی اسلام را بپذیرند. حضور پیروان ادیان از جمله مسیحیت و زردشت در نقاط مرکزی ایران، بعد از حدود چهارده قرن از بعثت پیامبر اکرم (ص)، گواهی بر این است که اسلام آوردن ایرانیان نه از ترس شمشیر، بلکه از روی شناخت و اعتقاد قلبی بوده است.

برای توضیح بیشتر، چند موضوع را مطرح می کنم: اولاً، در عصر پیامبر و قبل از فتح ایران توسط اعراب مسلمان، برخی از ایرانیان مسلمان شده بودند؛ کسانی مانند سلمان فارسی که پیامبر به او لقب «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» دادند. حتی در تاریخ ذکر شده است بیش از چهل نفر ایرانی دیگر جزو اصحاب پیامبر اکرم (ص) بودند. علاوه بر این، افراد بخش هایی از ایران مانند بحرین و یمن، بدون هیچ جنگ و درگیری در زمان حیات خود پیامبر اکرم (ص) مسلمان شدند. شهید مطهری در این باره می نویسد: «علاقه ایرانیان به دین مقدس اسلام از همان آغاز ظهور دین مقدس شروع شد. قبل از آنکه شریعت مقدس اسلام توسط مجاهدان مسلمان به این سرزمین بیاید، ایرانیان مقیم یمن به آیین اسلام گرویدند و با میل و رغبت به احکام قرآن تسلیم شدند و از جان و دل در



**تعریف و تمجید
به مثابه نخستین
مواجهه با
پرسش و شبهه
دانش آموز، یکی
از مهارت های
برقراری ارتباط
مؤثر و سازنده
و بستر ساز
اعتماد و تداوم
گفت و گو است**



ترویج شریعت کوشش نمودند و حتی در اسلام و مبارزه با مخالفان نبی اکرم (ص) جان سپردند.^۲

در مورد چگونگی مسلمان شدن مردم بحرین نیز در منابع تاریخی نقل شده است که حاکم بحرین شخصی به نام منذر بن ساوی بود. پیامبر اکرم در سال هشتم هجری نامه‌ای را توسط علاء بن حضرمی برای او فرستادند و او را به اسلام دعوت کردند و منذر و بخشی از مردم بحرین در پی آن نامه و بدون هیچ مقاومتی اسلام آوردند.^۳ ثانیاً، آنچه در دوران خلفای اول تا سوم طی ۱۸ سال (از سال ۱۲ ق تا سال ۳۰ ق) روی داد، این بود که در اثر شکست حکومت ساسانی از اعراب مسلمان، سرزمین ایران جزئی از سرزمین‌های اسلامی شد. فتح سرزمین ایران توسط اعراب بدین معنا نبود که ایرانیان نیز تماماً مسلمان شدند. به شهادت تاریخ، نه اعراب در این فکر بودند که ایرانیان را به زور مسلمان کنند و ایرانیان در همان ابتدا اسلام را انتخاب کردند، بلکه گرایش ایرانیان به اسلام به مرور و طی چند قرن صورت گرفت. در مورد چگونگی گرایش ایرانیان به اسلام، بعد از فتح ایران توسط اعراب مسلمان، اسپولر، یکی از نویسندگان غربی، که درباره این دوره تاریخی مطالعه کرده است، می‌نویسد: تقریباً تمام ایرانیان بدون اعمال زور و فشار خارجی قابل توجهی از طرف فاتحان، در مدت قرون اندکی به اسلام گرویدند.^۴

ریچارد بولت، دیگر نویسنده غربی، در کتاب «گروش به اسلام در قرون میانه» طی یک بررسی نشان داده که روند مسلمان شدن ایرانیان از قرن نخست با کندی آغاز

شده و به تدریج پر شدت آن افزوده شده است. این شدت در قرن چهارم به اوج خود رسیده و تقریباً به جز برخی جمعیت‌های قومی، مانند آشوری‌ها در غرب یا جامعه‌های کوچک زرتشتی در یزد و شیراز، سایر مردم به اسلام گرویدند. بولت با بررسی اسامی عالمان یادشده در چهار قرن نخست اسلامی، به این مطلب دست یافت که به ندرت نامی ایرانی در آن‌ها دیده می‌شود و تا قرن چهارم، هر نسب‌نامه معمولاً از جد اول، با یک اسم ایرانی آغاز می‌شود و در ادامه، نام‌های اسلامی پیاپی می‌آیند؛ مثلاً احمد بن حسین بن رستم. این بدان معنا بود که به عنوان مثال رستم فردی است که به اسلام گرویده و نام فرزندش را احمد انتخاب کرده است.

پروفسور ادوارد براون، مورخ انگلیسی، نیز در مورد چگونگی گرایش ایرانیان به اسلام اینطور می‌نویسد: «مسلم است قسمت اعظم کسانی که (در ایران) تغییر مذهب دادند، به طیب خاطر و به اختیار و اراده خود آن‌ها بود و پس از شکست ایران در «قادسیه»، فی‌المثل چهار هزار سرباز دلمی، پس از مشاوری، تصمیم گرفتند به میل خود اسلام آورند و به قوم عرب ملحق شوند. این عده در تسخیر «جلولاء» به تازیان کمک کردند و اشخاص دیگر نیز گروه گروه به رضا و رغبت به اسلام گرویدند.^۵

ثالثاً، بسیاری از مردم ایران در عصر فتوحات در برابر اعراب مسلمانان مقاومت نکردند و همین سبب شد بخش‌های زیادی از ایران، بدون جنگ و درگیری، با اعراب مسلمان صلح کردند. بنابراین باید گفت، علت شکست نیروهای نظامی حکومت ایران، ناتوانی نظامی آنان یا تنها روحیه قوی مسلمانان نبود، بلکه علت اصلی شکست نیروهای جنگی ایران در برابر هجوم مسلمانان، ناراضی بودن مردم ایران از حکومت و آیین خود بود. آن‌ها نخواستند بجنگند و حتی گاهی با مسلمانان همکاری می‌کردند.^۶ مردم ایران از آیین زرتشتی ناراضی بودند، به خاطر اینکه این آیین با نظام طبقاتی ساسانی پیوند خورده و به شکل یک آیین اشرافی در آمده و در خدمت خشنود کردن اشراف بود و تبعیض در آن بیدار می‌کرد. زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها و تعلیم و تعلم در انحصار اشراف و اعیان بود. زنان و دختران، حق خواندن و باسواد شدن نداشتند، مگر اینکه از زنان طبقات اشراف می‌بودند. نظام طبقاتی به حدی بود که حتی هر طبقه اجتماعی آتشکده‌ای مجزا داشت.

خلاصه، با توجه به این مطالب می‌توانیم بگوییم، ایرانیان از دوره پیامبر اکرم (ص) تا اندازهای با اسلام آشنا شدند و فتوحات فقط زمینه‌آشنایی بیشتر ایرانیان با اسلام را فراهم کرد. همین موضوع سبب شد ایرانیان در طی چند قرن، با تطبیق آموزه‌های دین اسلام با آموزه‌های دین زردشت و عقل، به مرور مسلمان شوند.

باز هم بگوییم، واقعاً سؤال دقیق شما خوش حالم کرد. امیدوارم این روحیه کنجکاوی و حقیقت‌جویی خودتان را حفظ کنید.

✱ سؤال برای کارورزی

مخاطبان محترم، این سؤال را با توجه به «مهارت تعریف و تمجید» پاسخ بدهید و در قالب حداکثر ۱۰۰۰ کلمه از طریق رایانامه moallem@roshdmag.ir بفرستید.

به پاسخ‌های برتر به لحاظ مهارت تعریف و تمجید و البته محتوایی، جوایزی اهدا خواهد شد. این پاسخ‌ها در شماره‌های بعدی هم چاپ می‌شوند.

مگر خدا انسان را مختار نیافریده است! پس چرا در انتخاب سبک پوششش آزاد نیستیم و در این زمینه به عقاید هم‌دیگر احترام نمی‌گذاریم؟ ✱

پی‌نوشت‌ها

۱. مقریزی، تقی‌الدین. امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده و الامتاع، تحقیق، نمبسی. محمد عبدالحمید، بیروت. دارالکتب العلمیه. چاپ اول. ۱۴۲۰ ق. ج ۱. ص ۳۰۵.
۲. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. ۳۰ جلد. صدرا. قم. چاپ ۸. ۱۳۷۲. ج ۱۴. ص ۷۸.
۳. در این موضوع بنگرید به مقاله سید محمود سامانی. اصحاب ایرانی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و آله. میقات حج. شماره ۸۴. تابستان ۱۳۹۲.
۴. برتولد اسپولر. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه مریم میراحمدی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۳. ج ۱. ۲۴۰-۲۳۹.
۵. محمد حاجی‌تقی، روش‌های آماری ریچارد بولت در کتاب «گروش به اسلام در قرون میانه». مجله پژوهش و حوزه. بهار و تابستان ۱۳۸۲. شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
۶. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. ۳۰ جلدی. صدرا. قم. چاپ ۸. ۱۳۷۲. ج ۱۴. ص ۷۶.
۷. محمد حاجی‌تقی. ۱۳۸۲. شماره‌های ۱۳ و ۱۴.



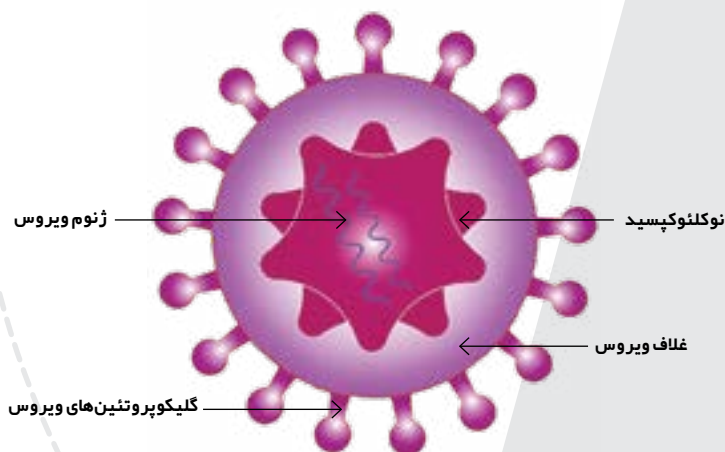
تب‌دنگی، علائم و روش‌های انتقال

تب‌دنگی

دکتر زهره افتخاری
دانشیار انستیتو پاستور ایران

* بیماری‌های انتقال یابنده توسط حشرات

بیماری‌هایی که توسط حشرات منتقل می‌شوند، حدود ۱۷ درصد از بیماری‌های عفونی دنیا را تشکیل می‌دهند. بیماری تب‌دنگ، زیکا و چیکونگونیا از طریق گزش پشه‌های آندس انتقال می‌یابند. میزان بروز بیماری دانگ در سال‌ها و دهه‌های اخیر به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. به نحوی که موارد این بیماری ظرف ۵۰ سال گذشته ۳۰ برابر شده است و اکنون هر ساله ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون عفونت تب‌دنگ در جهان رخ می‌دهد. بیش از ۷۵ درصد افراد در معرض خطر در منطقه آسیا و غرب اقیانوس آرام زندگی می‌کنند. همه‌گیری‌های بیماری دانگ به‌طور معمول در فصل‌های بارانی و گرم رخ می‌دهد. بروز دنگی در دهه‌های اخیر در سراسر جهان به‌طور چشمگیری افزایش یافته است، به‌طوری که موارد گزارش شده از ۵۰۵۴۳۰ مورد در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۰) به ۵/۲ میلیون مورد در سال ۱۳۹۹ (۲۰۱۹) افزایش یافته است. بیشترین تعداد موارد دنگی در سال ۱۴۰۳ (۲۰۲۳) ثبت شده که بیش از ۸۰ کشور را تحت تأثیر قرار داده است. از حدود سال ۱۴۰۳ انتقال مداوم، همراه با افزایش غیر منتظره موارد دنگی منجر به بالاترین رقم تاریخی بیش از ۶/۵ میلیون مورد و بیش از ۷۳۰۰ مرگ مرتبط با تب‌دنگی گزارش شده است. بر اساس این شکل، ویروس دانگ که جزو فلاوی ویروس‌هاست، چهار زیرگونه دارد و دارای نوکلئوکپسید، غلاف، دو گلیکوپروتئین و ژنوم است و این بدان معناست که امکان دارد فردی چهار بار به ویروس آلوده شود.





❁ پشه‌آندس

پشه‌آندس اجیپتی در مناطق شهری زندگی کرده و گزش، محل استراحت و تخم‌گذاری آن در نزدیکی محل سکونت انسان (در داخل و خارج محل زندگی) است. این پشه می‌تواند در هر ظرف یا فضایی که مقداری آب جمع شود، مانند لاستیک‌های مستعمل، قوطی کنسرو، حوضچه‌های سیمانی، ظرف زیر گلدان، مخزن و تانکر آب و ظرف زیر کولر فوراً تخم‌گذاری کند. تخم‌ها در برابر خشکی و کم‌آبی مقاوم هستند و می‌توانند تا مدت طولانی (گاهی بیش از یک سال) شرایط بدون آب را تحمل کنند.

پشه‌مادر این توانایی را دارد که در صورت آلودگی ویروسی، ویروس را به پشه‌دختر و نسل بعدی هم منتقل کند. آندس اجیپتی برخلاف پشه‌مالاریا و بسیاری از پشه‌های دیگر، در طی روز خون‌خواری می‌کند و حداکثر گزش را در صبح زود و هنگام غروب آفتاب، قبل از تاریکی هوا، انجام می‌دهد. در طول روز در قسمت‌های تاریک، سایه‌دار و به نسبت مرطوب داخل ساختمان نظیر زیر میز، زیر صندلی، زیر تخت‌خواب و روی پرده و لباس‌ها در داخل کمد استراحت می‌کند. پشه‌ماده خون‌خواری از انسان را نسبت به سایر موجودات

ترجیح می‌دهد و در هر وعده خون‌خواری چندین نفر (گاهی تا ۳۰ نفر) را می‌گزد. بنابراین، در صورت آلودگی پشه، احتمال انتقال بیماری به ده‌ها نفر (چندین عضو خانواده و همسایگان آن‌ها) طی یک شبانه‌روز وجود دارد و از این طریق (تمایل به تغذیه مکرر) ممکن است طغیان بیماری رخ دهد. مناطق جنوبی ایران از نظر آب و هوایی برای زندگی و تکثیر این پشه مناسب هستند و ساکنان این مناطق با رعایت بهداشت و بهسازی محیط زندگی خود می‌توانند از ورود و گسترش این پشه جلوگیری کنند.

❁ مراحل و علائم بیماری دانگ

بسیاری از موارد ابتلا به بیماری دانگ (گاهی تا ۸۰ درصد) به خصوص کسانی که برای اولین بار به این بیماری مبتلا می‌شوند، بدون علامت هستند. یعنی ممکن است چهار نفر از پنج نفری که در اثر گزش پشه‌آلوده بیمار شده‌اند، علائم بیماری دانگ را نشان ندهند. علائم غالباً خفیف تا متوسط هستند و غیر اختصاصی و تب دارند. پنج درصد (یعنی یک نفر از ۲۰ نفر بیمار) به نوع شدید بیماری دانگ مبتلا خواهد شد. بیماران چه علامت دار باشند و چه



بی علامت، ممکن است پیش از شروع تب تا انتهای دوره تب‌داری ویروس را به پشه‌های سالم که آن‌ها را می‌گزند، منتقل کنند. مرحله تب‌داری به صورت ناگهانی شروع می‌شود، دو تا هفت روز طول می‌کشد و ممکن است دو مرحله‌ای باشد. پشه‌های ماده یک هفته تا ده روز بعد از خوردن خون آلوده به ویروس می‌توانند بیماری را تا پایان عمرشان به دیگران منتقل کنند.

سایر علائم بیماری عبارت‌اند از:

سر درد شدید
درد عضلانی
درد مفاصل
درد استخوان
درد پشت چشم
بی‌اشتهایی
استفراغ

ضایعات پوستی لکه و دانه‌های قرمز رنگ (در موارد شدید ممکن است خون‌ریزی‌های زیر پوستی رخ دهد) خون‌ریزی از بینی و لثه (در موارد شدید) وجود خون در ادرار (در موارد شدید) در طول ۴۸ ساعت اول گلودرد، قرمزی گلو و صورت برافروخته (بعضی بیماران)

❁ مرحله بحران

مرحله بحران با قطع تب شروع می‌شود و معمولاً ۱ تا ۲ روز طول می‌کشد. در این مرحله، به علت افزایش نفوذپذیری رگ‌های بدن، بیماران دچار نشت مایعات درون رگ می‌شوند که ممکن است مایع اضافی وارد ریه و شکم و اندام‌های مهم بدن شود و به دلیل کم‌آب شدن رگ‌ها افزایش غلظت خون رخ دهد. در نتیجه به تدریج علائم شوک ظاهر می‌شوند و فشار خون کاهش می‌یابد. به دنبال آن شوک غیرقابل برگشت رخ می‌دهد که حتی ممکن است احیای بیمار نیز موفقیت‌آمیز نباشد.

❁ روش‌های انتقال

انتقال از پشه به انسان

بعد از ورود ویروس به بدن پشه، ویروس در بدن پشه تکثیر می‌شود. فاصله زمانی بین ورود ویروس به بدن تا انتقال واقعی به میزبان بعدی، دوره نهفته خارجی نامیده می‌شود و زمانی که دمای محیط ۲۵ تا ۲۸ درجه سانتی‌گراد است، بین ۸ تا ۱۲ روز طول می‌کشد. پشه آلوده تا آخر عمر خود می‌تواند ویروس را از طریق گزش به انسان منتقل کند.



انتقال از انسان به پشه

پشه می‌تواند از طریق فردی که ویروس دانگ در خون او وجود دارد، آلوده شود. ممکن است فرد علامت داشته یا نداشته باشد. انتقال ویروس از انسان به پشه می‌تواند از دو روز قبل از شروع علائم تا دو روز پس از قطع تب رخ دهد. هرچه میزان آلودگی ویروس در خون بیمار بیشتر باشد، احتمال انتقال از انسان به پشه بالاتر است. ویروس می‌تواند یک تا دو هفته در خون بیماران باقی بماند.

انتقال از پشه به پشه

ویروس از طریق پشه مادر به پشه دختر منتقل می‌شود و نسل به نسل همچنان ادامه می‌یابد که باعث گسترش ویروس می‌شود.

سایر روش‌های انتقال

هر چند به ندرت، ولی احتمال دارد در زمان بارداری ویروس از خون مادر به جنین منتقل شود و در صورت انتقال از مادر باردار به جنین، احتمال به دنیا آمدن زودرس نوزاد، نوزاد با وزن پایین و برخی مشکلات مادرزادی مطرح است.

❁ پیشگیری

هنوز واکسن قطعی برای همه کشورهای وجود ندارد، اما یک واکسن دانگ به نام دانگ واکسینا در چندین کشور به ثبت رسیده است که در حال حاضر فقط در مناطق بو می بیماری تزریق می‌شود و شامل سه پهنده (دوز) به فاصله هر شش ماه است. بقیه واکسن‌ها در مرحله مطالعه هستند. سایر روش‌های پیشگیری

شامل نامساعد کردن محیط تکثیر و تخم‌گذاری پشه، حذف پشه بالغ و کاهش احتمال گزش است که به هدف به حداقل رساندن تکثیر پشه و تماس آن با انسان انجام می‌شود.

❁ تشخیص

آزمایش روی سرم بیماران برای بررسی پادتن‌ها، آزمون سریع و آزمون خون برای ارزیابی گلبول‌های سفید خون و گرده (پلاکت)‌ها و PCR.

❁ درمان

درمان ضد ویروس اختصاصی وجود ندارد و با توجه به علائم بیمار و شدت بیماری، درمان با توصیه‌های مراقب سلامت و پزشک، به صورت سرپایی یا بستری در بیمارستان خواهد بود. در این مدت بیمار باید به طور مرتب پایش شود. حتی تا دو روز پس از قطع تب نیز پایش باید ادامه یابد. برای کاهش تب و تسکین درد بهترین دارو استامینوفن است. بعضی از داروهای تب‌بر مانند آسپرین و ایبوپروفن می‌توانند به بروز یا تشدید خون‌ریزی منجر شوند. درمان به موقع در این بیماری می‌تواند از مرگ و میر ناشی از آن جلوگیری کند.

❁ توصیه و پیشنهاد

- پوشیدن لباس‌های آستین بلند و شلوار بلند و جوراب در زمان سفر به مناطق همه‌گیری بیماری؛
- استفاده از کرم یا مواد دفع‌کننده حشرات بر مناطق پوست که با لباس پوشیده نمی‌شوند؛
- استفاده از پشه‌بند در صورت استراحت در فضای باز؛
- نصب توری مناسب روی در و پنجره؛
- تخلیه و تمیز کردن مرتب ظرف‌های محتوی آب گلدان‌های شیشه‌ای، ظرف‌های زیر گلدان و ظرف‌های آب پرندگان و حیوانات و حوض؛
- تعبیه در روی ظرف‌های حاوی آب مانند مایع‌بر (تانکر) و استخر و حوض؛
- جلوگیری از تجمع آب راکد در زباله‌ها و ضایعات جامد؛
- آگاهی بخشی به کودکان و مراجعه سریع به پزشک، به منظور مهار تب و عوارض (در صورت مشاهده علائم)؛

- جلوگیری از سفرهای بدون ضرورت و تردد در فضاهای آزاد در گروه‌های پرخطر از جمله افراد مسن، کودکان و بیماران دچار نقص ایمنی. ❁

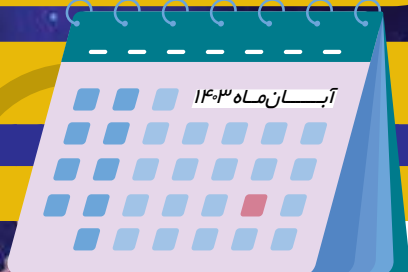
منابع

۱. راهنمای عمومی پشه آندس و بیماری‌های مرتبط. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و پدافند غیرعامل. تیر ماه ۱۴۰۳.

2. Paz-Bailey G, Adams LE, Deen J, Anderson KB, Katzelnick LC. Dengue. The Lancet. 2024 Feb 17;403(10427).

تقویم

آبان



دکتر لیلا میرزایی
دانش آموخته فلسفه
تعلیم و تربیت

* بایار مهربان مهربان تر باشیم *

کتاب خوانی به عنوان فعالیت مفید و سودمند برای رشد فردی، افزایش دانش و بهبود مهارت‌های زبانی و ادبی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. همچنین می‌تواند تأثیر مثبتی روی مطالعه درسی دانش‌آموزان داشته باشد؟ *

* میلاد خجسته حضرت زینب (س) گرامی باد *

عقیله، عارفه، عالمه، عابده، فهیمه و کامله از لقب‌های بانویی هستند که پدرش امیرالمؤمنین، علی (ع)، بود و مادرش هم فاطمه زهرا (س). به هر دو خیلی شبیه بود. وقتی به دنیا آمد، رسول خدا (ص) در سفر بود. در بازگشت، به محض شنیدن خبر تولد دختر علی (ع)، خودش را به آن‌ها رساند. در آغوش گرفت و بوسیدش و نامش را زینب گذاشت: یعنی «زینت پدر» که شد واقعاً زینت پدر.

بانو الگوی صبر و از خودگذشتگی بود. به همین دلیل روز ولادت او را در تقویم روز پرستار نامیده‌اند. این روز بزرگ را به همه پرستاران فداکار و قهرمان کشورمان که با وجود سختی کار، صبر و مهربانی‌شان زبانزد است، تبریک عرض می‌کنیم.

* سیزده آبان تجلیگاه رشادت و غیرت دانش‌آموز ایرانی *

۱۳ آبان یادآور حماسه‌ها و ایثارگری‌های ملت ایران است؛ روزی که در سه دوره، اتفاقات مهمی در آن رقم خورده است؛ اتفاقاتی که موجب شده‌اند ۱۳ آبان در یادها و خاطره‌ها ماندگار شود. ۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار و یادآور سه واقعه مهم در تاریخ معاصر ایران است که در سه دوره متفاوت رخ داده است. به همین دلیل این روز را در تاریخ کشور به عنوان روزی به یادماندنی به ثبت رسانده است. تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، کشتار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان معترض به حکومت پهلوی در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ که با عنوان روز دانش‌آموز نام گرفت و تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، این سه واقعه تاریخی را تشکیل می‌دهد که هر کدام اهمیت خاصی دارد.

۱ آبان

شهادت مظلومانه آیت‌الله سید مصطفی خمینی

۸ آبان

شهادت محمد حسین فهمیده (بسیجی ۱۳ ساله) روز نوجوان و بسیج دانش‌آموزی و روز پدافند غیرعامل

۱۰ آبان

شهادت آیت‌الله قاضی طباطبایی اولین شهید محراب به دست مجاهدین خلق

۱۳ آبان

تسخیر لانه جاسوسی، روز مبارزه با استکبار جهانی و روز دانش‌آموز

۱۴ آبان

روز فرهنگ عمومی

۱۷ آبان

ولادت حضرت زینب (س) و روز پرستار

۱۸ آبان

روز کیفیت

۲۰ آبان

روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه

۲۴ آبان

روز کتاب و کتابخوانی و کتابدار و روز بزرگداشت آیت‌الله علامه سید محمد حسین طباطبایی

۲۵ آبان

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) به روایتی

۲۶ آبان

سالروز آزادسازی سوسنگرد

۲۷ آبان

ولادت حضرت امام سجاد (ع)

جشنواره

برگزاری و
نمایشگاه

مؤلف: صفی الله ملکی
ناشر: فارسیران
سال نشر: ۱۳۹۵

کتاب پنج فصل دارد:

فصل اول: اصول مدیریت برگزاری نمایشگاه و جشنواره، تعریف ضرورت، زمان شناسی، جذابیت و چگونگی مشارکت دادن مردم.

فصل دوم: تعریف نمایشگاه، پیشینه نمایشگاه در ایران و جهان، فواید، اهداف، انواع، محل و هزینه ها، چگونگی طراحی نمایشگاه، انواع غرفه ها، ساختمان، کارکنان، مدیریت غرفه ها، ارزیابی و علل عدم موفقیت، ویژگی های روان شناختی مدیران نمایشگاه، ویژگی های فروشنده، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تجزیه و تحلیل اطلاعات بازدیدکنندگان، راهکارهای عملی و ضوابط و مقررات نمایشگاه های داخلی و بین المللی.

فصل سوم: تعریف، تشریح و اهداف جشنواره، سمینار، کنگره، گردهمایی، کنفرانس، همایش، سمپوزیوم، کمیسیون، کمیته، میزگرد، مجمع و مناظره. چگونگی برگزاری برنامه ریزی، سازمان دهی، تشکیل ستاد برگزاری و طراحی دکوراسیون.

فصل چهارم: اصول برگزاری و اجرای همایش. عنوان، زمان، مکان، مدعوین و نحوه ارائه مقاله. اطلاع رسانی، برنامه های کلی، تفصیلی، کاربردی، ساختار همایش و مراسم پایانی.

فصل پنجم: چگونگی اجرای فراخوان، کارگاه های آموزشی، تقویم اجرایی، شرایط ثبت نام، برگه های امتیاز بندی هیئت داوران مقالات، شیوه های اخذ مجوز مجامع و گردهمایی ها از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی.

این کتاب برای استفاده معلمان همه پایه های تحصیلی، مربیان پرورشی، مدیران مدرسه، کارشناسان آموزشی اداری و پرورشی ادارات آموزش و پرورش مناطق، استان ها و حتی حوزه ستادی در برگزاری نمایشگاه و جشنواره ها، هم اندیشی ها، همایش ها و مناظره ها و همچنین برای آموزش شیوه های برگزاری مطلوب، مؤثر و مفید آن ها در فضاهای آموزشی و اداری تهیه و تدوین شده است.

یکی از مشکلات برگزاری هم اندیشی ها و نمایشگاه ها، نداشتن شناخت و آشنایی با مدیریت و برنامه ریزی صحیح فرایند چگونگی جلب مخاطب، مکان و زمان، و نیز ناآشنایی با ضوابط و مقررات برگزاری آن در سطوح اجرایی و حتی ملی و ستادی است. این کتاب حاوی دستورالعمل ها و رهنمودهای لازم و مفیدی برای نتیجه بخشی و مثمر بودن برگزاری نمایشگاه و انواع گردهمایی دانش آموزی، همکاران فرهنگی و دانشجویی دانشگاه فرهنگیان است.